



دانشگاه قرآن و حدیث
پرویس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته الهیات

گرایش فقه و مبانی حقوق

عنوان پایان نامه

ملاک های جرم انگاری بدحجابی در فقه و حقوق موضوعه

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود علوی

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رسائی

دانشجو

حسین مهدوی

سال و ماه دفاع

اردیبهشت ۱۳۹۲

حاشیه
برجسته



دانشگاه قرآن و حدیث
پریس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته الهیات

گرایش فقه و مبانی حقوق

عنوان پایان نامه

ملاک های جرم انگاری بدحجابی در فقه و حقوق موضوعه

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود علوی

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رسائی

دانشجو

حسین مهدوی

سال و ماه دفاع

اردیبهشت ۱۳۹۲

«تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است»

تقدیم

این اثر ناچیز را به روح مطہر و منور حضرت فاطمه زہرا (سلام اللہ علیہا) تقدیم می نمایم
امید است کہ مورد قبول واقع شود

قدردانی:

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

بر خود لازم می دانم از استاد گرانقدر حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود علوی که در مقام راهنما در گردآوری این رساله زحمات فراوان و ارزنده ای را متحمل شده اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین از استاد ارجمند حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رسایی که بعنوان مشاور در همه حال با راهنمایی‌های خود در انجام این پژوهش مرا یاری کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در پایان از همسر مهربانم که با وجودشان بر وجودم خط عشق و مهر کشیدند، تشکر و قدردانی می نمایم.

چکیده

جرم انگاری یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزهکاری و انحرافات اجتماعی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزشهای جامعه، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می‌کند.

با توجه به اینکه «بی‌حجابی» در قانون مجازات اسلامی به عنوان جرم مطرح گشته، در این تحقیق به بررسی ملاک‌های جرم انگاری «بی‌حجابی» در فقه و حقوق موضوعه و ارکان اختصاصی جرم «بی‌حجابی» پرداخته شده است.

بر اساس آیه ۱۹ از سوره نور خداوند متعال، با قرار دادن حق تعزیر برای حاکم شرع دست او را برای مبارزه با فساد و فحشاء در جامعه باز گذاشته است، بنابراین ادله تعزیرات و به عبارت دیگر قاعده فقهی «کلُّ من خالف الشرع فعلیه حدُّ او تعزیرٌ» یکی از ملاک‌های جرم انگاری «بی‌حجابی» است، از آنجاکه با رعایت نکردن حجاب اسلامی، نظم عمومی، سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه و خانواده آسیب می‌بیند، بدحجابی در شمار جرایم عمومی است که جرم انگاری آن با تعاریف ارائه شده از جرم نیز سازگار می‌باشد، بنابراین با توجه به ادله امر به معروف و نهی از منکر، ولایت حکومت و دولت اسلامی بر امور حسبه، لزوم تامین نظم اجتماعی و امنیت عمومی، جرم بدحجابی از طرف حکومت اسلامی و قانونگذار قابل تعقیب می‌باشد.

از آنجا که رعایت مصالح و منافع فردی و اجتماعی و دفع مفسد، اساس تمام مجازات و فلسفه ی احکام قضائی است، یکی دیگر از ملاک‌های جرم انگاری «بی‌حجابی» را می‌توان وجود مصالح و فوائد در قانون حکیمانه حجاب و مضرات و مفسد در «بی‌حجابی» بدانیم، نظام کیفری اسلام نیز تابع مصالح ای از جمله (نفس، عقل، دین، نسل، و مال) می‌باشد که هر کدام از اینها ملاکی برای جرم انگاری یک عمل محسوب می‌شوند که بدحجابی با همه این ملاکها و مصالح ارتباط دارد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق جرم انگاری «بی‌حجابی» امری عقلائی و بر مبنای مستحکم فقهی و حقوقی استوار است.

کلیدواژه: جرم انگاری، حجاب و عفاف، بی‌حجابی، مبانی فقهی، مبانی حقوقی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۴	بخش اول: کلیات
۱۵	فصل اول: طرح تحقیق
۱۵	۱.۱ بیان مسئله
۱۶	۱.۲ اهمیت و ضرورت
۱۸	۱.۳ سؤالات تحقیق
۱۸	۱.۴ فرضیات تحقیق
۱۹	۱.۵ پیشینه تحقیق
۱۹	۱.۶ ساختار تحقیق
۲۰	فصل دوم: واژه حجاب
۲۰	۲.۱ معنای لغوی واژه حجاب
۲۱	۲.۲ معنای اصطلاحی واژه حجاب
۲۲	۲.۳ واژه حجاب در قرآن
۲۴	فصل سوم: تاریخچه حجاب
۲۴	۳.۱ فطری بودن پوشش
۲۶	۳.۱.۱ روش‌های شناخت امور فطری
۲۷	۳.۲ حجاب در شریعت زرتشت
۲۹	۳.۳ حجاب در شریعت یهود
۳۱	۳.۴ حجاب در شریعت مسیحی
۳۲	۳.۴.۱ لزوم عفت و خانه نشینی
۳۲	۳.۴.۲ لزوم آراستگی به حیا
۳۲	۳.۴.۳ لزوم پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی
۳۳	۳.۵ حجاب در ایران باستان
۳۴	۳.۶ آیا حجاب از ایران به اسلام و مسلمانان منتقل شده است؟
۳۶	۳.۷ حجاب در اسلام
۳۶	۳.۷.۱ حجاب در قرآن
۳۶	۳.۷.۱.۱ آیه جلیاب
۳۹	۳.۷.۱.۱.۱ ریشه قرآنی مشکی بودن چادر در واژه «جلیاب»

۴۰ ۳.۷.۱. ۳. آیه خمار
۴۱ ۳.۷.۲. ۳. حجاب قرآنی سر تکریم و گرامیداشت گوهر وجود زن
۴۳ ۳.۷.۳. ۳. اسلام و تصحیح نوع نگاه به زن در قرآن
۴۴ ۳.۷.۴. ۳. ضروری بودن حجاب در اسلام
۴۴ ۳.۷.۴. ۱. حکم حجاب و ضروری بودن آن از نظر فقهای متأخر امامیه
۴۵ ۳.۷.۴. ۲. حکم حجاب و ضروری بودن آن از دیدگاه فقهای معاصر امامیه
۴۶ ۳.۸. نتیجه گیری
۴۷ فصل چهارم : رابطه حجاب و عفاف
۴۷ مقدمه
۴۸ ۴.۱. معنای لغوی عفاف
۴۸ ۴.۲. معنای اصطلاحی عفاف
۴۹ ۴.۳. مفهوم جامعه شناختی عفاف
۵۰ ۴.۴. اهمیت و ارزش عفاف در روایات
۵۱ ۴.۵. واژه عفاف در قرآن
۵۳ ۴.۶. عفاف و موارد آن
۵۳ ۴.۶.۱. عفت در گفتار
۵۵ ۴.۶.۱.۱. عفت زنان در گفتار و نوع سخن گفتن
۵۶ ۴.۶.۱.۲. ممنوعیت شوخی یا نامحرمان
۵۸ ۴.۶.۲. عفت در شهوت و امور جنسی
۶۰ ۴.۶.۳. عفت در نگاه
۶۳ ۴.۶.۳.۱. انواع نگاه
۶۳ ۴.۶.۳.۲. اثرات عفت در نگاه
۶۳ ۴.۶.۳.۲.۱. چشیدن طعم ایمان و عبادت
۶۴ ۴.۶.۳.۲.۲. رسیدن به نعمتها بهشتی و حورالعین
۶۴ ۴.۶.۳.۲.۳. دستیابی به بالاترین غنیمت
۶۵ ۴.۶.۳.۲.۴. در امان ماندن از فساد و فحشاء
۶۶ ۴.۶.۳.۳. آثار عدم عفت در نگاه و چشم چرانی
۶۶ ۴.۶.۳.۳.۱. افتادن در دام شیطان
۶۷ ۴.۶.۳.۳.۲. سلب آسایش فکری

- ۳.۳.۴. تحریک شهوت ۶۷
- ۳.۳.۴. عذاب‌های اخروی ۶۸
- ۴.۴. عفت در رفتار، کردار و روابط اجتماعی ۶۸
- ۴.۴.۱. پرهیز از استعمال عطر و خوشبو کننده‌ها در میان نامحرمان ۷۱
- ۴.۴.۲. پرهیز از سوار شدن بر مرکب ۷۲
- ۴.۴.۳. پرهیز از دست دادن با نامحرمان ۷۲
- ۴.۴.۴. پرهیز از مراجعه به طیب نامحرم ۷۳
- ۴.۴.۵. عفت در پوشش ۷۳
- ۴.۵.۱. اهمیت پوشش سر تا سری (چادر) ۷۴
- ۴.۵.۲. پرهیز از آشکار کردن زینت‌ها در محیط اجتماع ۷۵
- ۴.۵.۳. پرهیز از لباس‌های نازک و بدن نما ۷۵
- ۴.۵.۴. پرهیز از لباس‌های تنگ و مشخص کننده‌ی حجم بدن ۷۵
- ۴.۵.۵. پرهیز از پوششی که شبیه مردان باشد ۷۶
- ۴.۵.۶. پرهیز از لباس‌های جذاب و تحریک کننده ۷۶
- ۴.۷. آموزگار عفاف ۷۷
- ۴.۸. رابطه حجاب، عفاف و حیا ۷۸
- فصل پنجم: حجاب در آئینه تمثیلات ۸۱
- ۵.۱. حجاب و منفعت ۸۱
- ۵.۲. سد و حجاب ۸۲
- ۵.۳. حجاب و سلامتی ۸۲
- ۵.۴. فانوس و شمع ۸۲
- ۵.۵. سیم خاردار ۸۳
- ۵.۶. غنچه و حجاب ۸۴
- ۵.۷. آب و آتش ۸۴
- ۵.۸. حفظ جواهر ۸۵
- ۵.۹. شیشه و عطر ۸۵
- بخش دوم : ملاک‌های فقهی و حقوقی جرم انگاری بیحجابی در فقه و حقوق موضوعه ۸۶
- فصل ششم: مبانی و ملاک‌های فقهی جرم انگاری بی حجابی ۸۷
- مقدمه ۸۷

۸۸	۱. ۶ دفع فساد و فحشا، ملاک جرم انگاری بی حجابی در قرآن
۹۱	۲. ۶ اجتماعی بودن حکم حجاب در قرآن و تناسب آن با جرم انگاری بی حجابی
۹۱	۳. ۶ قاعده فقهی «کلُّ مَنْ خَالَفَ الشَّرْعَ فَعَلَيْهِ حُدٌّ وَ تَعْزِيرٌ»
۹۲	۱. ۶.۳ مفهوم و معنای تعزیر و مسائل مربوط به آن
۹۲	۱. ۱. ۳. ۶ تعزیر در لغت
۹۲	۲. ۱. ۳. ۶ تعزیر در اصطلاح فقهای شیعه
۹۲	۳. ۱. ۳. ۶ نظرت فقهای شیعه در وجوب تعزیر
۹۳	۴. ۱. ۳. ۶ تناسب تعزیر با جنایت
۹۳	۵. ۱. ۳. ۶ تابع مفسده بودن تعزیر
۹۴	۶. ۱. ۳. ۶ اثبات وجوب تعزیر به وسیله قرآن کریم
۹۴	۷. ۱. ۳. ۶ اثبات وجوب تعزیر به وسیله روایات
۹۵	۸. ۱. ۳. ۶ اثبات وجوب تعزیر به وسیله عقل
۹۶	۴. ۶. ولایت حکومت و دولت در حسبه
۹۸	۵. ۶. ادله امر به معروف و نهی از منکر و ولایت و مسئولیت دولت نسبت به آن
۹۹	۶. ۶ سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در توجه به حجاب و مقابله با بی حجابی
۱۰۸	فصل هفتم: مبانی و ملاک های حقوقی جرم انگاری بی حجابی
۱۰۸	۱. ۷. ضرورت وجود قانون و مسائل مربوط به آن در جامعه
۱۰۸	۱. ۱. ۷. نیاز بشر به قانون و قواعد حقوقی
۱۰۹	۲. ۱. ۷. خصوصیات قانون کامل
۱۰۹	۳. ۱. ۷. خصوصیات بهترین قانون گذار
۱۱۰	۴. ۱. ۷. حقوق کنونی ایران و ارتباط آن با دین و مذهب
۱۱۲	۵. ۱. ۷. رابطه و تاثیر متقابل حقوق و اخلاق در اسلام
۱۱۳	۲. ۷. نتیجه گیری
۱۱۵	فصل هشتم: مصالح و فواید حجاب، مفاسد و مضرات بی حجابی
۱۱۵	۱. ۸. مصالح و فواید حجاب
۱۱۵	۱. ۱. ۸. دفع مفاسد
۱۱۷	۲. ۱. ۸. امنیت روانی در فرد و اجتماع
۱۲۰	۳. ۱. ۸. حفظ نسل از خطر سقوط
۱۲۱	۴. ۱. ۸. حفظ ارزش و کرامت انسانی زن

۵. ۱. کاهش انحرافات جنسی ۱۲۲
۶. ۱. ایجاد مصونیت و امنیت برای زن ۱۲۲
۷. ۱. تقویت علاقه مرد به همسرش ۱۲۳
۸. ۱. رونق اخلاق اسلامی در جامعه ۱۲۳
۹. ۱. حجاب و سلامتی ۱۲۵
- ۸/۲. مفاسد و مضرات بی حجابی ۱۲۵
۱. ۲. آسیب دیدن استحکام خانواده و زمینه سازی طلاق ۱۲۶
۲. ۲. اختلال در تربیت فرزندان ۱۲۷
۳. ۲. بی علاقگی به ازدواج و تشکیل خانواده ۱۲۹
۴. ۲. افزایش آمار فرزندان نامشروع ۱۳۰
۵. ۲. فروپاشی شخصیت ۱۳۱
۶. ۲. سلب امنیت زنان و دختران ۱۳۲
۷. ۲. خشونت و آزار جنسی ۱۳۳
۸. ۲. افزایش جرائم و جنایات جنسی و جرائم مرتبط با امور جنسی ۱۳۴
۹. ۲. افزایش ابتلا به بیماری ها و به خطر افتادن بهداشت جامعه ۱۳۵
۱۰. ۲. تنزل بهره وری در فعالیت های اجتماعی و زمینه سازی رخدادهای مخاطره آمیز ۱۳۷
۱۱. ۲. افت تحصیلی و آموزشی در مراکز علمی ۱۳۸
۳. ۸. نتیجه گیری ۱۳۹
- فصل نهم: ارکان اختصاصی جرم بی حجابی ۱۴۰
۱. ۹. تعریف جرم ۱۴۰
۱. ۱. ۹. معنای لغوی جرم ۱۴۱
۲. ۹. ۱. ۹. جرم از دیدگاه جامعه شناسان ۱۴۱
۳. ۹. ۱. ۹. تعریف جرم از نقطه نظر مذهبی ۱۴۱
۴. ۹. ۱. ۹. جرم در اصطلاح فقهی ۱۴۳
۵. ۹. ۱. ۹. تعریف جرم از نقطه نظر قانونی ۱۴۳
۶. ۹. ۱. ۹. تعریف جرم از دیدگاه جرم شناسی ۱۴۴
۲. ۹. ۱. ۹. ارکان اختصاصی جرم بی حجابی ۱۴۴
۱. ۲. ۹. رکن قانونی جرم بی حجابی ۱۴۴
۲. ۲. ۹. رکن مادی جرم بی حجابی ۱۴۶

۱۴۶ ۹.۲.۲.۱ مرتکب جرم
۱۴۷ ۹.۲.۲.۲ ترك فعل
۱۴۷ ۹.۲.۲.۲.۱ عفت عمومی
۱۴۷ ۹.۲.۲.۲.۲ عمل حرام
۱۴۷ ۹.۲.۲.۲.۳ جریحه دار کردن عفت عمومی
۱۴۸ ۹.۲.۲.۲.۴ مصادیق جریحه دار کردن عفت عمومی
۱۴۹ ۹.۲.۳ رکن معنوی (روانی) جرم بی حجایی
۱۵۰ ۹.۳ نتیجه گیری
۱۵۱ فصل دهم: نتایج و پیشنهادها
۱۵۱ ۱۰.۱ نتایج
۱۵۳ ۱۰.۲ پیشنهادها
۱۵۴ فهرست منابع و مأخذ:

بخش اول: کلیات

فصل اول: طرح تحقیق

۱.۱. بیان مسئله

بی حجابی یکی از معضلات جوامع بشری در دنیای کنونی است و جامعه ما نیز از این امر مستثنی نبوده و به علت فقدان درک صحیح از حجاب و عفاف و عدم رعایت قانون حجاب با مشکلات زیادی روبه رو شده است. به همین دلیل قانونگذار «بی حجابی» را در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در فصل ۱۸ که به جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی می پردازد جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. اما متأسفانه این قانون هم اکنون در کشور ما اجرا نمی شود و نیاز به اصلاح و کاربردی کردن آن در جامعه به شدت احساس می شود. ارائه درک صحیح از مسئله حجاب و عفاف و بیان دلائل فقهی و حقوقی جرم انگاری بی حجابی، یکی از راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از گسترش این انحراف و معضل اجتماعی است که امنیت و سلامت اخلاقی جامعه را با چالش جدی مواجه کرده است. مسلماً با روشن شدن اهمیت عفاف و حجاب در جامعه و قطعی شدن مجازات در قبال بی حجابی، با ارائه دلایل منطقی، ضروری بودن اصلاح و اجرای قانون حجاب و کاربردی کردن آن و پذیرش قانون حجاب در سطح جامعه فراهم خواهد شد.

۱.۲. اهمیت و ضرورت

حجاب از ضروریات اسلام و یکی از امتیازات بزرگ مسلمانان در برابر ملل دیگر است. در دنیای امروز حجاب به عنوان سمبل اسلام شناخته شده است. کسانی که می خواهند با اسلام مبارزه کنند با حجاب زنان محجبه مبارزه می کنند حتی گاهی دشمنان تعبیر می کنند اگر ما موفق شویم حجاب را از سر مسلمانان یا زنان ایرانی برداریم در واقع تا حد زیادی توانسته ایم اسلام یا نظام جمهوری اسلامی را شکست دهیم.

یکی از مقاصد بزرگی که استعمار تقریباً از صد سال پیش دنبال می کند این است که حجاب را از بین ببرد، آنها می دانستند که اگر کشف حجاب صورت گیرد هویت مسلمانان عوض می شود واقعاً هم همین طور است یعنی حفظ شخصیت اسلامی ما وابسته به حجاب است. اگر حجاب زنها از بین برود شخصیت اسلامی ما خیلی مخدودش می شود اگر ما بخواهیم شخصیت اسلامی خود را حفظ کنیم و جامعه ما جامعه مسلمان باشد حتماً باید هر چه میتوانیم در مسئله حجاب سرمایه گذاری کنیم تا این امتیازی که در بین ملل دنیا داریم محفوظ بماند.

اهمیت این مسئله در آیات و روایات هم مشخص است و دشمنان هم به آن پی برده اند لذا به آن هجوم آورده اند و برای زدودن حجاب و عفاف در جوامع اسلامی مخصوصاً ایران اسلامی بسیار سرمایه گذاری کرده و می کنند.^۱

یکی از جاسوسان انگلیسی به نام «مسترهمفر» که در دوره ناصرالدین شاه مرتبط با همین موضوع در ایران فعالیت می کرد در گزارشی به اربابان خود چنین می نویسد:

«در مسئله بی حجابی زنان، باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند، باید با استفاده شواهد و دلایل تاریخی اثبات کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم همسران پیامبر را بدون حجاب می دیده اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی دوش به دوش مردان فعالیت داشته اند ... پس از آنکه حجاب با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند ...»

و اکنون هم این مبارزات در گسترده ترین شکل خود در جوامع اسلامی و حتی ایران، با سوء استفاده از موقعیت بسیاری از روشنفکران و مسئولین کج فهم داخلی انجام می گیرد و این فعالیت های زیرزمینی و مدرن

۱. شفیع سروستانی، ابراهیم، حجاب مسئولیت ها و اختیارات و دولت اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۳.

بر علیه حجاب و عفت اسلامی روز به روز در انواع برنامه ها و سیاستها و گفتارهای برخی از نهادها و مسئولین و صاحبان گفتار و قلم، مخصوصاً در انواع برنامه ها و ترویجات رسانه های گروهی ما مثل تلویزیون، سینما، ادارات، دانشگاه ها و ... چهره آشکارتری به خود می گیرند و همه اینها، علاوه بر تبلیغات منفی و مستقیم دیگر آنها هستند که از طریق شبکه های غیرقانونی و اینترنت و ... بر پیکره فرهنگ اسلامی تحمیل می کنند.

آری، امروزه همه دشمنان اسلام به این موضوع و آرمان اسلامی به عنوان یک نماد اساسی برای دین اسلام و علی الخصوص انقلاب اسلامی ایران و همچنین به عنوان رمز هویت ممالک اسلامی و موجب استحکام آنها نگاه می کنند و بهتر از خود ما می دانند که چگونه تضعیف آن در این کشورها هویت اسلامی و حتی سیاسی و اقتصادی آنها را به خطر انداخته و نفوذپذیر خواهد نمود، اخیراً «ریون کرلت» صهیونیست و مسئول سابق شبکه جاسوسی سیاه در ایران چنین گفته است:

«چادر نمادی است که وجود انقلاب در سر هر چهار راه به نمایش می گذارد، با چادر می توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است.»^۱

امروزه مسائل اجتماعی - اخلاقی پیوند زیادی بامسئله حجاب پیدا کرده است. ما در شرایطی زندگی می کنیم که اگر مسائل مربوط به حجاب پیگیری و تقویت نشود فساد اخلاقی بسیاری از جوانان ما را فرا خواهد گرفت و این فساد اخلاقی جنبه فساد سیاسی هم پیدا می کند و دیگر نمی توان در صحنه های سیاسی و مبارزه های نظامی و امثال آن از جوانان انتظاری داشت.

با توجه به مطالب گفته شده، پرداختن به زوایای مختلف بحث حجاب، یکی از وظایف مهم موسسات علمی و دانشگاهی است. ما باید ثابت کنیم که مسئله حجاب نه یک عادت، تعصب و یا از روی خشونت، بلکه یک بحث منطقی است که اگر غیر مسلمان هم آنرا رعایت کنند به نفع آنان است.

در این زمینه یکی از مباحثی که حائز اهمیت می باشد بحث ملاک های جرم انگاری بی حجابی در منابع فقهی و حقوقی است که در این تحقیق به بررسی این ملاک ها خواهیم پرداخت. در واقع با اثبات جرم بودن بد حجابی، پیش از پیش روشن می شود وظیفه قوه مقننه تصویب قوانین جامع، روشن و کاربردی برای جلوگیری از رواج این معضل بزرگ در جامعه است.

البته لازم به تذکر است که علاوه بر مشخص کردن وظایف قانونی دولت و سایر دستگاهها در زمینه مبارزه با بدحجابی برای ایجاد فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه نیاز به کار فرهنگی نیز می باشد که می توان گفت در

۱. احمدی جلفائی، حمید، *چهل حدیث پیرامون حجاب و عفت زنان*، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۱۰.

زمینه کار فرهنگی نیز می توان از ظرفیت قوه مقننه در این راستا بهره های فراوان برد.

۱.۳. سوالات تحقیق

- ۱- آیا بی حجابی صرفاً يك ناهنجاری اجتماعی است یا جرم هم محسوب می شود؟
- ۲- ملاک ها و دلایل فقهی و حقوقی برای اثبات جرم انگاری بی حجابی کدام است؟
- ۳- آیا تقویت و گسترش فرهنگ عفاف در جامعه اسلامی یکی از ضمانت های اجرا و عامل استمرار و استواری حجاب است؟
- ۴- دلایلی که معتقدان به حجاب و عفاف اسلامی آن را به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر مطرح کرده اند چیست؟

۱.۴. فرضیات تحقیق

- ۱- علاوه بر اینکه بی حجابی يك ناهنجاری اجتماعی است جرم نیز محسوب می شود زیرا ملاک های فقهی و حقوقی برای اثبات جرم انگاری آن وجود دارد.
- ۲- از جمله دلایل و ملاک هایی که می توان برای اثبات جرم انگاری بی حجابی مطرح کرد عبارتند از: وجود ملاک جرم انگاری بی حجابی در قرآن، وجود مصلحت در قانون حجاب و مفسده در بی حجابی، ادله تعزیرات یا به عبارتی، قاعده فقهی (كُلُّ مَنْ خَالَفَ الشَّرْعَ فَعَلِيهِ حَدٌّ أَوْ تَعْزِيرٌ)
- ۳- با توجه به رابطه عمیق و ناگسستنی حجاب و عفاف یکی از ضمانت های اجرا و عامل استمرار و استواری حجاب تحکیم و تقویت عامل درونی آن، یعنی عفاف است
- ۴- سلامت اخلاق جامعه، استحکام پیوند خانوادگی، رعایت حقوق اجتماعی دیگران، تضمین حضور جدی زن در اجتماع و ... از جمله مواردی است که معتقدان به حجاب و عفاف اسلامی آنرا به عنوان ضرورتی اجتناب

ناپذیر مطرح کرده اند.

۱.۵. پیشینه تحقیق

تا کنون در خصوص موضوع حجاب تحقیقات زیادی انجام شده اما بیشتر به فلسفه حجاب، فواید آن و عوامل بی حجابی و غیره پرداخته شده است و کمتر نسبت به ملاک های جرم انگاری بی حجابی در فقه و حقوق موضوعه بحث شده است. به همین دلیل در تحقیق حاضر به این موضوع پرداخته ایم.

۱.۶. ساختار تحقیق

با توجه به ماهیت علوم انسانی، این تحقیق جنبه تئوری و نظری داشته و در این پژوهش از تحقیق کتابخانه‌ای، نرم افزارهای اسلامی و اینترنت استفاده شده است و این تحقیق در ده فصل تنظیم شده است.

فصل دوم: واژه حجاب

۱.۲. معنای لغوی واژه حجاب

حجاب، واژه عربی است و زبان شناسان عرب این واژه را چنین معنا کرده‌اند:

الف) الحجب و الحجاب یعنی بازداشتن و ممانعت از دسترسی و رسیدن به چیزی، گفته می‌شود و نیز حجاب یعنی جوف و باطن و آنچه از دل پوشیده و پنهان است.^۱
ب) در مصباح المنیر آمده است:

حجب، معنای منع است: از این رو به پوشش، حجاب گفته می‌شود، زیرا پوشش، مانع از مشاهده می‌شود. به دربان، حجب گفته می‌شود؛ چون مانع و باز دارندنده از ورود دیگران است. اصل معنای حجاب، جسمی است که بین دو جسد حائل می‌شود و گاه بر امور معنوی نیز به کار می‌رود؛ از اینرو گفته شده است: «عجز» حجاب میان انسان و مراد او، «معصیت» حجاب بین بنده و پروردگار اوست.^۲

پ) در قاموس قرآن نیز چنین آمده است:

حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است. حجاب به معنی پرده نیز

است.^۳

۱. خسروی حسینی، سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، تاریخ نشر ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، منشورات دارالرضی ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۱۰۴.

ت) حجاب به معنای سترو پوشش:

صاح اللغه معنای پوشش را برای حجاب یادآور شده و گفته است «حجاب یعنی پوشش و حجاب درون انسان، یعنی آنچه که بین قلب و سایر آن حائل می‌شود.

چنانچه ابن منظور نیز در لسان العرب، حجاب را به معنی ستر دانسته و گفته است: «حجاب به معنای ستر و پوشش است؛ «حجبه» یعنی آن را پوشانید؛ زن محجوب زنی است که پوشیده باشد.^۱

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه «حجاب» این معانی آمده است: پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را بدان می‌پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سه تا پای خود را بدان می‌پوشانند.

۲.۲. معنای اصطلاحی واژه حجاب

معنای اصطلاحی این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گیری و خودنمایی بپرهیزد.

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که معترض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب» را.

بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شود و ما همیشه همان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم، زیرا معنی شایع لغت «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نرود. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند چنین چیزهایی وجود

۱. علیمردی، مهناز، علیمردی، محمد مهدی «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت»، معرفت/ادیان، شماره ۳، قم، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۱۹.

داشته است ولی در اسلام وجود ندارد.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خود نمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. در آیات مربوطه لغت «حجاب» به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه «حجاب» به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر است.^۱

۳.۲. واژه حجاب در قرآن

لفظ حجاب در آیات متعددی از قرآن به کار رفته است از آن جمله:

﴿إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾^۲

و هنگامیکه قرآن تلاوت می‌کنی بین تو و بین آنانکه به آخرت ایمان ندارند حجابی قرار داده می‌شود.

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذَنِهِ مَا يَشَاءُ﴾^۳

هیچ بشری نمی‌تواند با خدا تکلم کند مگر به طریق وحی، یا از پشت حجابی و یا بواسطه ارسال رسولی که

به اذن پروردگار به او وحی می‌شود.

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾^۴

و زمانیکه می‌خواهید از همسران پیامبر متاعی را در خواست کنید. از پشت حجابی از آنان سوال و درخواست

کنید.

۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۷، ص ۷۳.

۲. سوره اسراء آیه ۴۵.

۳. سوره شوری آیه ۵۱.

۴. سوره احزاب آیه ۵۳.

﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾^۱

و جدا از آنان پوشش و پرده‌ای برای خود قرار داد و ما روح خود را به سوی او فرستادیم. پس برای او (به صورت) بشری خوش اندام و معتدل نمودار شد.

﴿و بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ

يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ﴾^۲

و میان آن دو (گروه بهشتیان و دوزخیان) حائلی است و بر بلندای آن مردانی [با مقام و منزلت‌اند] که هر کدام از دو گروه را به نشانه‌هایشان می‌شناسند و بهشتیان وارد بهشت نشده‌اند ولی ورود به آن را امید دارند آواز می‌دهند که درود بر شما.

﴿و قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ﴾^۳

و گفتند دل‌های ما از (درک) حقایقی که ما را به آن می‌خوانی در پوشش‌های سختی است و در گوش‌های ما سنگینی است و میان ما و تو پرده‌ای وجود دارد بنابراین تو کار خود را انجام بده و ما هم کار خود را انجام می‌دهیم.

﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾^۴

پس گفت من دوستی اسبان را بر یاد پروردگرم (که نماز مستحب پایان روز است) اختیار کردم [زیرا می‌خواهم از آنان در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می‌کردم] تا [خورشید] پشت پرده افق پنهان شد. با بررسی آیات مربوط به واژه حجاب در قرآن، روشن شد که واژه حجاب در آیاتی که حکم حجاب را بیان کرده‌اند استفاده نشده است.

۱. سوره مریم آیه ۱۷.

۲. سوره اعراف آیه ۴۶.

۳. سوره فصلت آیه ۵.

۴. سوره ص آیه ۳۳.

فصل سوم: تاریخچه حجاب

۱.۳. فطری بودن پوشش

فطرت از ماده «فطر» در لغت به معنای شکافتن، گشودن شیء و ابراز آن، ابتدا و ۴۳۱ اختراع، شکافتن از طول. ایجاد و ابداع آمده است و از آنجا که آفرینش و خلقت الهی به منزله شکافتن پرده تاریک عدم و اظهار هستی امکانی است، یکی از معانی این کلمه، آفرینش و خلقت است. البته آفرینشی که ابداعی و ابتدایی باشد.

کلمه «فطرت» بر وزن «فَعْلَه» است که دلالت بر نوع ویژه می‌کند و در لغت به معنای سرشت و نحوه خاصی از آفرینش و خلقت است.

خاصیت امور فطری، آن است که اولاً مقتضای آفرینش انسان است و اکتسابی نیست، ثانیاً در عموم افراد وجود دارد و همه انسان‌ها از آن برخوردارند، ثالثاً تبدیل یا تحویل پذیر نیست گرچه شدت و ضعف را می‌پذیرد. گفتنی است که فطرت زوال پذیر نیست. لیکن دچار ضعف شده و در نتیجه ستر پذیر است.

ملاک فطری بودن در عقلی عملی به آن است که انسان بالطبع به طرف آن کارها گرایش دارد، کارهایی که اولاً با ساختار درونی انسان هماهنگ است و ثانیاً با هدفی که در پیش دارد مناسب و سازگار است. از این رو عدل از اموری است که نهاد انسان به طرف آن گرایش دارد. و ظلم از اموری که نهاد انسان از آن گریزان است زیرا عدل هم با ساختار درونی انسان هماهنگ است و هم با هدف بیرونی انسان سازگار، برخلاف ظلم که هم تحمیلی بر ساختار درونی انسان است و هم با هدف بیرونی وی ناسازگار، چنانکه سمّ و غذای مسموم، هم با جهاز انسان ناسازگار است و هم با هدف آفرینش وی مخالف است. لذا موجب هلاکت یا رنج او می‌گردد و یا اگر

باعث هلاکت و رنج او نشود و یا از رشد او نگاهد حداقل در رشد و نمو او تأثیری ندارد.

بایدها و نبایدهای اخلاقی و حقوقی و فقهی فطری هستند، ملاک فطری بودن آنها در انسان به این است که با شهوت و غضب او هماهنگ باشد و در جایی که محور، اراده و تصمیم و عزم و اخلاص است تعادل آنها را حفظ کرده و رسیدن به هدف را برای او تسهیل کند و اگر بایدها و نبایدها از اموری باشند که با نظام داخلی انسان و ساختار درونی او هماهنگ نباشند و تعادل قوای او را بر هم بزنند و بین شهوت و عقل یا غضب و عقل اختلاف رخ دهد و یا مانع نظام دنیایی انسان باشد و نگذارد انسان به هدف نائل شود، فطری وی نخواهد بود. دسته‌ای از امور فطری و بایدها و نبایدها، اعتباری و قرارداد اجتماعی محض است که بر اساس تغییر شرایط زمانی و مکانی و تغییر عصرها و نسل‌ها و اعصار و امصار تغییر می‌کند و دسته‌ای از آنها امور اعتباری است که با نظام تکوین هماهنگ است و تغییر پذیر نیست.^۱

دستور پوشش از جمله امور فطری است که ملاک‌های فطری بودن در آن وجود دارد و تغییر پذیر نیست. از آنجا که برهنگی باعث اضطراب می‌شود خداوند پوشش را بر زن و مرد واجب کرد، البته حدود آن متفاوت است و چون همه بدن زن عورت محسوب می‌شود، خداوند به جز وجه و کفین دستور به پوشش همه اعضای بدن را برای زن مقرر کرده است، بنابراین چون اضطراب از برهنگی حاصل می‌شود پوشش وجود دارد که این هماهنگی این دستور با نظام تکوین را می‌رساند که خداوند متعال در سوره اعراف در جریان داستان حضرت آدم (علیه السلام) آن را چنین بیان می‌کند:

﴿فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ﴾^۲

و هنگامیکه از آن درخت چشیدند، اندامشان [=عورتشان] بر آنها آشکار شد و برای پوشاندن خود، از برگ‌های (درختان) بهشتی جامه دوختند.

آدم و حوا پس از احساس برهنگی، بی‌درنگ خود را با برگ‌های درختان بهشتی پوشاندند. این احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه و شتاب در پوشاندن خود به وسیله برگ‌ها، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می‌کند لباس، به تدریج و بر اثر تمدن‌ها ایجاد نشده، بلکه اولین مسئله برای انسان تهیّه حجاب بوده است.

۱. اقتباس از: جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، قم، مرکز نشر اسراء، ص ۳۳-۲۳.

۲. سوره اعراف آیه ۲۲

۱.۱.۳. روش‌های شناخت امور فطری

راههایی که برای شناخت امور فطری وجود دارد ممکن است تجربی، تاریخی، عقلی، فلسفی، عرفانی و یا نقلی باشد.

اگر با مراجعه به تاریخ زندگی انسان و جوامع بشری، امور و عناصری را یافتیم که همه انسان‌ها در هر زمان و هر مکان به آن توجه داشته و در همه افراد به نحوی ظهور داشته باشد؛ با تحلیل تاریخی نه با وقایع نگاری می‌یابیم که آنها فطری هستند. زیرا اگر آنها تحمیلی بر انسان بودند، هرگز با این گستردگی محقق نمی‌شدند.^۱ یکی از اموری فطری انسان همانطور که گفته شد مسأله پوشش است، از نظر تاریخی دانشمندان تاریخ پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند.

در کتاب زن در آینه تاریخ پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، آمده است: «با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود و به این دلایل، عقیده عده‌ای که می‌گویند: «مذهب موجد حجاب می‌باشد» صحّت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است.»^۲

روش دیگری که برای شناخت امور فطری می‌توان از آن استفاده کرد، مشرب شهودی است. به این معنا که انسان با مراجعه به وجدان و درون خود می‌یابد که به فضیلت و کمال گرایش دارد، علم را دوست دارد و صداقت و امانت، محبوب اوست. کسی که برخوردار از این فضائل باشد مورد ستایش اوست.^۳

یکی از اموری نیز که انسان از نظر فطری به آن گرایش دارد و بالوجدان خواستار آن است مسئله پوشش است. انسان ذاتاً پوشش را دوست دارد و مورد ستایش قرار می‌دهد مؤید این مطلب این است که آقایان هنگام ازدواج، دوست دارند همسری را انتخاب کنند که دارای عفاف و حجاب باشد. البته ممکن است هواهای نفسانی به این فطرت آسیب بزنند و در نتیجه بعضی از افراد طبیعت و فطرت خدائیشان ضعیف شده و ظلمت و تاریکی‌های هوای نفس باعث شود خواهان برهنگی باشند. حضرت علی (علیه السلام) به این نکته اشاره کرده و هدف از بعثت انبیاء را بیدار کردن فطرت انسانی می‌داند که به علت هوا پرستی دچار ضعف و خاموشی شده‌اند و چنین می‌فرمایند:

۱. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، تاریخ نشر ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۵.
۲. حسینیان، حامد، صدفی برای مروارید، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۲۴.
۳. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، تاریخ نشر ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۷.

«وَأَتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَ لَيْسَتْ دُوهُم مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ»^۱

خداوند متعال رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفا داری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و فطرت الهی را در آنها زنده کنند

باتوجه به مطالب مطرح شده روشن شد که؛ مسئله پوشش از امور فطری است و در واقع پاسخی به فطرت زنانگی محسوب می‌شود، به همین دلیل در همه ادیان الهی وجود داشته و از اهمیت بسزای برخوردار بوده است و اسلام که آخرین دین الهی و کاملترین آنهاست و جوب پوشش زنان را به دور از افراط و تفریط و با انتظام مناسبی به بشریت ارزانی داشته است.

اینک برای اثبات این مدعا به بررسی حجاب در ادیان الهی، ایران باستان و دین مبین اسلام می‌پردازیم:

۳.۲. حجاب در شریعت زرتشت

از آنجا که مرکز بعثت «آشور زرتشت» پیامبر شریعت زرتشت، ایران بوده است و ایشان در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید با پندهای خود، ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم کند و عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد.

البته در دین زرتشت، لباس با کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است، بلکه لباس رایج آن زمان شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش (یعنی چادر یا شنلی بر روی آن) بوده که مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند استفاده از «سدره و کشتی» (لباس مذهبی ویژه زرتشتیان) توصیه شده است، البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. بنا به گفته مؤبد (رستم شهرزادی) پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد.

در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سروا پوشیم و همگی نماز و کریم

۱. شریف الرضی، محمد حسین، نهج البلاغه، محقق صالح للصبیحی، قم، انتشارات هجرت، تاریخ نشر ۱۴۱۴ق، ص ۴۳.

بدا دار هورمزد»؛ یعنی همگان نامی ز تو بر می‌گوییم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار هورمزدا نماز می‌کنیم.

بر اساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خود داری کند. در اندرز «آذر بادمار اسپند» مؤبد موبدان آمده است: «مرد بدچشم (نگاه ناپاک) را به معاونت خود قبول مکن».

پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره بگیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبذول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مأمور اجرای حکم عمر، مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد. ولی امام علی (علیه السلام) او را به مدارا و تکریم آنان سفارش فرمود.

در کیش آریایی، زنان، محجوب و محترم بودند. زنان ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آنان را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز دهد، صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان می‌داشتند؛ از این رو، محجوب بودن «پوشش صورت» به زنان برتر جامعه اختصاص داشته است. آیین زرتشت که تاریخ آن را بین ۱۳۰۰ تا ۲۳۰۰ قبل از اسلام گفته‌اند. آیین پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است؛ از این رو، انسان‌ها را به پاک‌ی و پاک دامنی فرا می‌خواند. در نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های باستانی ایران بسیار کم از زن، تصویری به چشم می‌خورد.

اگر چه زنان، کدبانوی خانه و مدیر و مدبر امور خانواده بودند، ولی حفظ حرمت ایشان با پوشیده داشتن ایشان رعایت می‌شد تا پاک دامنی آنها حفظ شده و از هر آسیبی در امان باشند.^۱

از جمله پندهای آشور زرتشت در کتاب «وئدی داد» چنین آمده است: «کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می‌کند: از تو- ای مرد! - خواهش می‌کنم پیدایی و فزونی را پاک و پاکیزه ساز!

از تو- ای زن! - خواهش می‌کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز! آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود!»

در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت‌های میهن ما» درباره حجاب زنان زرتشتی

۱. علیمردی مهنار، محمد مهدی علیمردی، «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت»، معرفت/ادیان، شماره ۳، تاریخ نشر تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۲

چنین می‌خوانیم:

«این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنانکه روسری آن‌ها از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک و شلوار آنان، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کُرد آذربایجان غربی است و کلاهک همان کلاهک بانوان بندری است.»^۱

۳.۳. حجاب در شریعت یهود

همه مورخان از قانون سخت‌گیرانه حجاب در قوم یهود سخن گفته‌اند.

ویل دورانت درباره قوم یهود و قانون تلمود می‌نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت چنانکه مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت در میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخنی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.»^۲

در کتاب مقدس، وجوب پوشاندن موی سر، لزوم پرهیز از زنان فریب کار و بیگانه، نهی از لمس و تماس و واژه چادر، نقاب و برقع آمده است. به عنوان مثال، در میشنه تورات، از جمله مواردی که مرد موظف است برای زن خود تهیه کند، پوشش سر است. در حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ مهریه طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ مهریه به ایشان تعلق نمی‌گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند، برای مثال، بدون پوشاندن سر خود به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک‌سری به گفتگو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه

۱. حسینیان، حامد، صدفی برای مروراید، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۸۷

۲. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹، ص ۱۹

می‌گوید.

برخورد حضرت موسی (علیه السلام) به سبب رعایت حیا و عفت با دختران شعیب (علیه السلام) که به آنان فرمود، تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند و نیز، سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روپند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، همگی بیانگر کیفیت شدید و سخت گیرانه حجاب نزد یهودیان است. همچنین ممنوعیت زن در فعالیت‌های اجتماعی و مجاز نبودن به اخذ شغل اجرایی و قضایی، تأکیدی است بر این مطلب.^۱

رعایت عفاف و حجاب توسط زنان انبیاء و بزرگان بنی اسرائیل در تورات کنونی و تلمود کاملاً مشهود است به طوری که رعایت نکردن عفت، یکی از عوامل نزول عذاب الهی بر بنی اسرائیل دانسته شده است. طبق قوانین یهودی عدم رعایت عفت عمومی، دارای مجازات بوده و حجاب از ضروریات زندگی زنان خصوصاً زنان متأهل است. اگر عفت عمومی از سوی مرد یا زن، آسیب ببیند برای هر یک از آنها کیفر و تنبیه در نظر گرفته شده است.

در سفر پیدایش در مورد لزوم پوشش کامل در مقابل نامحرم چنین می‌خوانیم:

و رفته چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا که از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت: آقای من است، پس برقع خود را گرفته خود را پوشانید. و نیز در مورد عروس یهودا می‌خوانیم:

پس رخت بیوکی را از خویشان بیرون کرده برقی بر وی کشیده و خود را در چادری پوشیده و به دروازه عینایم که در راه تمنه است بنشست.

و در کتاب غزلهای سلیمان چنین آمده است:

اینک تو زیبا هستی ای محبوبه من، اینک تو زیبا هستی و چشمانت از پشت برقع مثل چشمان کیوتر است.^۲ علیرغم نظام سخت گیرانه حجاب در یهودیت، پس از رنسانس و تحولات اجتماعی اروپا و ایجاد فضای دین گریزی در غرب، شعار دینی از جمله سنت رعایت پوشش عفیفانه، رو به ضعف نهاد و زنان یهودی تحت تأثیر فضای اجتماعی دوران تجدد، بعضاً حجاب خود را کنار گذاشته و از کلاه گیس به عنوان شکلی از پوشش سر

۱. علیمردی مهناز، محمد مهدی علیمردی، «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت»، معرفت/دیان، شماره ۳، تاریخ نشر تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۷

۲. رشیدی، حسین، حجاب برتر، قم، موسسه انتشاراتی بیان الحق، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۴۲

استفاده کردند، جالب است بدانیم زنان یهودی هم اکنون نیز برای حفظ حجاب خود به فتوای علمایشان برای جلوگیری از هویدا شدن موهایشان در برابر نامحرمان، از کلاه گیس استفاده می‌کنند و بیشترین سفارش کلاه گیس از فلسطین اشغالی است.^۱

۳.۴. حجاب در شریعت مسیحی

در مسیحیت، همانند دین رزتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب است. «جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می‌گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است». حتی می‌توان گفت در مسیحیت حجاب با ضرورت بیشتری مطرح می‌شود، زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می‌شد و حتی در کتاب تاریخ تمدن آمده است که: ازدواج در بیست سالگی اجباری است.

از دیدگاه مسیحیت که تجرد، مقدس شمرده شده است، جای هیچ شبهه‌ای باقی نخواهد ماند که این مکتب برای از بین رفتن تحریک و تهییج، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین، به صورت شدیدتری فراخوانده است. زنان راهبه در تاریخ مسیحیت تقریباً با پوششی کاملاً نزدیک پوشش اسلامی حاضر شده‌اند و آن را مایه تقرب به خدای خویش می‌دانند. در تمام کلیساهای نخست هم تصویری از حضرت مریم (سلام الله علیها) اگر موجود بود، در نهایت حجاب و عفاف بود. تنها پس از رنسانس بود که افسار گسیختگی عصر جدید، شرم را از تصویر گران ربود و مریم مقدس را بی حجاب به تصویر کشیدند.^۲

در کتاب مقدس انجیل، نه تنها در مواقع متعدد، وجود حجاب و پوشش را تذکر داده است، بلکه در برخی از آیات خود کوشیده تا درون انسان را از تمایل به شهوت، منزله سازد و بدین وسیله عفاف درون را پشتوانه مستحکم حجاب برون قرار دهد.

در انجیل آیات بسیاری وجود دارد که زنان را به رعایت حجاب امر می‌کند، در این جا به تعدادی از آنها

اشاره می‌کنیم

۱. حسینیان، حامد، صدفی برای مروراید، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۹۰ ص ۹۰

۲. همان

۱. ۳. ۴. لزوم عفت و خانه نشینی

زنان پیر، در سیرت متقی باشند و نه غیبگو، نه بنده شراب زیاده بلکه معلمات تعلیم نیکو، تا زنان جوان را بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرد اندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود.

۲. ۳. ۴. لزوم آراستگی به حیا

و همچنین زنان، خویش را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها.

۳. ۳. ۴. لزوم پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی

اما هر زنی که برهنه، دعا یا نبوت کند؛ سر خود را رسوا می‌سازد زیرا این چنان است که تراشیده شود، زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است باید بیوشد.^۱

حواریون و پس از آن پاپ‌ها و کاردینال‌های بزرگ که دستوره‌های دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می‌شد، با شدتی هر چه تمام‌تر، زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش‌های جسمی فرا می‌خوانده‌اند. دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، درباره حکم پوشش حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اُسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آن که در خانه خود باشد، زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عربان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش به گناه وا دارد. برای زن مومن

۱. رشیدی، حسین، حجاب برتر، قم، موسسه انتشاراتی بیان الحق، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۴۴.

عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی او نیز باید مخفی گردد، زیرا برای بینندگان خطرناک است.» تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته، به وضوح نشان می‌دهد که حجاب در بین زنان، کاملاً رعایت می‌شده است. «براون واشنایدر»، در کتاب پوشاک اقوام مختلف، برخی تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده‌اند که نشان می‌دهد همگی لباسی بلند و پوشش سر دارند.^۱

۵.۳. حجاب در ایران باستان

نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند آریایی‌ها بودند. آنها به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیان‌گذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها، که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان بعثت رزتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی حجاب کاملی داشته‌اند. برابر متون تاریخی در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند، شلوار و چادر رایج بوده است. زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فساد انگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامیکه خشایار شاه به ملکه «وشتی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند وی امتناع کرد و از انجام فرمان پادشاه سرباز زد. به دلیل این سرپیچی به حکم داوران عنوان «ملکه ایران» را از دست داد. نقل این داستان در عهد عتیق چنین آمده است:

امر فرمود وشتی ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلائق و سروران نشان دهند؛

۱. حسینیان، حامد، صدفی برای مروراید، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۹۰ ص ۹۲

زیرا که نیکو منظر بود اما وشتی نخواست.^۱

در زمان ساسانیان هم که پس از نبوت زرتشت بوده است افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد.

ویل دورانت در تاریخ تمدن راجع به حجاب در ایران باستان چنین می گوید:

زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تختِ روانِ روپوش‌دار، از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شده که آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقش‌های که از ایران باستان برجای مانده هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.^۲

۳.۶. آیا حجاب از ایران به اسلام و مسلمانان منتقل شده است؟

برخی مدعی شده‌اند: ارتباط عرب با ایران از موجبات رواج حجاب در قلمرو اسلام شده است و معتقدند که حجاب رایج میان مسلمانان، عادت است که از ایرانیان، پس از مسلمان شدنشان به سایر مسلمانان منتقل شده است. اینک به بررسی این مدعا می‌پردازیم.

تاریخ پژوهان بر این باورند که قبل از اسلام، جاهلیت عرب از حجاب و پوشش مناسب برخوردار نبودند به همین دلیل خداوند بعد از بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله)، اولین قوانین و دستورات خود را در مورد حجاب در سوره‌های احزاب و نور بر قلب مبارک پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل فرمودند.

به اتفاق دانشمندان علوم قرآن، سوره‌های نور و احزاب از سوره‌های مدنی قرآن هستند. بر اساس نقل بسیاری از دانشمندان علوم قرآن، سوره احزاب که متعرض حوادث سال پنجم هجری است چهارمین یا پنجمین سوره‌ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نازل شد. و سوره نور نیز بعد از سوره نصر و قبل

۱. علیمردی مهناز، محمد مهدی علیمردی، «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت»، معرفت/دیان، شماره ۳، قم، تاریخ نشر تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۱

۲. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹، ص ۲۰

از فتح مکه در ماه رمضان سال هشتم در مدینه بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل شده است. محققان تاریخ اسلامی نیز معتقدند سوره نور به طور تقریبی در سال هشتم هجری نازل شد و در تاریخ نقل شده که پیامبر (صلی الله علیه وآله) بعد از این سوره، دو سال در قید حیات بوده‌اند. شواهد روایی متعددی نیز گویای این نکته‌اند که حجاب در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) واجب شد و آن جناب با کسی که خود را با وضعیت جدید وفق نداده بودند و هنوز از پوشش مرسوم گذشته استفاده می‌کردند برخورد می‌کردند و تذکر می‌دادند. شیخ صدوق به سند خود از امام صادق (علیه السلام) و آن حضرت از پدران خود از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند: «روا نیست زنی که به دوران بلوغ رسیده موی جلوی سر و گیسوان خود را آشکار کند.» بنابراین با بررسی این آیات و زمان نزول آنان و روایاتی که در مورد حجاب یا برخورد پیامبر با بی‌حجابی وجود داشته، به این نتیجه می‌رسیم که حجاب در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) تشریح شده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه، وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در سال ششم هجری، نامه نگاری برای حاکمان ایران و روم را آغاز کرد و ایشان را به دین اسلام دعوت نمودند، آنها نپذیرفته، در نتیجه در این مرحله ارتباطی بین ایرانیان با مسلمانان برقرار نشد و در دوره حکومت خلیفه دوم که مسلمانان، ایران را فتح کردند، ارتباط تنگاتنگی میان آنها به وجود آمد و زمینه تأثیرگذاری و تعامل فرهنگی فراهم شد. از آنچه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که حجاب در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تشریح شده است و با توجه به اینکه زمان پیدایش ارتباط میان مسلمانان عرب با ایرانیان در زمان خلیفه دوم (یعنی بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله) و تشریح حجاب) بوده است، ادعای مطرح شده مبنی بر اینکه حجاب از ایران به اسلام و مسلمانان منتقل شده است کاملاً نادرست و غیر منطقی است.^۱

۱. اقتباس از: جمشیدی اسداله، «تاریخچه حجاب در اسلام»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۳، قم، تاریخ نشر پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۵۴-۱۴۷

۳.۷. حجاب در اسلام

از آنجا که دین اسلام کاملترین دین آسمانی است، در مسائل فردی و اجتماعی، متریقی ترین قوانین را به بشر ارائه کرده است. در این میان یکی از قوانین الهی که زنان ملزم به رعایت آن در مقابل نامحرم می باشند، قانون حکیمانه حجاب است. اسلام، دینی به دور از افراط و تفریط است، به همین دلیل برای زنان، خواهان پوششی است که فاقد سخت گیری بی مورد و سهل انگاری های مضر باشد.

دین اسلام در نظر دارد جامعه اسلامی هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی، به سوی قله های کمال و ترقی حرکت کرده و به اهداف مورد نظر اسلام برسد، به همین منظور، حجاب را که نقش مهمی در این امر ایفا می کند در جامعه اسلامی لازم و ضروری می داند.

قانون حکیمانه حجاب هم در زمینه فردی و هم در زمینه اجتماعی آثار متعددی از جمله حفظ ارزش و کرامت انسانی زن، استحکام پیوند خانوادگی، رشد اخلاق معنوی جامعه، افزایش امنیت عمومی، کاهش مفاسد اجتماعی، بقا و تکثیر نسل، سلامت جسمی و روحی، آرامش روانی مرد و زن و ... را به دنبال دارد که در خلال این نوشتار به آنها اشاره خواهیم کرد.

۳.۷.۱. حجاب در قرآن

حجاب و عفاف یکی از مسائل مهم قرآنی است که خداوند متعال در آیات متعدد به بیان مسائل بسیار ریز آن نیز پرداخته است که نشان دهنده اهمیت موضوع می باشد. از آنجا که در فصل چهارم همین نوشتار به بررسی آیات حجاب، بررسی مسائل ریز آن و رابطه حجاب و عفاف می پردازیم بنابراین در اینجا به بیان چند آیه از قرآن که وجوب حجاب را بیان می کنند بسنده می کنیم:

۳.۷.۱.۱. آیه جلباب

یکی از آیاتی که بیانگر حکم وجوب حجاب در اسلام می باشد آیه ۵۹ سوره احزاب است که خداوند در این آیه چنین می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلزَّوْجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ قَوْلًا يُوذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مومنین بگو تا چادرهای خود را بر صورتهایشان نزدیک آورند؛ این کار بهتر است تا آنکه (به فسق و فجور و آلودگی) شناخته نشوند و مورد اذیت و آزار (هوسرانان و مزاحمین نامحرم) قرار نگیرند و خداوند بخشنده و مهربان است.»

اینک به توضیح بعضی از مفردات آیه و تفسیر آن می پردازیم:

یدنین: منظور از «یدنین» (نزدیک کنند) این است که زنان «جلباب» را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد نه اینکه آنها را آزاد بگذارند به طوریکه گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد.^۱

جَلَبَاب: در معنای کلمه جلاباب اختلاف وجود دارد و مفسرین و لغت شناسان چند معنا برای آن ذکر کرده اند: در کتاب قاموس قرآن آمده است؛ جلابیب جمع جلاباب است و در معنی آن اختلاف است. راغب آنها را پیراهن و روسری گفته (قمیص و خمار)، مجمع البیان در لغت فرموده؛ روسری زن که وقت خروج از منزل سر و صورتش را به آن می پوشاند.

صاح آنرا ملحفه (چادر مانند) گفته ابن اثیر آنرا چادر و ردا معنا کرده است و می گوید: گفته شده مانند چارقد و ملحفه است. در قاموس هست که پیراهن و لباس گشاد کوچکتر از ملحفه یا چیزی است مثل ملحفه که زن لباس های خود را با آن می پوشاند.

با این قرائن و آنچه از نهاییه و قاموس نقل شد می شود گفت: جلاباب، ملحفه و لباس بالائی چادر مانند است نه فقط روسری و خمار.^۲

صاحب تفسیر المیزان در معنای کلمه جلاباب می گوید:

کلمه جلابیب جمع جلاباب است و آن جامه ای است سرتاسری که تمام بدن را می پوشاند و یا روسری مخصوص است که آن را طوری بپوشد که زیر گلو و سینه هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد.^۳

صاحب تفسیر جوامع الجامع می نویسد:

ابن عباس گفته است که ردا (عبا یا چادر) لباسی است که سرتاسر بدن را می پوشاند و برخی گویند:

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۷ ص ۴۲۹

۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۴۲

۳. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۱۰.

«جلباب» ملحفه یا عبا یا چادر و هر چیزی است که با آن بدن را بپوشانند.^۱ اما در اینکه منظور از شناخته شدن (آن یعرَفَنَ) چیست دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند.

نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند.

دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی پروا و لابلالی هستند که غالباً قسمتهایی از بدنهای آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند.^۲

باتوجه به آنچه لغت شناسان و مفسرین درذیل کلمه «جلباب» گفته اند. به طور کلی سه دیدگاه درباره معنای کلمه «جلباب» وجود دارد:

۱- جامه ای بزرگتر از خمار است که زن بوسیله آن سر و سینه خود را می پوشاند.

۲- پوششی است که تا سر زانون می آید.

۳- پوششی است که سرتاسر بدن را از بالا تا پایین می پوشاند.

از میان سه معنایی که ذکر شد، مؤیداتی معنای سوم را تقویت می کند:

۱- با دقت در معنای واژه «خمار» و «جلباب» در آیات ﴿فَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾^۳ و ﴿يَدْنِينَ

عَلَيْهِنَّ مِّنْ جَلَابِيبٍ﴾^۴ که بر نوع پوشش زنان دلالت می کند. تغایر این دو لفظ در آیات شریفه فهمیده می

شود که اگر «جلباب» همان «خمار» باشد، خلاف اصل تفاوت معنای الفاظ متغایر است.

۲- در مورد پوشش حضرت زهرا (سلام الله علیها) وقتی می خواستند برای دفاع از حضرت علی (علیه

۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه مترجمان، مشهد، انتشارات پژوهشهای استان قدس رضوی، تاریخ نشر ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۵۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۸.

۳. سوره نور، آی ۳۱.

۴. سوره احزاب، آیه ۵۹.

السلام) به سوی مسجد حرکت کند، در تاریخ چنین آمده است. «لَا تَتَّخِمَارَهَا عَلٰی رَاسِهَا وَ اِشْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا» در این نقل، تغایر دو واژه «خمار» و «جلباب» روشن است؛ چرا که «لا تات خمارها» به معنای محکم به سر بستن مقنعه است و اشتملت بجلبابها» نیز با توجه به قرینه «اشتملت» پوشش سراسری بوده که تمام وجود حضرت را فرا گرفته است.

۳- از مجموع مطالب مزبور به دست می آید که واژه های «خمار» و «جلباب» متمایز بوده و اولی پوششی مثل مقنعه و دومی پوششی مثل چادر است که همان پوشش زنان صدر اسلام بود. به گونه ای که زیبایی های اندام و جذابیت ها را می پوشاند و زن می تواند به وسیله آن خود را در حفاظی مطمئن قرار دهد و چون چادر نازک این کارکردها را ندارد حجاب مورد نظر قرآن به شمار نمی آید.^۱

۱. ۱. ۱. ۱. ۳. ریشه قرآنی مشکی بودن چادر در واژه «جلباب»

مطلب قابل توجه دیگر اینکه در واژه «جلباب» حتی رنگ پوشش هم اخذ شده است چرا که یکی از معانی «جلب» که در کتب لغت به آن اشاره شده، تیرگی و سیاهی است؛ مثلاً «جلبُ اللیل» به معنای سیاهی شب می باشد.

ابن منظور در لسان العرب ذیل ماده «جلب» پس از نقل شعری تصریح نموده که گوینده شعر از «جلب» سیاهی را اراده کرده است.^۲

بنابراین می توان گفت: چادر مشکی ریشه قرآنی دارد. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «چادر هم بهترین نوع حجاب است و هم يك نشان ملی ماست که هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی از زن ندارد» از سوی دیگر به دلیل آنکه در روایات و آیات به استفاده از رنگ های روشن توصیه شده و در مقابل از رنگ های کدر و تیره نهی گردیده، ممکن است این سوال مطرح شود که دلیل انتخاب رنگ تیره برای چادر چیست؟ از جمله پاسخ هایی که به این سوال داده می شود می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چنین آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي

ثَلَاثٍ: الْخَفِّ، الْعِمَامَةِ وَ الْكِسَاءِ» رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سیاه پوشی را مکروه می دانست، مگر

۱. اسماعیلی، مریم، مریم کریمی تبار، «حجاب برتر و علل بد حجابی»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۲، قم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۶۲

۲. ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، انتشارات دار الفکر للطبائع والنشر والتوزیع-دار الصادر، تاریخ نشر ۱۴۱۴ ج ۱ ص ۲۷۰

در سه مورد: کفش، عمامه، عبا. شاید بتوان گفت از این حدیث، عدم کراهت چادر مشکی را که در ردیف عبا قرار می‌گیرد استفاده کرد.

۲- در روان شناسی رنگ ها، ثابت شده که رنگ مشکی یک رنگ صامت است و بر خلاف رنگ های دیگر، که معمولاً نگاه را به سمت خود جلب می کند رنگ مشکی، نگاه شکن است. بنابراین رنگ مشکی هدف از پوشش زنان را که عدم توجه به زن و ایجاد امنیت روانی برای اوست تامین می کند. علاوه بر آن، وقتی انسان به چیز سفید نگاه می کند احساس می کند آن چیز به او نزدیک می شود. اما وقتی چیزی مشکی را می بیند، احساس می کند که از دور می شود و بهتر اینکه رنگ پوشش زن به مرد چنین القا کند که زن از او دور می شود.^۱

۲. ۱. ۳. آیه خمار

یکی دیگر از آیاتی که بیانگر وجوب حجاب در اسلام است آیه ۳۱ از سوره نور می باشد؛ خداوند در این آیه می فرماید:

﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾

و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).»

در این آیه مسئله وجوب حجاب که از ویژگی زنان است در ضمن سه جمله اشاره شده است:

۱- آنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است (و لا یبدین زینتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ منها).

در اینکه منظور از زینتی که زنان باید آن را بیوشانند و همچنین زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در میان مفسران سخن بسیار است.

بعضی زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبایی زن) گرفته اند، در حالی که کلمه «زینت» به این معنی کمتر اطلاق می شود.

بعضی دیگر آن را به معنی «محل زینت» گرفته اند، زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و

۱. اسماعیلی، مریم، مریم کریمی تبار، «حجاب برتر و علل بد حجابی»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۲، قم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۶۴.

بازوبند به تنهایی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینتهاست یعنی گوشهها، گردن، دستها، بازوان.

بعضی دیگر آن را به معنی خود «زینت آلات» گرفته اند منتها در حالی که روی بدن قرار گرفته، و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. (این دو تفسیر اخیر از نظر نتیجه یکسان است هر چند از دو راه مسئله تعقیب می شود).

حق این است که ما آیه را بدون پیش داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر آن همان معنی سوم است و بنابراین زنان حق ندارند زینتهایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباسهای زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینتهایی نهی کرده است.

در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر به انگشتر و سرمه و مانند آن تفسیر شده می فهمیم که منظور از زینت باطن نیز خود زینتهایی است که نهفته و پوشیده است (دقت کنید).

۲- دومین حکمی که در آیه بیان شده است که: «آنها باید خمارهای خود را بر سینه های خود بیفکنند

﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾

«خمر» جمع «خمار» (بر وزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می شود که زنان با آن سر خود را می پوشانند (روسری).

«جیوب» جمع «جیب» (بر وزن غیب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می گردد.

از این جمله استفاده می شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه ها یا پشت سر می افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می شد، قرآن دستور می دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد.^۱

۲.۷.۳. حجاب قرآنی سر تکریم و گرامیداشت گوهر وجود زن

نکته مهمی که در مورد حجاب اسلامی مورد توجه است این است که: در ارتباط با حجاب همواره دو وجه و دو شأن و منزلت وجود دارد، یکی شأن کسی که پشت حجاب است و از حقیقتی محروم شده و محجوب مانده

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴ ج ۱۴، ص ۴۴۰.

است و دیگری شأن و منزلت کسی یا چیزی گرانقدر از قبیل اسماء حسناى الهی و آیات مقدس قرآن و وجود مقدس رسول اکر (صلی الله علیه وآله) که در درون حجاب قرار گرفته و به وسیله حجاب تکریم شده است و دیگران دستشان به آن نمی رسد.

به عبارت دیگر هرگاه سخن از حقیقتی متعال و منزلت و شأنی والا و عوالمی برتر مطرح است موضوع حجاب به میان می آید. چنانچه خداوند در آیه ۴۵ سوره اسراء خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: آنگاه که تو قرآن تلاوت می کنی بین تو و آنانکه به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشیده قرار داده می شود. گویی کلام متعال وحی در حجاب قرار می گیرد و به گوش هر نامحرمی نمی رسد.

در عالم قیامت و روز حشر نیز مابین بهشتیان و دوزخیان و حتی عوالم مختلف بهشت و دوزخ، حجاب ها و پرده هایی است.

﴿وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهَمَّ يَطْمَعُونَ﴾^۱

و میان ایشان حجابی است و بر بلندی ها مردانی قرار دارند که با سیمایشان شناخته می شوند و یاران بهشت ندا دادند که سلام بر شما، اما خطاکاران در حالیکه طمع داشتند داخل بهشت نشدند.

بدین گونه است که می توان گفت اصل و فلسفه حجاب برای زن، تکریم و گرامیداشت گوهر وجود اوست چرا که هرگاه حقیقت والا و ارزشمندی مطرح باشد پرده و حریم و حجاب به میان آمده، مرز بین محرم و نامحرم معلوم می شود. و به تعبیر دیگر صدف آنجا است که گوهر و مرواریدی گرانبها در میان باشد. درواقع حقیقت روحانی و ملکوتی حجاب، پاسداشت گوهر انسانیت یعنی همان «احسن تقویم» و «نفخت فیہ من روحی» است.^۲

۱. سوره اعراف آیه ۴۶

۲. موسوی مدنی، سید علیرضا، سیمای زن در قرآن، تدوین ناهید اعظم رام پناهی، تهران، ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تاریخ نشر ۱۳۸۵، ص ۱۰۷.

۳.۷.۳. اسلام و تصحیح نوع نگاه به زن در قرآن

قرآن کریم هر جا خطری احساس کند، بیش از پیش بر آن تکیه می کند، مثلاً هنگام ظهور قرآن که مسئله توحید در خطر بود و شرک رواج داشت، برای تثبیت توحید و سرکوب شرک، آیات فراوانی نازل شد. همچنین در ایام نزول قرآن، حرمت زن نیز محفوظ نبود، از این رو، بیش از حد انتظار بر مسئله حرمت زن تکیه نموده و در تمام شؤون، برای او سهمی قائل شده و به یگانگی او با مرد در مقام انسانیت تصریح نموده است.^۱

قرآن کریم مونث یا مذکر بودن را شرط دستیابی به ارزشها و فضیلت های انسانی نمیداند و می فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

هر کس کار شایسته انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه ای می بخشیم و پاداش آنها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند خواهیم داد.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم در مواردی با صراحت، نام زن و مرد را می برد تا افکار جاهلی و قبل از اسلام را تخطئه کند، آنها میان زن و مرد فرق می گذاشتند و عبادات و فضائل را تنها برای مردها می دانستند از این رو قرآن کریم با تحلیل عقلی می فرماید: باید روح کامل شود و روح، مذکر و مونث ندارد.

پیش از اسلام به زن هیچ بهایی داده نمی شد و همیشه به او خشانه می نگریستند. اکنون نیز در محیطهای پیشرفته صنعتی، زن هیچ بهایی جز برای ارضای شهوت مردان ندارد و این هر دو نگرش، تحقیر مقام والای زن است، اما ذات اقدس الهی در قرآن می فرماید: من عهده دار تربیت دل و روح انسانها هستم و روح و دل انسانها، نه مذکر است و نه مونث؛ از این رو قرآن موضوع زن و مرد را نفی می کند تا بحث تساوی یا تفاوت این دو مطرح نشود. در سراسر قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) موردی نیست که برای کمالی از کمالات معنوی ذکورت را شرط بداند یا انوٹ را مانع بشمارد.

قرآن کریم هنگام سخن از بازگشت روح به سوی خدا از نفس مطمئنه یاد می کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ﴾ زیرا رجوع به سوی الله مربوط به روح است نه بدن، چون اگر بدن رجوع نماید و رجوع او جسمی و مادی باشد معاذ الله باید مرجع هم که خداست امری مادی باشد، در صورتی که خداوند از قرب و بعد مادی منزّه و پاک است. پس نزدیکی به او در نماز، که نماز وسیله تقرب هر انسان با تقوا است و یا در عبادتهای دیگر، قرب معنوی است و این قرب معنوی، مذکر و مونث ندارد. پس نزدیک شونده به خدا نیز نه

۱. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ص ۱۱۴.

۲. سوره نحل، آیه ۹۷.

مذکر است نه مونث.^۱

بنابراین باید نوع نگاه به زن را در جامعه اصلاح کرد؛ اگر نوع نگاه به زن، نگاه جاهلانه و یا مانند نوع نگاه غرب به زن باشد که زن را ابزاری برای ارضای شهوت و رسیدن به مقاصد و مطامع دنیوی خود می دانند، این نوع نگاه، سر منشأ بسیاری از ظلم ها به مقام والای زن خواهد بود، به همین دلیل قرآن نسبت به نوع نگاه ما به زن حساسیت ویژه ای دارد و خواستار تصحیح نوع نگاه به زن در عرصه های مختلف جامعه است، من جمله خداوند متعال در قرآن این مطلب را برای ما ترسیم کرده است که برای صعود روح و رسیدن به قرب الهی تقوا لازم است، نه مرد بودن.

۳.۷.۴. ضروری بودن حجاب در اسلام

۳.۷.۴.۱. حکم حجاب و ضروری بودن آن از نظر فقهای متأخر امامیه

نظر شهید اول:

طبق نظر شهید اول به نظر شیعه، پوشش عورت در غیر نماز و طواف به صورت اجماعی واجب است و ایشان در تعریف عورت و حد آن در مورد زن آزاد فرمودند: تمام بدن زن و سر او عورت است و صورت و ظاهر دو دست و پاها استثنا شده است.^۲

نظر صاحب الحدائق:

پوشش عورت در نماز و غیر نماز از ناظر محترم واجب است و طبق نظر مشهور علما تمام بدن زن عورت است مگر وجه و کفین و دو قدم^۳

نظر صاحب عروة الوثقی :

ایشان پوشش واجب را دو قسم کرده: اول، پوششی که بر انسان واجب است، دوم؛ پوشش واجب در نماز. ایشان در ادامه می فرماید در قسم اول بر مرد و زن واجب است عورت خود را بیوشانند و بر زن واجب است که

۱. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، قم، مرکز نشر اسراء، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ص ۸۵.

۲. عاملی، شهید اول، *ذکری الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، انتشارات موسسه آل البيت تاریخ نشر ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۷.

۳. بحرانی، یوسف ابن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناظرة فی الاحکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۶.

تمام بدنش را از نامحرم بیوشاند.^۱

نظر آیت الله خویی:

اشکالی بر وجوب پوشش تمام بدن زن بر وی نیست و از این مورد فقط وجه و کفین استثنا شده است و

این حکمی اجماعی است بلکه از ضروریات دین است.^۲

نظر آیت الله بروجردی:

اختلافی که بین علما در مورد پوشش وجود دارد در مورد وجه و کفین و قدمین است اما وجوب پوشش در

غیر از این موارد از مسلمّات دین بین جمیع فرق اسلامی و مسلمانان است بلکه حکم وجوب پوشش از

ضروریات اسلام است و هر کس قائل به جواز و عدم وجوب پوشش شود خارج از دین پیامبر (صلی الله علیه

وآله) و آنچه وی آورده است، می باشد.^۳

۲. ۴. ۷. ۳. حکم حجاب و ضروری بودن آن از دیدگاه فقهای معاصر امامیه

امام خمینی (ره):

اصل حکم حجاب از ضروریات است، و منکر آن حکم ضروری را دارد، و منکر ضروری محکوم به کفر است،

مگر اینکه معلوم باشد منکر خدا یا رسول نیست.

آیت الله خامنه ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب می شود، ولی بعضی فروغ آن ممکن است ضروری نباشد، و بی اعتنایی

به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

آیت الله بهجت:

بی اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.

آیت الله تبریزی:

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنایی نمایند، حکم بی اعتنایی

۱. طباطبایی، سید محمد کاظم، *العروة الوثقی (المحشی)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، *موسوعه الامام الخویی*، قم، انتشارات موسسه احیاء آثار الامام الخویی، تاریخ نشر ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۶۲.

۳. طباطبائی بروجردی، آقا حسین، *تقریر بحث سید بروجردی*، مقرر علی پناه اشتهاردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۵.

به سایر تکالیف دینی است.

آیت الله صافی:

اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بی اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن باعث فسق است.

آیت الله سیستانی:

اصل حجاب از مسلمّات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارد، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست، و بی اعتنایی عملی گناه است.

آیت الله مکارم:

حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند موجب ارتداد نمی شود.

آیت الله اردبیلی:

اصل لزوم حجاب برای زن از ضروریات اسلام است، هر چند بعضی از جزئیات آن از ضروریات نیست.

آیت الله صانعی:

حجاب ظاهراً جزء ضروریات دین است ...^۱

۸.۳. نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده در این فصل نتیجه می گیریم که پوشش امری فطری و مقتضای آفرینش انسان است به همین دلیل قبل از اسلام و در ادیان الهی دیگر وجود داشته و اسلام مبتکر آن نیست. البته اسلام نیز که دینی مطابق فطرت است، برای تکریم گوهر وجود زن و به دلیل فواید حجاب و مفاسد بی حجابی، قانون حجاب را به دور از افراط و تفریط واجب نموده است.

نکته دیگر اینکه؛ از آنجا که حجاب امری فطری است کسانی که با حجاب مبارزه می کنند در واقع با فطرت الهی انسانها مبارزه می کنند و از مسیر فطرت خدای خارج، و مستحق عذاب الهی اند، به همین دلیل حجاب از ضروریات دین می باشد و کسی که آگاهانه این حکم را انکار کند مرتد می باشد.

۱. احمدی جلفائی، حمید، احکام حجاب و عفت از گلستان مرجعیت، قم، انتشارات زائر، تاریخ نشر ۱۳۸۶، ص ۴، ص ۲۱.

فصل چهارم : رابطه حجاب و عفاف

مقدمه

یکی از تلاش‌های دشمن در عصر کنونی و دهه‌های قبل مخصوصاً زمان اجرای قانون کشف حجاب در ایران توسط رضا خان، این بوده است که به جامعه ما چنین القا کنند که حجاب و عفاف رابطه‌ای با هم ندارند و الزاماً با حجاب بودن به معنای عقیف بودن نیست. یعنی می‌خواستند در اذهان عمومی جامعه مخصوصاً بانوان جا بیاندازند که می‌توانند در عین بی‌حجابی عقیف هم باشند و این تفکر هم اکنون در جامعه ما در برخی از محافل و مجالس چنین شنیده می‌شود که «دلت پاک باشد». به راستی هدف دشمن از القاء این افکار شیطانی چیست؟ آیا هدفی غیر از رواج بی‌بندوباری در جوامع اسلامی و پیشبرد اهداف شومش دارد؟

از آنجا که رابطه بین حجاب و عفاف، رابطه‌ای ناگسستنی می‌باشد و در جوامع بشری به ویژه جوامع اسلامی، از اهمیت بسیاری برخوردار است، و یکی از ضمانت‌های اجرا و عامل استمرار و استواری حجاب و تحکیم آن در جامعه اسلامی است، لازم است به معنا و مفهوم عفاف، اهمیت و ارزش عفاف در قرآن و روایات، شاخه‌های مختلف عفاف در زندگی و رابطه عمیق آن با حجاب اسلامی بپردازیم. در ضمن مطالب به بررسی ادعای فوق نیز خواهیم پرداخت.

۴.۱. معنای لغوی عفاف

راغب اصفهانی در مفردات عفت را چنین معنا می‌کند:

عفت حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود.^۱

سید علی اکبر قرشی در کتاب قاموس قرآن در معنای عفت چنین آورده است: عفت به معنای مناعت است در شرح آن گفته‌اند: حالت نفسانی است که از غلبه شهوت، انسان را باز می‌دارد. پس باید عقیف به معنای خود نگه‌دار و با مناعت باشد.^۲

ابن منظور در لسان العرب در معنای عفاف نوشته است:

عفت یعنی خویشتن داری از آنچه حلال و زیبا نیست.^۳

در فرهنگ نامه‌های فارسی هم عفاف به معنای پاکدامنی، پارسایی، از کارهای ناروا و ناپسند خود داری کردن، آمده است.

۴.۲. معنای اصطلاحی عفاف

شهید مطهری (ره) در معنا و مفهوم عفاف چنین می‌فرماید: «عفاف یعنی آن حالت نفسانی یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تاثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن، یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می‌گیرند بی اختیار می‌شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. این معنی عفاف است.»^۴

۱. خسروی حسینی، سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، تاریخ نشر ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۱۹

۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۵۱، ج ۵، ص ۱۹

۳. ابن منصور، ابوالفضل، لسان العرب، مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، انتشارات دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع-دار الصادر، تاریخ نشر ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۹

۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۶۱۵ (نرم افزار مجموعه آثار شهید مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی)

۴.۳. مفهوم جامعه شناختی عفاف

اگر عفت را به گونه‌ای جامعه‌شناسی و در ارتباط با جامعه در نظر بگیریم، می‌توانیم آنرا «مقنن شدن ارتباط زن و مرد» تعریف کنیم که این تقنین هم سطح فردی و هم اجتماعی را در بر می‌گیرد. «مقنن شدن ارتباط» تنها به معنی اجرای احکام رساله‌های موجود نیست؛ زیرا رساله‌های کنونی، احکام و دستورهای فردی را بیان می‌دارند و احکام رفتار اجتماعی و حکومتی مدل مند در آنها دیده نمی‌شود. مقنن شدن ارتباط زن و مرد در جامعه، به معنی استنباط احکام ساختاری و مدلی است، یعنی احکامی که می‌توانند در تولید مدل‌های برنامه توسعه جامعه موثر باشند و ساختار رابطه زن و مرد را در جریان حضور اجتماعی به شکلی عقیقانه مشخص کنند. این نوع عفت، عفتی آگاهانه است نه عفتی انزوایی یا انفعالی، عفت آگاهانه، برنامه همکاری زن با مرد است، یعنی «برنامه‌ریزی شده» و «مقنن» (ساختار سازی شده) و «متناسب با مراحل تکامل» حرکت کردن است. ثمره چنین عفتی، «قدرت اجتماعی» و «کرامت الهی» است. اگر شخص، طالب «قدرت اجتماعی» باشد، باید در مرتبه‌ای قرار گیرد که برای وی «کرامت الهی» اصل باشد. «کرامت الهی» به این معنی است که فرد نسبت به محیط احساس ضعف و نیاز نمی‌کند و در آن موثر است نه متأثر از آن.

عفتی که از روی احساس کرامت و قدرت اجتماعی باشد، لازمه حضور زنان در سطح توسعه است، زیرا مقنن بودن ارتباط مرد با زن در جامعه، سبب بالا رفتن قدرت بهره‌وری ایشان در نظام می‌شود و از ایجاد چالش‌های اخلاقی اجتماعی پیشگیری می‌کند. در حقیقت، نوعی انضباط الهی رابر رفتار اجتماعی زن و مرد حاکم می‌داند. این انضباط، سهم تاثیر افراد را نسبت به نظام ولایت بالا می‌برد و به توسعه و تکامل اجتماعی سرعت می‌بخشد.^۱

۱. شفیع سروستانی، ابراهیم، حجاب و مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۹۱

۴.۴. اهمیت و ارزش عفاف در روایات

یکی از ارزش‌های اخلاقی بسیار پسندیده در روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) مسئله عفاف می‌باشد.

حضرت علی (علیه السلام) عفاف و پاکدامنی را از بالاترین عبادتها می‌داند و می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ»

و در کلام گهر بار دیگری می‌فرماید:

«مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَفَعَلَ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»^۱

«پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگتر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده

نمی‌گردد. همانا عقیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست.»

طبق این بیان امیر المومنین (علیه السلام)، عفاف همان مجاهده درونی برای غلبه ارزش‌هاست. بنابراین

تلاش درونی انسان برای حاکمیت خوبی‌ها و ارزش‌ها، عفتی است که اجر مجاهد در راه خدا را داشته که در راه

خدا به درجه عظیم شهادت می‌رسد و چون تقویت عفت موجب پاکی است هر مقدار که انسان عقیف باشد به

عالم قدس و ملائک نزدیک تر است. از این رو، انسان عقیف، در جایگاه ملائکه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر

عفت، موجب عبور انسان از عالم ملک به عالم ملکوت می‌گردد.^۲

در حدیثی امام صادق (علیه السلام) در اهمیت حیا و عفاف چنین می‌فرماید: «حیا، پاکدامنی و سکوت از

ایمان هستند.»^۳

بنابراین حیا و عفاف از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) از پایه‌های ایمان هستند و این دو با ایمان گره

خورده‌اند یعنی هر جا عفاف بود، ایمان هم هست و آنجا که بی‌عفتی و بی‌حیائی، در درون کسی رخنه کرد مسلماً

ایمانش را متزلزل خواهد کرد تا آنجا که ایمانی برای او باقی نخواهد ماند.

به نظر می‌رسد بخش عمده اهمیت حجاب و عفاف آنجا روشن می‌شود که به بررسی نقش عفاف و آثار آن

در اجتماع بپردازیم.

یکی از آثار ملکه‌ی عفاف و حجاب مهار کردن شهوات جنسی در زندگی است. چنانچه امیرالمومنین (علیه السلام)

فرمودند: «الْعِفَّةُ تُضَعِفُ الشَّهْوَةَ»، «عفت و پاکدامنی، شعله‌های شهوت را در وجود انسان ضعیف می‌کند.»

شهوات آثار زیان باری در زندگی انسان به جا گذاشته و مانند سمی کشنده، آفت درخت روح انسان است.

۱. شریف الرضی، محمد حسین، نهج البلاغه، محقق صالح للصبحی، قم، انتشارات هجرت، تاریخ نشر ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۷۴.

۲. علاء الدین، سید محمد رضا، «نقش حجاب و عفاف در تثبیت و رشد اخلاق»، فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۳۷، ص ۱۴۶.

۳. احمدی جلفایی، احمد علیشائی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۲۵.

متاسفانه، هر جا دوری از کمال و رضایت خداوند در زندگی انسان اتفاق می‌افتد، جای پای شهوت‌های نفسانی به چشم می‌خورد، اینجاست که عفاف می‌تواند به یاری انسان‌های اسیر در بند لذت‌های فانی شتافته و همچون داروی نجات بخش، آنها را به ساحل امن و مسرت بخش تقوای الهی برساند.

یکی از خصوصیت‌هایی که امیر المومنین (علیه السلام) برای متقین بر می‌شمرد این است که :

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ... أَنْفُسَهُمْ عَفِيفَةً»^۱

انسانهای پرهیزگار و با تقوا، نفس‌هایشان عفیف و دامنشان پاک است.»

انسانهای با تقوا، دارای ملکه نفسانی عفت هستند و برای رسیدن به قله‌های کمال از آن بهره می‌برند. اگر کسی در زندگی، این صفت ارزشمند را دارا باشد، بسیاری از شرور نفسانی از او دور شده، درهای رحمت و خیر به روی او گشوده می‌شود. امام علی (علیه السلام) چه زیبا فرمودند: «أَلْعَفَةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ»^۲؛ عفت سرآغاز همه خوبیهاست. یا به عبارتی، همه ارزش‌ها در وجود انسان، از عفت سرچشمه می‌گیرد. با عفت است که انسان از رذائل اخلاقی دور شده و به سمت خوبی‌ها حرکت می‌کند.

امیر المومنین (علیه السلام) فرمودند:

«أَلْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَ يَنْزَهُهَا عَنِ الدُّنْيَا»^۳

عفت، نفس را مصون و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد.

عفت یک نیروی بازدارنده و سدی است محکم در مقابل وسوسه‌های شیطانی و نفسانی که باید با بارور کردن این صفت نفسانی ارزشمند، آن را به ملکه‌ای در وجودمان تبدیل کنیم و از آن برای تقرب الی الله بهره ببریم.

۵.۴. واژه عفاف در قرآن

در قرآن چهار بار از ریشه عفاف استفاده شده است.

۱. حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن آل الرسول (ع)، مصحح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، تاریخ نشر ۱۳۶۳ ص ۲۶۴
۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۶۶ ص ۲۵۶
۳. همان

۱- ﴿يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ﴾^۱

آنان را از شدت پارسایی و عفت که دارند توانگر و بی‌نیاز می‌پندارند.

۲- ﴿وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۲

و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگر سازد.

۳- «وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ»^۳

و [از سرپرستان ایتم] آنکه توانگر است باید [از تصرف در مال یتیم به عنوان حق الزحمه] خودداری کند.

۴- ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرُجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ

يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۴

و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خود آرایبی نداشته باشند و پاکدامنی برای آنان بهتر است و خدا شنوا و داناست.

در این آیات خداوند متعال، عفاف را که همان خویشتن داری در معنای وسیع کلمه می‌باشد در صحنه‌ها و ابعاد مختلف زندگی به بندگان توصیه می‌کند، در واقع انسان عفیف فردی است با روحیه و رفتار بزرگ منشانه که در عرصه‌های مختلف اقتصادی، امور جنسی، شهوانی و... کرامت نفس و روح خودش را حفظ می‌کند و با عفاف و خویشتن داری بر جنبه حیوانیت خود غلبه می‌کند.

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۳

۲. سوره نور، آیه ۳۲

۳. سوره نساء، آیه ۶

۴. سوره نور، آیه ۶۰

۴.۶. عفاف و موارد آن

۴.۶.۱. عفت در گفتار

یکی از موارد مهم عفاف، عفت در گفتار و نوع سخن گفتن با دیگران است که از جهات مختلف قابل بررسی است که به گوشه‌هایی از آن می‌پردازیم. زبان از نعمت‌های بزرگ خدا و لطائف شگفت آور حق است، چرمش کوچک اما چرمش عظیم است، زیرا چشم جز رنگها را نمی‌بیند، دست جز به اجسام نمی‌رسد و همین طور سایر اعضا که دارای محدودیت‌اند ولی زبان، از جنایتکارترین اعضاء بر ضد انسان است. علمای اخلاق گناهان کبیره بی‌شماری را مانند غیبت، سخن چینی، بدعت، همراهی با باطل، نفاق، استهزا، عیب جویی، غنا، فحش و ... را برای زبان برشمرده‌اند. یکی از ابزارهای مهم شیطان برای گمراه کردن و تیره بخت نمودن انسان، همین زبان است.^۱ اینجاست که اهمیت عفت در گفتار و سخن گفتن نمایان می‌شود. به همین دلیل، در قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام)، نسبت به نوع سخن گفتن و حفظ لسان سفارش‌های زیادی شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم و سپس به عفت زنان در گفتار می‌پردازیم.

خداوند متعال در آیات مختلف قرآن به بیان نوع سخن گفتن پرداخته و می‌فرماید:

- به طرز نیکو و خوب، سخن بگوئیم ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۲

- آگاهانه سخن بگوئیم ﴿لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾^۳

- منصفانه سخن بگوئیم ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا﴾^۴

- مستدل و محکم سخن بگوئیم ﴿قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^۵

- ساده و آسان سخن بگوئیم ﴿فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِّسُورًا﴾^۶

- بلیغ سخن بگوئیم ﴿قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾^۷

۱. اقتباس از: انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، قم، انتشارات دارالعرفان، ج ۳، ص ۳۰۲

۲. سوره بقره، آیه ۸۳

۳. سوره اسراء، آیه ۳۶

۴. سوره انعام، آیه ۱۵۲

۵. سوره احزاب، آیه ۷۰

۶. سوره اسراء، آیه ۲۸

۷. سوره نساء، آیه ۶۳

- به طرز شایسته سخن بگوئیم ﴿وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^۱

- کریمانه سخن بگوئیم ﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۲

- پاکیزه و دلپسند سخن بگوئیم ﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ﴾^۳

- سعی کنیم در سخن گفتن و در سخنان خود، مردم را به سوی خداوند دعوت کنیم ﴿مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا

مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا﴾^۴

در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز به حفظ لسان و نگه داشتن آن از گفتن آنچه شایسته نیست، سفارشهای زیادی شده و یکی از ملاک‌های بررسی ایمان فرد را نوع سخن گفتن و عفت در کلام بیان فرموده‌اند:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «أَمْسِكْ لِسَانَكَ؛ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ»^۵

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: زبانت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان، صدقه‌ای است که به خود می‌دهی (چون خاموشی، تو را از بلا ننگه می‌دارد) سپس فرمود: هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را نشناسد، تا زبانش را نگه دارد. (آنچه به خیر دنیا و آخرتش نباشد رها کند و نگوید) و نیز فرمودند:

«نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ»^۶

«نجات انسان از بسیاری از گناهان در گرو حفظ زبانش است.»

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ:

إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْنَا وَيَقُولُونَ
اللَّهُ اللَّهُ فَيُنَادِي لَهُ وَيَقُولُونَ إِنْمَا نُنَابُ وَ نَعَاقِبُ لَكَ^۷

۱. سوره نساء، آیه ۸

۲. سوره اسراء، آیه ۲۳

۳. سوره حج، آیه ۲۴

۳. ال عمران ۳۳

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- دارالحدیث)، قم، انتشارات دارالحدیث، تاریخ نشر ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۹۶ حدیث ۷/۱۸۲۶

۵. همان حدیث ۹/۱۸۲۶

۶. همان ص ۲۹۸ حدیث ۱۳/۱۸۲۶

علی بن حسین (علیه السلام) فرمودند: در هر بامداد، زبان آدمیزاد بر تمام اعضایش مشرف شود و گوید: چگونه هستید؟ گویند: اگر تو ما را رها کنی، خوبیم. و می گویند: خدا را، خدارا، نسبت به ما به یاد آور و گویند ما به سبب تو ثواب و عقاب ببینیم.

۱.۱.۶.۴. عفت زنان در گفتار و نوع سخن گفتن

یکی از موارد عفاف که باید در جوامع امروزی بیشتر به آن پرداخت و از اهمیت بیشتری برخوردار است عفت زنان در گفتار و نوع سخن گفتن است، زیرا بی عفتی زنان در برخورد با نامحرمان در جامعه ریشه بسیاری از مفاسد است، در واقع بخش عظیمی از اعمال منافی عفت، از سخن گفتن غیر عقیفانه زن و مرد در جامعه با هم، آغاز می شود. به همین دلیل دین مبین اسلام سفارشات برای گفتار عقیفانه زنان دارد که به آن می پردازیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^۱

ای زنان پیامبر! همانا شما مثل سایر زنان نیستید اگر تقوا پیشه کنید، پس صدای خود را (هنگام سخن گفتن با نامحرمان) نرم نکنید تا مبادا آنکه بیماری و شهوت) در دلش هست طمع کند، و همواره سخنان شایسته بر زبان بیاورید.

نکاتی که در این آیه قابل استفاده است، این است که:

- ۱- با کرشمه سخن گفتن زن، نشان از بی تقوایی اوست. «إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»
- ۲- گفتار و رفتار زنان نباید تحریک کننده باشد
- ۳- طوری سخن بگویند که هم محتوا خوب باشد «قَوْلًا مَعْرُوفًا» و هم شیوه سالم باشد «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»^۲

خانم‌ها دو نوع می توانند حرف بزنند؛ نوع اول: گفتار خضوع؛ خضوع در کلام به معنای این است که در برابر

۱. سوره احزاب، آیه ۳۲

۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور (۱۰ جلدی)، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی در سهای از قرآن ج ۲، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ص ۳۵۹

مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل آنان را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتشان را بر انگیزند در نتیجه آن مردی که در دل، بیمار است به طمع بیفتد.^۱

بعضی از خانم‌ها متاسفانه در جامعه و محیط‌های مختلف، هنگام صحبت با تلفن، صحبت در کلاس درس، گفتگوها در روابط فامیلی و در رفتار با دیگران، طوری سخن می‌گویند که مصداق همین آیه است. آنها در واقع زنان کم شخصیتی هستند که با تعبیرات تحریک کننده، توأم با ادا و اطوار مخصوص باعث تهییج شهوت دیگران شده و افراد شهوتران را به فکر گناه می‌افکنند. «خداوند از این نوع سخن گفتن نهی می‌کند و در مقابل به زنان توصیه می‌فرماید به هنگام سخن گفتن، جدی، خشک و به طور معمولی سخن بگویند»^۲

قرآن کریم این نوع سخن گفتن را قول معروف نامیده که نوع دوم سخن گفتن خانم‌ها محسوب می‌شود. قول معروف؛ یعنی سخن معمول و مستقیم بگویند، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را بپسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنی، تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن، دچار ریبه هم بشود.^۳ که این نوع سخن گفتن (قول معروف) مورد نظر و تأیید خداوند متعال است (وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)

۲. ۱. ۶. ۴. ممنوعیت شوخی با نامحرمان

یکی از شاخه‌های عفت در گفتار، پرهیز از شوخی با نامحرمان است، که مرد و زن مومن باید از این عمل غیر عیفاً پرهیز کنند. شوخی با نامحرم در روایات به علت پیامدهای ناپسندی که دارد، منع شده است و ائمه اطهار عذاب‌های اخروی تکان دهنده‌ای برای این عمل ذکر کرده‌اند از جمله:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

«مَنْ فَآكَهَ اِمْرَاَةً لَا يَمْلِكُهَا حُبْسَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا اَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ»^۴

هر کس با زن نامحرمی شوخی کند برای هر کلمه‌ای که در دنیا با او سخن گفته است وی را هزار سال در

۱. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۲

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹

۳. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۱

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات دار الشریف الرضی للنشر، تاریخ نشر ۱۴۰۶، ص ۲۸۳

آتش زندانی می‌کنند.

یکی از پیامدهای شوخی با نامحرم این است که شیطان از این طریق، انسان را گام به گام به اعمال زشت دیگر سوق می‌دهد و سرانجام انسان را دچار عمل زشت منافی عفت و زنا می‌کند.

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ تَقَعُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءٍ وَلَا بُدَّ لِتِلْكَ الْخَمْسَةِ مِنَ النَّارِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ مَنْ مَارَحَ الْجَوَارِي فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الزَّانِي وَ لَا بُدَّ لِلزَّانِي مِنَ النَّارِ»^۱

پنج چیز همواره با پنج چیز صورت می‌گیرد و آتش برای آن پنج چیز لازم است... تا آنجا که می‌فرمایند: و هر کس با دختران و پسران شوخی کند، پس حتماً به زنا می‌افتد و جایگاه زناکار قطعاً جهنم است.»

ائمه اطهار(علیهم السلام) برای اینکه ما را از این دام خطرناک شیطان نجات دهند به ما چند سفارش کرده‌اند و به عبارتی اعلام خطر نموده‌اند، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «حَدِيثُ النِّسَاءِ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ»^۲

سخن گفتن با زنان از دام‌های شیطان است.»

۲- دوم اینکه تا می‌توانیم از سخنان غیر ضروری با نامحرم بپرهیزیم تا دچار وسوسه شیطان نشویم

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ»^۳

همانا رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نهی فرمودند زن بدون ضرورت، نزد غیر شوهرش یا نامحرمان، بیش از پنج کلمه، سخن بگوید.»

۳- سوم اینکه از شوخی با نامحرمان پرهیز کنیم.

«ابو بصیر» می‌گوید: در کوفه بودم، به یکی از بانوان، درس قرآن می‌آموختم تا روزی در یک موردی با او شوخی کردم. مدتی گذشت، روزی در مدینه خدمت امام باقر (علیه السلام) رسیدم، آن حضرت مرا مورد سرزنش قرار داد و فرمود: «کسی که در جای خلوت گناه کند، خداوند نظر لطفش را از او برمی‌گرداند، این چه سخنی بود که به آن زن گفتی؟»

۱. بروجردی، آقا حسین، جامع الاحادیث/ منابع فقه شیعه، ترجمه عده ای از فضلاء، تهران انتشارات فرهنگ سبز، تاریخ نشر ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۶۵۱
۲. همان، ص ۶۴۹
۳. احمدی جلفایی، حمید، احمد علیشائی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۸۹

من از شدت شرم، سردر گریبان کرده و توبه کردم.

امام فرمود: «مواظب باش که دیگر تکرار نشود و با نامحرم شوخی ننمایی»^۱

۲.۶.۴. عفت در شهوت و امور جنسی

عفت در شهوت و امور جنسی، پاک نگه داشتن دامن از ناپاکی و گناه است. خداوند متعال عفت در امور جنسی را یکی از خصوصیت‌های انسان‌های مومن ذکر کرده و فرموده‌اند:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرْجِهِمْ حَافِظُونَ﴾^۲ مومنان کسانی هستند که دامن خود را (از گناه) حفظ می‌کنند.

در این آیه، عفت، شرط ایمان و آلودگی جنسی، نشانه ضعف ایمان است.

کلمه «فروج»، جمع فرج است، به طوری که گفته‌اند به معنای عورت زن و مرد است که مردم از بردن نام آنها شرم می‌کنند و حفظ فرج، کنایه از اجتناب نمودن از اعمال منافی عفت از قبیل زنا، لواط، استمناء و یا جمع شدن با حیوانات و امثال آن می‌باشد.^۳

در اهمیت عفت در امور جنسی و پاکدامنی، امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةَ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ؛^۴»

برترین عبادت‌ها، عفت شکم و عفت دامن است.

و نیز امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنَهُ وَفَرْجَهُ...»^۵

همانا شیعه (امام) جعفر صادق کسی است که شکم و دامنش از حرام پاک باشد...

یکی از اعمال منافی عفت و پاکدامنی، زنا است که به علت عواقب معنوی، اخروی و مادی، خداوند شدیداً از

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت) قم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ج ۴۶، باب ۴ حدیث ۳۵ ص ۲۴۷

۲. سوره مومنون، آیه ۵

۳. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین، تاریخ نشر ۱۳۷۴ ج ۵، ص ۱۱

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- دار الحدیث)، قم، انتشارات دار الحدیث، تاریخ نشر ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۰۳ حدیث ۲/۱۶۴۴

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، تاریخ نشر ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۶

آن نهی کرده است و در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^۱

و هرگز به زنا نزدیک نشوید؛ زیرا این عمل، فحشا بوده و بدترین راه ارضای غریزه جنسی است.^۲

اگر زنا در جامعه‌ای رواج پیدا کند، آن جامعه دچار بلاهای زیادی خواهد شد که از آن جمله می‌توان به موارد

زیر اشاره نمود:

۱- زیاد شدن زلزله:

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمودند: «إِذَا فَشَا الزَّوْجُ، ظَهَرَتِ الزَّلْزَلَةُ»^۳

هرگاه زنا علنی شود، زلزله زیاد خواهد بود.

۲- فقر و نابودی:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «الزَّوْجُ يورثُ الْفَقْرَ، وَ يَدْعُ الدُّيَارَ بِالْقَعِّ»^۴ افزایش زنا در جامعه باعث

فقر در اجتماع خواهد شد و به نابودی و عقب افتادگی آن خواهد انجامید.^۵

۳- مرگ ناگهانی:

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ (علیه السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله):

«إِذَا كَثُرَ الزَّوْجُ مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفُجَاءَةِ»^۶

ما در کتاب علی (علیه السلام) یافتیم که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرموده است: هنگامی که زنا در میان

جامعه افزونی گیرد، مرگ ناگهانی نیز زیاد خواهد شد.

همچنین امام باقر (علیه السلام)، عواقب فردی عمل زشت زنا را چنین بیان می‌فرمایند:

«لِلزَّوْجِ سِتُّ خِصَالٍ، ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ، أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَيَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ وَ يورثُ الْفَقْرَ وَ

يُجْعَلُ الْفَنَاءَ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَسَخَطُ الرَّبِّ وَ سُوءُ الْحِسَابِ وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ»^۷

زناکار به شش بلا و مصیبت گرفتار خواهد بود: سه مصیبت در دنیا و سه دیگر در آخرت، اما سه بلاي نخست

۱. سوره اسراء، آیه ۳۲

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، انتشارات موسسه آل البيت، تاریخ نشر ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۵ حدیث ۵/۲۱۵۵۳

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۰ حدیث ۴۹۷۸

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- دارالحدیث)، قم انتشارات دارالحدیث، تاریخ نشر ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۲۴۴ حدیث ۴/۱۰۳۱۰

۵. همان، ص ۲۴۳ حدیث ۳/۱۰۳۰۹

عبارتند از: از بین رفتن نور ایمان از چهره‌اش، فقر و نداری، کوتاهی عمر و مرگ زود هنگام. و اما بلاهای آخرت عبارتند از: گرفتار شدن به خشم الهی، سختی هنگام حسابرسی و آتش جهنم برای همیشه. خداوند متعال برای حفظ عفاف در جامعه و گرفتار نشدن جوانان و جامعه بشری به عواقب شوم زنا، اولاً ازدواج را توصیه نموده و می‌فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾^۱

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را،^۱ ثانیاً به کسانی که شرایط ازدواج ندارند دستور به رعایت عفاف و خویشتن داری داده و چنین فرموده‌اند:

﴿وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۲

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

۳. ۴. ۶. عفت در نگاه

یکی از شاخه‌های عفاف، نگاه عفیفانه است. کسی که می‌خواهد عفاف به معنای وسیعش را در زندگیش جاری و ساری کند باید نگاهش هم، نگاهی عفیفانه باشد. چرا که خداوند متعال خطاب به مردان و زنان، چنین فرموده‌اند:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾^۳

به مومنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند.

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾^۴

و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند.

۱. سوره نور، آیه ۳۲

۲. همان، آیه ۳۳

۳. سوره نور، آیه ۳۰

۴. سوره نور، آیه ۳۱

لازم به ذکر است که واژه «غض» که در مورد نگاه به نامحرم در این دو آیه آمده است، به معنای کاهش دادن است، بنابراین «غض بصر» یعنی کاهش دادن نگاه، در قرآن کریم سوره لقمان آیه ۱۹ از زبان لقمان به فرزندش می‌گوید: «وَ اَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» یعنی صدای خودت را کاهش بده، ملایم کن، فریاد نکن بدیهی است که کنترل نگاه به معنای این نیست که انسان در مقابل نامحرم، چشم‌هایش را ببندد یا به طرف مقابل نگاه نکند، بلکه به معنای این است که انسان به نامحرم خیره نشود و به گونه‌ای لذت جویانه به او نگاه نکند، به دنبال این نباشد که کیفیت چهره، آرایش، وضع لباس و اندام او را ورنه انداز کند بلکه نگاه او به عنوان مقدمه و وسیله مخاطبه با کاهش دید چشم و عدم چشم چرانی باشد.^۱

نگاه غیر عقیفانه، نگاهی است شهوت آلود، که یا بذر شهوت را در دل بیننده بکارد یا اینکه آن نگاه، دیگران را دچار وسوسه‌های شیطانی و خیال‌های شهوت آلوده کند.

امام سجاد (علیه السلام)، خویشتن داری و فرو بستن چشم از نگاه حرام را از دیگر مصداق‌های عفت بر شمرده‌اند و در مقام دعا برای همسایگان و دوستان خود عرضه می‌دارند:

«وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... اَغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَفَّةً»

خدایا مرا آنگونه قرار بده که چشم خود را از روی عفت ببندم.

امیر المومنین (علیه السلام) نیز نشانه پارسایی فرد را عفت او در نگاه دانسته و فرموده‌اند:

«وَ مِنْ وَرَعِهِ عَفَّةٌ بَصْرِهِ وَ عَفَّةٌ بَطْنِهِ^۲»

از تقوای شخص، عفت او در نگاه و شکم است.

دین اسلام برای نگاه اهمیت ویژه‌ای قائل است، زیرا بخش عظیمی از غذای روح ما، از نگاه کردن تأمین می‌شود.

توضیح آنکه؛ انسان موجودی دو بعدی است؛ بعد جسمانی و بعد روحانی، همانطور که ما مواظب تغذیه، بیماری و سلامت جسممان هستیم باید به فکر تغذیه و سلامت روح خود نیز باشیم. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ^۳﴾

انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد.

به ما توصیه و دستور می‌دهد هم مواظب غذای روح خود باشید و هم مواظب غذای جسم خود، غذای جسم

۱. اقتباس از: مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹ ص ۱۲۵

۲. حسین زاده، علی، همسران سازگار، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، تاریخ نشر ۱۳۸۸ ص ۳۹

۳. سوره عبس، آیه ۲۴

ما از راه ورودی دهان تامین می‌شود. عموم مردم نسبت به غذای جسم از حیث بهداشت و سلامت توجه دارند اما آنچه نیاز به تاکید و توجه بیشتری دارد غذای روح ما است که از راه چشم و گوش تامین می‌شود و اگر در این مورد توجه به سلامت دیده‌ها و شنیده‌های خود نکنیم مسلماً روح ما، بیمار شده و عواقب بدی را برایمان به دنبال دارد. به همین دلیل حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعَيْنُ رَأْدُ الْقَلْبِ»^۱

چشم، دل را به دنبال خود می‌کشد.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

به تعبیر قرآن انسان در قبال آنچه دیده است در جهان آخرت مورد بازخواست قرار می‌گیرد:

﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^۲

همانا گوش و چشم و دل، درباره همه اینها روزی مورد بازخواست قرار خواهی گرفت.»

البته در همین دنیا هم فرد غیر عقیف به خاطر نگاههای غیر عقیفانه دچار عواقبی زیانبار خواهد شد.

یکی از وظایفی که ما در قبال چشم خود داریم این است که چشممان را از آنچه حلال نیست، نگه داشته و

از آن برای عبرت آموزی و نفع دنیا و آخرت خود استفاده کنیم. همانطور که امام صادق (علیه السلام) در رساله

حقوق خود، در مورد حق چشم چنین می‌فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ بَصَرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ

الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ»^۳

اما حق چشم بر تو این است که آن را از هر چه بر تو حلال و روا نیست بپوشانی و مبتذلش نسازی، مگر برای

عبرت آموزی، به گونه‌ای که از آن بینا شوی یا پاداشی به دست آوری، زیرا دیده، وسیله عبرت است.

۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

تاریخ نشر ۱۳۶۶، ص ۳۱

۲. سوره اسراء، آیه ۳۶

۳. حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاده (ع)، قم، انتشارات مهدی نراقی، تاریخ نشر ۱۳۸۵، ص ۸۴

۱. ۳. ۴. انواع نگاه

در یک تقسیم بندی کلی، نگاههای ما به دو نوع تقسیم می‌شوند:

الف: نگاههای سازنده:

در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام)، بعضی از نگاهها را به علت سازندگی و نفع اخروی که دارند، مورد تشویق قرار داده اند و به ما توصیه نموده اند؛ مانند نگاه به قرآن، امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«الَنْظَرُ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ»

نگاه کردن به صفحات قرآن عبادت است

نگاه به امام معصوم هم عبادت است همانطور که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

«الَنْظَرُ إِلَى عَلِيٍّ (ع) عِبَادَةٌ»

نگاه به عالمان دینی، نگاه به رهبران عادل و نگاه به سادات هم عبادت محسوب می‌شود و همین طور نگاه به آیات و نشانه‌های الهی در جهان آفرینش، نگاه مهر آمیز به پدر و مادر، همسر، فرزندان و نگاه عبرت آمیز به وقایع هم به ما توصیه شده است.

اما قسمتی از نگاههای ما دارای نفع دنیوی هستند مانند نگاه به دریا و نگاه به سبزه، نگاه به آب روان که

باعث روشنی چشم می‌شوند.

ب: نگاههای ممنوع

قسمتی از نگاههای ما، نه تنها نفع دنیوی و اخروی نداشته، بلکه بالعکس از هر دو جهت به زیان ماست و اثرات زیانباری در دنیا و آخرت برای ما به دنبال دارند.

نگاههای ممنوع در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) عبارتند از: نگاه ترس آور به مؤمن، نگاه مسخره آمیز،

نگاه حسودانه، نگاه به نوشته دیگران، نگاه به نامحرم. از آنجا که بحث ما در زمینه عفاف و حجاب و نگاه

عفیفانه است به بحث در این زمینه و اثرات بسیار مهم آن در حفظ عفاف جامعه می‌پردازیم.

۲. ۳. ۴. اثرات عفت در نگاه

۱. ۳. ۴. چشیدن طعم ایمان و عبادت

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا لِغَيْرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ»^۱

نگاه به نامحرم، تیری زهر آلود از تیرهای شیطان است، هر کس آن را برای خداوند عزوجل، نه از ترس یا شرم دیگران، ترک کند خداوند در پی این ترک، ایمانی به او می‌دهد که مزه‌اش را می‌یابد.

«... عَنْ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ قَالَ النَّظْرُ إِلَى مُحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ

اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرِهِ»^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: نگاه کردن به زیبایی‌های زن، تیری از تیرهای شیطان است هر کس آن را ترک کند خداوند به او مزه عبادتی را می‌چشاند که او را شاد سازد.

۴.۳.۲.۴ رسیدن به نعمت‌ها بهشتی و حورالعین

مسلماً یکی از پاداش‌های کنترل چشم و عفت در نگاه، رسیدن به نعمت‌های الهی است. در واقع اگر کسی در این دنیا، در مقابل شهوتها جنسی و هوای نفس ایستاد، خداوند در جهان آخرت بهتر از آنچه را که ترک کرده به او خواهد داد و به لذت‌هایی دست می‌یابد که فراتر از لذت‌های فانی دنیایی است.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَضَّ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ»^۳

هر کس چشمش به زنی بیفتد و چشم خود را از او بگرداند و به طرف آسمان نگاه کند یعنی رو به جانب لطف خدا نماید او را با حوریان بهشتی تزویج کند.

۴.۳.۲.۳ دستیابی به بالاترین غنیمت

در دنیا بسیاری از چیزها دارای سود هستند اما آن سودی که بالاتر از آن سودی نباشد بسیار کم و نایاب است. امام صادق (علیه السلام) کنترل چشم از نامحرم را مساوی با سود بسیار بزرگی دانسته که بالاتر از آن تصور

۱. بروجردی، آقا حسین، جامع الاحادیث (منابع فقه شیعه)، ترجمه عده ای از فضلاء، تهران انتشارات فرهنگ سبز، تاریخ نشر ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۱۹
۲. همان، ج ۲۵، ص ۵۱۹
۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (طبیروت) قم، انتشارات دار احیا التراث العربی، ج ۱۰۱، باب ۳۴، حدیث ۲۸ ص ۳۷

نمی‌شود و چنین می‌فرمایند:

«مَا أَغْتَنَّم أَحَدٌ بِمِثْلِ مَا أَغْتَنَّم بَغْضَ الْبَصَرِ؛ فَإِنَّ الْبَصَرَ لَا يُغْضُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ إِلَّا وَ قَدْ سَبَقَ إِلَى قَلْبِهِ مَشَاهِدَةُ الْعِظْمَةِ وَالْجَلَالِ»^۱

همانا هیچ کسی غنیمتی بهتر از حفظ چشم نخواهد یافت، چرا که هیچ چشمی از حرام الهی بسته نمی‌شود مگر آنکه مشاهده عظمت و جلال الهی در قلب صاحبش جاری خواهد شد

۴.۲.۳.۴. در امان ماندن از فساد و فحشاء

یکی از آثار مهم عفت در نگاه در امان ماندن از فحشا و منکرات است.

قال عیسی (علیه السلام): «لَا تَكُونَنَّ حَدِيدَ النَّظْرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ فَإِنَّهُ لَنْ يَزِنِي فَرَجُكُ مَا حَفِظْتَ عَيْنَكَ فَإِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تَنْظُرَ إِلَى ثَوْبِ الْمَرَاةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ فَافْعَلْ»^۲

حضرت عیسی (علیه السلام) فرمودند: به آنچه نگاه کردن بدان برای حلال نیست خیره منگر چرا که اگر چشمت را حفظ کنی مرتکب فحشا نمی‌شوی و اگر می‌توانی به لباس زنی که محرم توست نگاه نکنی چنان کن.

عفت در نگاه آنقدر اهمیت دارد که در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چشم چرانی را زناى چشم معرفی می‌کند بنابراین کنترل چشم، به عبارتی همان دور ماندن از مفسده زشت زناست.

«لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّوْنِ، فَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظْرُ وَاللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ، وَ الْأُذُنَانُ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَالْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ، وَ الرَّجُلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ، وَ الْفَرْجُ يُصَدِّقُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ يُكَذِّبُهُ»^۳

همانا برای هر عضوی از اعضای انسان چهره‌ای از زنا است، زناى چشم، نگاه کردن [به نامحرمان] است، و زبان زنايش سخن گفتن، و گوش زنايش شنیدن، و دست‌ها لمس کردن، و پاها رفتن، و این دامن است که در نهایت همه آنها را تصدیق یا تکذیب خواهد کرد.

۱. منسوب به امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشریعه، بیروت، انتشارات اعلمی، تاریخ نشر ۱۴۰۰ق، ص ۹

۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه فقیه، تاریخ نشر ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۲

۳. احمدی جلفایی، حمید، احمد علیشائی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر ۱۳۹۰

۳.۳.۴. آثار عدم عفت در نگاه و چشم چرانی

همانطور که گفته شد چشم چرانی آثار زیانباری را در سلامتی روح انسان به ویژه جوانان دارد. ریشه بسیاری از گناهان، چشم چرانی است. بعضی از افراد برای رسیدن به خواسته‌های خود و هواهای نفسانی که از راه چشم تحریک شده‌اند حتی زندگی خود را هم به مخاطره می‌اندازند.

پس چه بهتر است که یک جوان به وسیله کنترل نگاه، سلامت فکر و طهارت روح خود را حفظ کرده و زندگی با صفای خویش را به بسیاری از گناهان که به وسیله یک نگاه انجام می‌شود، آلوده نسازد.

آثار منفی عدم عفت در نگاه بسیار است، از باب اختصار به چند نمونه اکتفا می‌کنیم

۱.۳.۴. افتادن در دام شیطان

سیاست شیطان برای گمراه کردن انسان به تعبیر قرآن، سیاست گام به گام است. خداوند متعال در سوره نور آیه ۲۱ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾

ای مؤمنان، از گام‌های شیطان پیروی نکنید. «خطوات» جمع «خطوة» به معنای گام است و قرآن در مسئله شهوت، تغذیه و تهمت کلمه «خطوات الشیطان» را به کار برده است تا بگوید شیطان گام به گام انسان را به بعضی گناهان وادار می‌کند.^۱

توضیح آنکه شیطان برای آنکه ما را به گناهان بزرگ بکشانند، ابتدا از گناهان کوچک آغاز می‌کند، مثلاً در بحث ارتباط با نامحرم، در اولین گام ما را دعوت به عمل زشت و ناپسند زنا نمی‌کند بلکه ابتدا همان طور که حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: از ابزار و دامی به نام چشم آغاز می‌کند. ایشان فرمودند:

«الْعُيُونُ، مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ؛^۲ چشمها، دامهای شیطان هستند.»

وقتی شیطان در اولین گام موفق شد، ابتدا سعی در تکرار این گام مهم می‌کند، سپس در گام دیگر، ارتباط کلامی را القا می‌کند، در مرحله سوم و گام بعدی شوخی‌ها و کلام‌های غیر عقیفانه را بین زن و مرد نامحرم رواج داده، تا جائیکه در قدم پایانی، افراد را دچار عمل زشت زنا می‌کند، در صورتیکه در قدم اول، دو جنس مخالف احتمال انجام چنین گناهی را در حق خود روا نمی‌داشتند. این است سیاست گام به گام شیطان برای گمراهی انسان‌ها.

۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور (۱۰جلدی)، قم، انتشارات مرکز فرهنگی در سهای از قرآن، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۶۱
۲. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۶۶، ص ۲۶۰

به همین جهت است که معصومین (علیهم السلام) فرمودند: اکیداً از نگاه مجدد به نامحرم خودداری کنید.

امیر المومنین علی (علیه السلام) در این زمینه فرمودند:

«أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَالثَّانِيَةُ عَلَيْكَ لَا لَكَ وَ النَّظْرَةُ الثَّلَاثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِّنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»^۱

اولین نگاه از آن توست ولی دومین نگاه به ضرر تو تمام خواهد شد (زیرا دومین نگاه به وسیله شیطان هدایت می‌شود) و سومین نگاه تیری است زهر آلود از تیرهای شیطان.

۲.۳.۳.۴. سلب آسایش فکری

یکی از آسیب‌های زیانباری که در اثر چشم چرانی به انسان وارد می‌شود، این است که آسایش فکری و روانی از او گرفته شده، پیوسته فکر و ذهنش مشغول آنچه دیده است، می‌باشد؛ به گونه‌ای که از فکر هر منظره‌ای خود را برهاند، گرفتار فکر منظره دیگر می‌شود. امیر المومنین (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند:

«مَنْ أَطْلَقَ نَظْرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرُهُ، مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ»^۲

هر که نگاهش را رها سازد (کنترل نکند) خاطرش پریشان خواهد بود و هر که اوقاتش پریشان باشد، حسرت و پشیمانی‌اش ادامه خواهد داشت.

۳.۳.۳.۴. تحریک شهوت

از جمله آسیب‌های دیگری که در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) برای عدم عفت در نگاه ذکر شده است، تحریک شدن شهوت است، امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: حضرت عیسی بن مریم به حواریون چنین فرمودند:

«إِيَّاكُمْ وَ النَّظْرَ إِلَى الْمَحْذُورَاتِ: فَإِنَّهُ بَذْرُ الشَّهَوَاتِ وَ نَبَاتُ الْفِسْقِ»^۳

از نگاه به نامحرم خودداری کنید چرا که تخم شهوت را در دل بکارد و بیننده را دچار فتنه خواهد کرد.

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، قم، انتشارات موسسه آل البيت، تاریخ نشر ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۲
۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت) قم، انتشارات دار احیا التراث العربی، ج ۱۰۱، باب ۳۴ حدیث ۳۳ ص ۳۸
۳. منسوب به امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشریعه، بیروت، انتشارات اعلمی، تاریخ نشر ۱۴۰۰ق، ص ۱۰

۴.۳.۳.۴. عذاب‌های اخروی

یکی دیگر از عواقب چشم چرانی، عذایهای اخروی است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

«مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ»^۱

هر که چشمش از حرام الهی پر باشد خداوند متعال چشمانش را در روز قیامت از آتش جهنم پر خواهد نمود مگر توبه نماید و برگردد.

و نیز فرمودند: «اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا، فَإِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ»

همانا غضب الهی شدید می‌شود برای زنی که شوهر دارد ولی چشم خود را به مردان دیگر یا نامحرمان دوخته است، پس اگر زنی این کاره شد، خداوند متعال همه اعمال نیک او را باطل می‌کند. «
از آثار دیگر چشم چرانی به رسوایی در دنیا، قساوت قلب، حسرت طولانی، تأسف و اندوه، کم شدن علاقه به همسر، زمینه سازی برای طلاق و جدایی، می‌توان اشاره کرد.

۴.۴.۴. عفت در رفتار، کردار و روابط اجتماعی

یکی از ابعاد عفت، عفت در رفتار، کردار و روابط اجتماعی است، با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی است و ناگزیر از روابط و معاشرت‌های اجتماعی است. لازمه این حضور، ملکه نفسانی عفاف در صحنه اجتماع است. اسلام که یک آئین معتدل و متعادل است و از هر افراط و تفریطی به دور است و امتش را «امت وسطا» می‌خواند زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشوند از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند، در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می‌کند مثلاً حج بر زن و مرد به طور مساوی واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد و در بعضی موارد به ترخیص اکتفا می‌کند و حکم به وجوب نمی‌کند.
مثلاً بر زنان واجب نیست که در نماز عیدین (در زمان حضور امام) شرکت کنند ولی از شرکت کردن ممنوع نمی‌باشند.

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت) قم، انتشارات دار احیاء التراث العربی ج ۷۳، باب ۶۷ حدیث ۱ ص ۳۳۴

خداوند متعال به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح آزاد جنسی کاملاً آگاه است و از آنجا که در نحوه ارتباط زنان و مردان، باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد، عفت در روابط را که بخش عظیمی از آن با حجاب ظاهری حاصل می‌شود توصیه می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ^۱﴾

و هنگامیکه چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (=همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاک‌دل‌های شما و آنها بهتر است.

دین اسلام نهایت مراقبت را در برخورد‌های زنان و مردان نامحرم دارد و تا حدودی که منجر به حرج و فلج نشود طرفدار دور نگه داشتن زنان از مردان است.

اسلام در عین اینکه به زنان اجازه شرکت در مساجد و ... را می‌دهد دستور می‌دهد به صورت مختلط نباشد، محلها از یکدیگر جدا باشد.

از جریان داستان حضرت موسی (علیه السلام) و دختران حضرت شعیب (علیه السلام) در سوره قصص آیه ۲۳ چنین استنباط می‌شود که:

۱- گفتگوی مرد با زن در صورت لزوم مانعی ندارد ﴿مَا خَطَبَكَمَا﴾

۲- سعی کنیم در حرف زدن با نامحرم خلاصه سخن بگوئیم ﴿مَا خَطَبَكَمَا﴾

۳- کار زن در خارج از منزل اشکالی ندارد به شرط آنکه:

الف) زن در محیط کار تنها نباشد ﴿امراتین﴾

ب) با مردان اختلاطی نداشته باشد. ﴿مِنْ دُونِهِمْ - لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْدُرَ الرَّعَاءُ﴾

ج) مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده نباشد. ﴿أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾^۲

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در زمان حیات خویش اشاره کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لوترکنا هذا الباب للنساء» یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم. بعدها عمر صریحاً نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند.

و نیز می‌گویند: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می‌شود اول زنها

۱. سوره احزاب، آیه ۵۳

۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور (۱۰ جلدی)، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی در سهای از قرآن، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۷

بیرون بروند بعد مردها. رسول خدا خوش نمی‌داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند، زیرا فتنه‌ها از همین اختلاطها بر می‌خیزد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برای اینکه برخورد و اصطکاک ریخ ندهد دستور می‌داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند.

یک روز رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در بیرون مسجد بودند. دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون آمدند، به زنها خطاب کردند و فرمودند بهتر این است شما صبر کنید آنها بروند. شما از کنار بروید و آنها از وسط. نکته دیگر اینکه: از وصیت امیر المومنین (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) که فرمودند:

«وَ أَكْفَفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ ... وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مَا فَعَلَ^۱»

تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه زن را حفظ نمی‌کند... اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری را نشناسد چنین کن.

و همچنین سخن حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مورد زنان که فرمودند: «خَيْرُ لَهْنٍ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ^۲»

بهترین چیز برای زن این است که مرد بیگانه‌ای را نبیند و مرد بیگانه هم او را نبیند.»

چنین استنباط می‌شود که اولاً این احادیث حمل بر توصیه‌های اخلاقی شده و ارجحیت دور بودن زن از مرد را بیان می‌کند، ثانیاً این گونه جمله‌ها به حقیقتی روحی و روانی در روابط دو جنس مخالف اشاره می‌کند و آن این است که رابطه زن و مرد نامحرم بسیار خطرناک است، گلی است که پیلان بر آن می‌لغزند و این احادیث لزوم عفت در رفتار، کردار و روابط اجتماعی را هم به ما گوشزد می‌کند.

جامعه امروز زیانهای اجتماع مختلط را به چشم خود می‌بیند. چه لزومی دارد که زنان فعالیت‌های خود را به اصطلاح «دوش به دوش» مردان انجام دهند؟ آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند نقصی در فعالیت و راندمان کار آنان رخ می‌دهد؟

اثر این دوش به دوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار باز می‌دارد و هر یک را به جای توجه متوجه (همدوش) می‌کند، تا آنجا که غالباً این همدوشیها به هماغوشی منتهی می‌گردد.

۱. شریف الرضی، محمد حسین، نهج البلاغه، تحقیق للصبیحی صالح، قم، انتشارات هجرت، تاریخ نشر ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۱
۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت) قم، انتشارات دار احیاء التراث العربی ج ۴۳، ابواب تاریخ حضرت فاطمه (س) حدیث ۴۸ ص ۵۴

از آنچه گفتیم روشن می‌شود که اسلام با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع ولو با حفظ حریم.^۱ بنابراین اسلام برای حفظ عفت در روابط و رفتار و کردار اجتماعی، اولین توصیه‌اش این است که در حد ممکن از اختلاطها جلوگیری شود. توصیه دیگر اسلام این است که طوری در اجتماع رفتار کنند که عفت جامعه آسیب نبیند خداوند متعال در قرآن کریم در مورد عفت در رفتار، کردار زنان چنین می‌فرماید:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾

(به زنان با ایمان بگو هنگام راه رفتن) طوری پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. بر طبق این آیه هر کاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است هم چنین پوشیدن هر گونه کفش و لباسی که هنگام راه رفتن سبب آشکار شدن زیور و زیبایی‌های زن شود جایز نیست.^۲ بعضی از رفتارهای زبان دارند یعنی نوع رفتارها، پیامی را به دیگران القا می‌کند بعضی خانم‌ها رفتارشان داد می‌زند و می‌گوید نامحرم بیا به سوی من، بیا با من ارتباط برقرار کن و رفیق شو. نوع لباس پوشیدن، نوع تیپ، به نامحرم چراغ سبز نشان می‌دهد، اما بعضی رفتارها فریاد می‌زند و می‌گوید: حق نداری به من نگاه کنی، خجالت بکش، چشمت را ببند، غیرت داشته باش. بنابراین خانم باید نوع راه رفتنش، نوع کفش پوشیدنش، نوع لباس پوشیدنش، نوع صحبت کردنش طوری باشد که نامحرم از او پیام عفت و پاکیزگی را استنباط کند.^۳ از جمله مواردی که ائمه اطهار(علیهم السلام) آن را از مصادیق مهم عفت در کردار رفتار و روابط اجتماعی نام برده اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱.۴.۶.۴. پرهیز از استعمال عطر و خوشبو کننده‌ها در میان نامحرمان

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

«أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ (بِغَيْرِ زَوْجِهَا) وَ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعِنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ»^۴

هر زنی خود را برای غیر شوهرش خوشبو کند و از منزلش خارج شود مورد لعن و نفرین است تا وقتی که به

۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹ ص ۲۲۰-۲۰۱

۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور (۱۰ جلدی)، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی در سهای از قرآن، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ج ۶ ص ۱۷۵
۳. اقتباس از: حسینی نیشابوری، سید علی اکبر، سخنرانی‌های دکتر رفیعی/ویژه خانواده‌ها، قم، انتشارات صالحان، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۱۷۵

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- دارالحدیث)، قم انتشارات دارالحدیث، تاریخ نشر ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۹۰ حدیث ۲/۱۰۲۱۹

منزل بازگردد.

۲.۴.۶.۴. پرهیز از سوار شدن بر مرکب

یکی از مظاهر بی عفتی در جوامع امروز که مربوط به عفت در رفتار و کردار می‌شود سوار شدن زنان بر اسب و مخصوصاً دو چرخه است، در روایات اسلامی ائمه اطهار(علیهم السلام) زنان را از سوار شدن بر مرکب (اسب، شتر) منع کرده‌اند که یکی از مصداق‌ها مرکب در جوامع امروزی دوچرخه نیز می‌باشد، بنابراین سوار شدن خانم‌ها بر دوچرخه نوعی بی عفتی در رفتار و کردار اجتماعی محسوب می‌شود، که باید از آن پرهیز کنند.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُرَكَبَ سَرْجٌ بِفَرْجٍ»^۱

همانا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نهی می‌کرد زن، سوار بر پشت مرکب (شتر اسب و ...) بشود.

امیر المؤمنین نیز فرمودند:

«لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوجَ عَلَى السُّرُوجِ فَتَهَيِّجُوهُنَّ لِلْفُجُورِ»^۲

زنان را بر پشت مرکب سوار نکنید زیرا باعث تحریک آنان به فسق و فجور خواهد شد

۳.۴.۶.۴. پرهیز از دست دادن با نامحرمان

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمودند:

«وَمَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا ثُمَّ يُومِرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۳

اگر کسی با زن نامحرمی دست بدهد، روز قیامت با دستان بسته خواهد بود، سپس وارد جهنم خواهد شد.

۱. احمدی جلفایی، حمید، احمد علیشانی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر ۱۳۹۰

ص ۱۳۳

۲. همان

۳. همان، ص ۱۳۰

۴.۴.۴. پرهیز از مراجعه به طبیب نامحرم

از امام صادق (علیه السلام) سوال شد:

«عَنْ الرَّجُلِ يَكُونُ بَيْطَنُ بَطْنِ فَخْذِهِ أَوْ الْيَةِ الْجُرْحُ هَلْ يَصِلِحُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ تُدَاوِيَهُ؟ قَالَ: إِذَا لَمْ يَكُنْ عَوْرَةً فَلَا بَأْسَ^۱»

مردی که در ران پا یا نشستگاه خود زخمی دارد، آیا زن نامحرم می‌تواند نگاه کند و او را درمان نماید: فرمود: اگر هیچ محرمی برای مداوای او نباشد، اشکالی ندارد.

تُسئِلُ الصَّادِقُ عَنِ الْمَرْأَةِ لَهَا أَنْ يَحْجُمَهَا رَجُلٌ؟ قَالَ لَا.^۲

از امام صادق (علیه السلام) سوال شد درباره زنی که مرد نامحرم می‌خواهد او را حجامت کند؟ فرمود: نه.

۵. ۴. ۶. ۵. عفت در پوشش

یکی از موارد عفاف، عفت در پوشش است. عفت در پوشش هم مربوط به مرد می‌شود و هم به زن، اما پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های وی از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این رو دستورات پوشش در اسلام اختصاص به زنان دارد. علت این امر این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنانکه از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی، میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه‌ی به خود اسیر سازد. به همین جهت انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.^۳

خداوند متعال در آیات متعددی به بیان وجوب پوشش زن و احکام آن پرداخته است که به چند مورد اشاره

می‌کنیم:

۱. احمدی جلفایی، حمید، احمد علیشانی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر

۱۳۹۰ص ۱۳۱

۲. همان

۳. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹، ص ۸۰

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾^۱ و زینت خود را (جز آن مقدار که نمایان است) آشکار نمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه‌ی خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)

از این آیه چند نکته استفاده می‌شود:

۱. جلوه‌گری زنان در جامعه ممنوع است: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾
۲. ظاهر بودن قسمت‌های از بدن که به طور طبیعی پیداست، صورت و دستها مانعی ندارد. ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾

۳. در میان انواع پوشش‌ها، نام مقنعه و روسری آمده است. و این دلیل بر اهمیت پوشش سر گردن و سینه است. ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾
۴. حجاب و پوشش واجب است. ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ﴾

غیر از رعایت پوشش ظاهری مربوط به سر و گردن و سینه، مقتضای عفت در پوشش رعایت نکات زیر است که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است:

۱. ۵. ۶. ۴. اهمیت پوشش سر تا سری (چادر)

حجاب برتر (چادر) نشان دهنده عفت زنان در اجتماع است زیرا تحریک مردان را به حداقل ممکن می‌رساند به همین دلیل خداوند آن را سفارش می‌کند و می‌فرماید:^۳

ای پیغمبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو تا چادرها (پوشش‌های سرتاسری) خود را بپوشند، زیرا این کار بهتر است برای آنان تا آن که اهل عصمت و تقوا شناخته شوند و مورد آزار مردان مزاحم و هوسران قرار نگیرند و همانا خداوند متعال بخشنده و مهربان است.^۴

۱. سوره نور، آیه ۳۱

۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور (۱۰ جلدی)، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی در سهای از قرآن، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ج ۶ ص ۱۷۵

۳. سوره احزاب، آیه ۵۹

۴. سوره احزاب، آیه ۳۳

۲. ۵. ۴. پرهیز از آشکار کردن زینت‌ها در محیط اجتماع

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾

و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

در این آیه خداوند زنان را از آشکار کردن زینت‌هایشان در میان اجتماع نهی کرده است. زیرا معنای تَبْرُج؛

آشکار کردن زینت و هر چیزی است که شهوت مرد را برانگیزد.^۱

۳. ۵. ۴. پرهیز از لباس‌های نازک و بدن نما

یکی از مظاهر بی عفتی زنان در اجتماع پوشیدن لباس‌های است که زیبایی بدن آنان را نمایان کرده و باعث تحریک شهوت مردان و آلودگی محیط اجتماعی می‌گردد پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) در این زمینه فرمودند:

هَلَاكُ نِسَاءِ أُمَّتِي فِي الْأَحْمَرَيْنِ: الذَّهَبِ وَ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ^۲

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: هلاکت زنان امت من در دو چیز است. (حرص به) جمع کردن طلا

و پوشیدن لباس‌های نازک.

۴. ۵. ۴. پرهیز از لباس‌های تنگ و مشخص کننده‌ی حجم بدن

امام صادق (علیه السلام) در مورد پرهیز از لباس‌های تنگ و مشخص کننده حجم بدن که یکی از نشانه‌های بی عفتی است می‌فرماید:

قال الامام الصادق (عليه السلام): فيما أخذ رسول الله من البيعة على النساء أن لا يجتبن ولا يقعدن مع

الرجال في الخلاء^۳

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از زنان امت خود

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۵۱، ج ۱ ص ۱۷۵

۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه فقیه، تاریخ نشر ۱۴۱۰ق ج ۱، ص ۳

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الاسلامیه)، قم انتشارات دارالحدیث، تاریخ نشر ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۱۹

گرفت این است که پوشش‌های خود را به بدنشان نپیچند و با مردان نامحرم در جای خلوتی ننشینند.

۵. ۵. ۴. پرهیز از پوششی که شبیه مردان باشد.

الامام الصادق (علیه السلام) کان رسولَ الله (صلی الله علیه وآله) یزجرُ الرجلَ أن یتشبهَ بالنساء و ینهی المرأةَ أن تتشبهَ بالرجال فی لباسها^۱

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نفرت داشت از اینکه مرد از لحاظ پوشش و آرایش و رفتار و گفتار و ... خود را شبیه زنان کند و نهی می کرد از اینکه زن، خود را در پوشش، شبیه مردان سازد. (توضیح آنکه پرهیز از شبیه بودن به مردان یعنی اینکه زنان با چادر در اجتماع حضور یابند نه باکت و شلوار و آنچه‌ان که مردان در اجتماع ظاهر می‌شوند.

۶. ۵. ۴. پرهیز از لباس‌های جذاب و تحریک کننده

قال الامام الصادق(علیه السلام) لا ینبغی للمرأة ان تجمّو ثوبها إذا خرّجت من بیتها^۲

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: شایسته نیست برای زن مسلمان تا براق کند لباس‌هایش را (جذاب نماید به گونه‌ای که نامحرم‌ان را به خود جلب کند) آن گاه که از منزل خود بیرون می آید.

بعضی از زنان متأسفانه لباس‌هایی می‌پوشند که به علت نوع رنگ یا براق بودن نگاه نامحرم را به آنان جلب کرده و زمینه بی‌بند و باری را در جامعه فراهم می‌کند بنابراین پوشیدن هر نوع لباسی که حجم بدن و اندام و زینت‌های زنان را نمایان کند و حتی لباسی که باعث جلب توجه شود مصداق عدم عفت در پوشش می‌باشد.

از مطالبی که در مورد عفاف و موارد آن بیان کردیم روشن شد که عفت دامنه وسیعی دارد و در همه ابعاد زندگی جاری و ساری است. البته از دیگر موارد عفاف می‌توان به عفت در خوردن شامل عفت در خوردن حرام، عفت در پرخوری و عفت در بعد مادی شامل عفت در حالت فقر، عفت در حالت غنا و عفت در درخواست، عفت

در اندیشه نیز اشاره کرد، که به علت طولانی شدن بحث از وارد شدن به آنها خودداری می‌کنیم

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، انتشارات موسسه آل البیت، تاریخ نشر ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۵

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت) قم، انتشارات دار احیا التراث العربی ج ۵، ص ۵۱۹

۴.۷. آموزگار عفاف

در قرآن کریم در مقام بیان قوه جاذبه و ملکه عفاف، هم از مرد نمونه می آورد و هم از زن، لیکن باید دید آیا مرد در این صحنه عقیفانه تر تجلی نموده است یا زن؛ درباره آزمون وجود مبارک یوسف (علیه السلام) قرآن چنین می فرماید:

﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْ اَنْ رَّاٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ﴾

آن زن قصد او را کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را ندیده بود آهنگ او می کرد.

با وجود همت و اهتمام آن زن مصری و تعقیب حضرت یوسف (علیه السلام) توسط وی، یوسف صدیق نه تنها مرتکب حرام نشد و نیز مقدمات حرام را آماده نکرد، بلکه قصد و همت و خیال گناه هم نداشت، زیرا برهان پروردگارش را مشاهده نمود و مایل به بی عفتی نشد و قصد گناه نکرد.

حضرت مریم (سلام الله علیها) از لحاظ ملکه عفاف بودن، یا همسطح حضرت یوسف (علیه السلام) است یا بالاتر از او، در جریان آزمون حضرت مریم (سلام الله علیها) و درخواست عمل منافی عفت توسط فرشته ای که به صورت انسان بر وی ظاهر شده بود، از حضرت مریم (سلام الله علیها) این چنین حکایت می کند:

﴿قَالَتْ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْکَ اِنْ کُنْتَ تَقِیًّا﴾

یعنی نه تنها خودش میل بی عفتی ندارد، آن فرشته را هم که به صورت بشر ظاهر شده، نهی از منکر می کند و می گوید: اگر تو باتقوایی، دست به این کار نزن (اِنْ کُنْتَ تَقِیًّا). حال سوال این است آیا تعبیری که قرآن کریم در مورد حضرت مریم (سلام الله علیها) به کار می برد لطیف تر از تعبیر الهی درباره یوسف (علیه السلام) نیست؟ بنابراین زنان در مقام ملکه عفاف عهده دار ممتازترین نقش برای حفظ ادیان ابراهیمی بوده و خواهند بود.^۳

۱. سوره یوسف آیه ۲۴

۲. سوره مریم، آیه ۱۸

۳. جوادی آملی، عبد الله، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، تاریخ نشر ۱۳۸۳، ص ۱۲۵

۸.۴. رابطه حجاب، عفاف و حیا

براساس آنچه در مورد مفهوم عفاف و موارد آن گفتیم روشن شد که حجاب و عفاف، پیوندی ناگسستی و ناگزیر از هم دارند. عفاف همان صفت درونی و ملکه نفسانی است که منشأ تقوای بیرونی می‌شود و به عبارتی تقوای بیرونی، تجلی عفاف درونی است. عفاف یک قوه بازردارنده از افراط است که وقتی به صورت ملکه‌ای در درون درآمد، حاکمیتش در بیرون ظاهر می‌شود از این رو امام علی (علیه السلام) فرمودند:

«بِالْعَافِ تَزَكُّوا الْأَعْمَالُ»^۱

اعمال ظاهری را به وسیله ایمان باطنی پاکیزه و تصفیه کنید.

همچنین در روایت دیگر از آن حضرت آمده است:

«تَمْرَةُ الْعِفَّةِ الصِّيَانَةُ»^۲

صیانت و تقوا، حاصل عفت است.

عفاف و خویشتن‌داری در برابر فزون‌خواهی شهوانی ویژگی‌هایی دارد از جمله؛ حالتی درونی است که نشانه‌هایش در رفتار، گفتار، کردار و پوشش انسان ظاهر می‌شود و با رفتار و نشانه‌های متناقض سازگار نیست. بنابراین حفظ عفت بدون رعایت نشانه‌های آن ممکن نیست. عفت نمی‌تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد.

نمی‌توان به زن یا مردی عقیف گفت درحالی که عربان یا نیمه عربان در انظار عمومی ظاهر می‌شود.^۳ و گفتار، رفتار و کردارش عقیفانه نیست. به عبارت دیگر بین حجاب و پوشش ظاهری، عفت و بازرندگی باطنی انسان تاثیر متقابل است به این ترتیب که هرچه عفاف درونی و باطنی انسان بیشتر باشد این عفاف باطنی انسان باعث رعایت حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد و برعکس هرچه حجاب و پوشش ظاهری انسان بیشتر و بهتر باشد این حجاب و پوشش ظاهری بیشتر، در تقویت و پرورش روحیه باطنی عفاف تأثیر بیشتری دارد و باعث دستیابی انسان به مراتب بالاتر عفاف می‌گردد.^۴

برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند، این گروه از حجاب تنها پوسته‌ای و ظاهری بی‌معنا دارند و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف *غررالحکم و دررالحکم*، محقق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۶۶، ص ۲۵۶

۲. همان

۳. علاء الدین، سید محمد رضا، «نقش حجاب و عفاف در تثبیت و رشد اخلاق»، *فصلنامه قرآنی کوثر* ش ۳۷، ص ۱۴۷

۴. مرکز فقهی ائمه اطهار، *پرسمان حجاب‌شناسی*، قم، ناشر شرکت چاپخانه بانک ملت ص ۱۴

کرده و با تعابیری همچون من قلب پاکی داریم، خدا با قلبها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و... خود را سرگرم می‌کنند. انسانهایی چنین باید در قاموس اندیشه خود نکته ای اساسی را بنگارند و آن این است که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاکی به نام بی‌حجابی نخواهد شد زیرا حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب.

در مورد ارتباط عفاف و حیا نیز چند نکته حائز اهمیت است:

۱- یکی از صفات ارزشمندی که در وجود هر انسان سرمایه‌ای عظیم محسوب شده و ریشه بسیاری از فضائل اخلاقی می‌باشد حیا است به همین دلیل امام علی (علیه السلام) یکی از زیباترین لباس‌های دنیا را حیا می‌دانند و می‌فرمایند:

«أَحْسَنَ مَلَابِسِ الدُّنْيَا الْحَيَاءُ»^۱

حیا زیباترین جامه دنیاست.

۲- ریشه عفاف حیا است. هرچقدر در وجود انسان حیا وجود داشته باشد به همان مقدار عفاف در زندگی او وجود خواهد داشت. امام علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرمایند:

«عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ»^۲

عفت و خویشتن داری در وجود انسان به اندازه حیا اوست.

۳- حیا و عفت قرین و همراه یکدیگر هستند. چنانچه علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْحَيَاءُ قَرِينُ الْعِفَّةِ»^۳

شرم و حیا همواره قرین و همراه عفاف و پرهیزگاری است.

هر مقدار درجه حیا در وجود انسان بیشتر شود در مقابل عفت او هم تا همان درجه بالا می‌رود و در این صورت همراه بودن عفت و حیا حفظ خواهد شد.

۴- با حیاترین انسانها، با عفت‌ترین افراد هستند چرا که هر قدر حیا در انسان افزایش یابد به عفت او هم افزوده خواهد شد و چه زیبا امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، محقق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

تاریخ نشر ۱۳۶۶ ص ۲۵۷

۲. همان، ص ۲۵۶

۳. همان

«أَعْفُكُمْ أَحْيَاكُمْ»^۱

با عفت‌ترین شما، باحیاتی‌ترین شماست.

۵- اگر کسی در گستره زندگی خود بخواهد انسان عفیفی باشد باید سبب عفت را که حیاست را در زندگی خود تقویت کند. آن وقت است که از ثمره زیبایی حیا، که عفت در کلام، رفتار، نگاه، پوشش و... می‌باشد بهره‌مند خواهد شد.

حضرت علی (علیه السلام) در این رابطه چنین فرموده‌اند:

«ثَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعِفَّةُ»^۲

ثمره و نتیجه حیا، عفت است

۱. همان

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۶۶

فصل پنجم: حجاب در آینه تمثیلات

حجاب مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن برای روشن شدن ارزش و فواید حجاب، به تمثیلات

ذیل توجه فرمایید:

۱.۵. حجاب و منفعت

برای بهره‌برداری از نیروی گاز می‌بایست آن را در محفظه‌ای مخصوص و غیرقابل نفوذ قرار دهیم و یا لوله‌های آن را از نظر نشت مراقبت نمائیم، در این صورت همیشه در آسایش قرار داریم.

حال اگر نیروی گاز در محفظه قرار نگیرد و مراقبت‌ها انجام نشود، نه تنها از آن بهره‌برداری نمی‌کنیم، بلکه انفجار آن باعث تخریب خواهد شد.

بهره‌برداری از نیروی زن نیز منوط به رعایت حفاظ محکم حجاب است در غیر این صورت با رواج فرهنگ ابتذال، آرایش و خودنمایی، نیمی از جامعه را به خود مشغول کرده که چه بپوشند، چگونه بپوشند؟ و خود را چگونه بیارایند و نیم دیگر جامعه را به آنان مشغول خواهد ساخت. آنوقت کار آموزش تحقیق و پژوهش جای خود را به آرایش، خودنمایی چشم‌چرانی و لذت‌جویی خواهد داد و سقوط و سوختن و از بین رفتن جامعه در آن صورت حتمی خواهد بود.

۵.۲. سد و حجاب

همانطوری که سد، نیروی آب را مهار می‌کند و آن را در معرض استفاده مطلوب قرار می‌دهد، حجاب هم مثل سدّی آهنین است که نیروی زنان را ذخیره کرده و از هرز رفتن آن در مسیرهای نامطلوب جلوگیری می‌کند و امکان استفاده مطلوب را از آن، میسر خواهد ساخت.

۵.۳. حجاب و سلامتی

تا میوه‌ای پوست بر تن دارد، مدت‌های زیادی دوام خواهد داشت. ولی وقتی پوست میوه‌ای گرفته شد بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت و حتی بی‌احترامی به مهمان است که قبلاً میوه‌ای مثلاً سیب را پوست بکنند بعد در مقابل مهمان بگذارند.

حجاب همانند پوست میوه است که حافظ تازگی و سلامت میوه است و تا زمانی که زنها این حجاب و عفت را دارند از طراوت و زیبایی و تازگی و سلامت بهره‌مندند، ولی برداشتن حجاب همان و از بین رفتن سلامت و زیبایی همان^۱.

۵.۴. فانوس و شمع

حجاب مانند فانوس است و زن شبیه به شمع است و حیا و عفت او همانند نور شمع. یعنی زن عقیف همچون شمع روشن است و زنی که عفت خود را از دست داده و بی‌حیا شده چون شمع خاموش است.

۱. نرم‌افزار جامع پیرامون حجاب و پوشش اسلامی، صفات

در قدیم فانوس یک ظرفی بود مسی و یک پارچه شمعی که نور پس می داد. در اطرافش بود. شمع را داخل آن می گذاشتند و بعد روشن می کردند حال اگر باد می وزید این شمع خاموش نمی شد، اما اگر شمعی بیرون بود، همین که نسیمی می وزید خاموش می شد. زن شمع و این حجاب چون فانوس است روشنی همیشه شمع به فانوس است.

شمع اگر بخواهد روشن بماند باید در این فانوس باشد و این فانوس برای حفظ نور و روشنایی اوست و زندان نیست.

۵.۵. سیم خاردار

شما چرا به دور خانه هایتان دیوار می کشید و بر روی دیوارها سیم خاردار نصب می کنید؟ اگر دربهای خانه تان چوبی باشد، چرا آهنی می کنید و اگر دیوارها کوتاه باشند، چرا بلند می کنید؟ آیا اینها همه برای راحتی یا ناراحتی شماست. حجاب همچون دیوارخانه و همچون سیم خاردار است، حال اگر دیوار خانه هایتان بلند بود و کوتاه کردید یا سیم خاردار داشت برداشتید، یا درب بسته بود باز کردید، این موجب راحتی و آرامش و آسایش است؟ یا موجب ناآرامی شما خواهد بود؟ اگر دربها، دیوارها و... برای راحتی خانه ها باشد، حجاب هم برای راحتی و آسودگی بانوان است پس اگر اسلام برای زن حجاب آورده، برای راحتی است نه مشقت، مشقت در بی حجابی است.

۵.۶. غنچه و حجاب

غنچه تا غنچه است در حجاب است، هیچکس هوس چیدن آن را نمی‌کند، اما همینکه حجاب را کنار نهاد و باز شد، آنرا خواهند چید. وقتی که چیدند چند روزی هم ممکن است در جای مناسب قرارش دهند، اما دیری نمی‌پاید که پژمرده و پرپر می‌شود و آن را در سطل زباله می‌ریزند. خواهران با حجاب هم همچون غنچه‌اند، هیچ‌کس دست طمع و تصرف به سمت آنها دراز نمی‌کند. اما همینکه این حجاب را کنار گذارند مورد طمع دیگران واقع خواهد شد.^۱

۵.۷. آب و آتش

مولوی در تمثیلی زیبا می‌گوید: مَثَل مرد و زن، مَثَل آب است و آتش، مرد مثل آب و زن مثل آتش است. اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود آب بر آتش غلبه می‌کند و آن را خاموش می‌سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان آن دو برقرار گردد مثل اینکه آبی را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آن وقت است که آتش، آب را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد، اندک اندک او را گرم می‌کند و احياناً جوشش و غلیان در او به وجود می‌آورد، تا آنجا که سراسر وجود او را به بخار تبدیل می‌سازد. مرد برخلاف آنچه ابتدا تصور می‌رود در عمق روح خویش از ابتدال زن، از تسلیم و رایگانگی او متنفر است. مرد همیشه عزت، استغنا و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. از داستان لیلی و مجنون، خسرو و شیرین می‌توان فهمید که زن بر اثر دورنگه داشتن خود از دسترس مرد، تا چه اندازه مقام خود را بالا می‌برد. قطعاً اگر زن این حقیقت را درک کند، در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز، تأثیر فراوان دارد.

۸.۵. حفظ جواهر

گوهر عفاف و پاکدامنی، کم‌ارزش‌تر از طلا و پول و محصولات باغ و وسائل خانه نیست. دزدان ایمان و غارتگران شرف نیز فراوان‌اند که در کمین نشسته‌اند، روش خردمندان این است که هرچیزی قیمتی‌تر باشد، درصد مراقبت از آن بالاتر می‌رود و هرچه نفیس‌تر باشد، بیم ربودن آن بیشتر است، بنابراین، مواظبت از آن، لازم‌تر می‌باشد.

و این سخن استاد مطهری چه زیباست که حجاب مصونیت است نه محدودیت!^۱

۹.۵. شیشه و عطر

معروف است که اگر در شیشه عطر را باز بگذارند، عطرش می‌پرد و این سخن جالبی است، رایحه دل‌انگیز عطر را نباید حراج کرد و به تاراج داد، چرا که عصاره گل‌های عالم است و کمیاب و ارزشمند، پس باید قدرش را شناخت و از آن حفاظت کرد.

عفاف، همان رایحه دل‌انگیز عطر یاس را دارد. نجیب و دوست‌داشتنی و حیف است در مزبله‌ی نگاه‌های شیطنی ره‌اش نمود. اگر برای ایمنی از خطرها و آسودگی از مزاحمان، خود را بیوشانیم. کسی ایراد نمی‌گیرد و اگر هم ایراد بگیرد اعتنا نمی‌کنی چون سخنش را بی‌منطق و ناآگاهانه می‌دانی.^۲

۱. همان

۲. محدثی، جواد، «گلوژه‌های حجاب، عفاف»، فصلنامه کوثر، ص ۵۲.

بخش دوم:

ملاک‌های فقهی و حقوقی جرم‌انگاری بی‌حجابی در فقه و حقوق موضوعه

فصل ششم: مبانی و ملاک های فقهی جرم انگاری بی حجابی

مقدمه

از آنجا که جرم انگاری فرآیندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها، و ارزشهای اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می کند می توان گفت که جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است. به عبارت دیگر جرم انگاری مبتنی بر مبانی نظری مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی است و با توجه به نگرش ایدئولوژی حاکم بر سرنوشت او و مفاهیمی که در نظام های حقوقی و سیاسی آنها مورد قبول است رفتاری گزینش می شود و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر می گردد به عنوان مثال در نظام های حقوقی و سیاسی دینی، جرم انگاری متأثر از آموزه های مذهبی و وحی الهی است.^۱

بنابراین در این بخش برای اثبات جرم انگاری بی حجابی، باید به آموزه های قرآنی و روایی در زمینه هنجارها و ارزش های جامعه و ملاک های جرم انگاری یک عمل و رابطه مذهب و حقوق پردازیم و از آنجا که جرم انگاری امری مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است، بحث در این موارد ما را برای بررسی جرم بودن یک عمل یاری می نماید. بنابراین در این بخش به بحث و بررسی موارد مذکور می پردازیم.

^۱ آقابابایی، حسین، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، مجله فقه و حقوق؛ پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوم، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۵، ص ۱۱ و ۱۲.

۱.۶. دفع فساد و فحشا، ملاک جرم انگاری بی حجابی در قرآن

یکی از آیاتی که بر اساس آن می توان جرم بودن بی حجابی را اثبات نمود و برای آن مجازات در نظر گرفت آیه ۱۹ از سوره نور می باشد. خداوند در این آیه چنین می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
به یقین کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شایع شود برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است و خداوند می داند و شما نمی دانید.»

صاحب تفسیر اطیب البیان ذیل این آیه می فرماید: اشاعه فحشا، مطلق فحشا را شامل است؛ فحش، غیبت، بهتان، افترا، تهمت، قذف و امثال اینها، اما مراد از عذاب دردناک در دنیا (لهم عذاب الیم فی الدنیا) مضراتی است که بر این امور مترتب می شود و حدود و تعزیراتی که بر اینها بار می شود.^۱

همچنین آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه در ذیل همین آیه شریفه چنین می فرماید: خداوند متعال در این آیه سخن را از شکل یک حادثه شخصی (جریان تهمت به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)) به صورت یک قانون کلی و جامع تغییر داده و می گوید: «کسانی که دوست می دارند زشتیها و گناهان قبیح در میان افراد با ایمان اشاعه یابد عذاب دردناکی در دنیا و آخرت دارند» (إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)

قابل توجه اینکه نمی گوید کسانی که اشاعه فحشا دهند، بلکه می گوید «دوست دارند که چنین کاری را انجام دهند» و این نهایت تاکید در این زمینه است.

ضمناً باید توجه داشت که «اشاعه فحشاء» منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی اساس را در مورد زن و مرد با ایمانی نشر دهد و آنها را به عمل منافی عفت متهم سازد این یکی از مصادیق آن است، اما منحصر به آن نیست، این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتیها و قبائح و کمک به توسعه آن را شامل می شود.

البته کلمه «فاحشه» یا «فحشاء» در قرآن کریم غالباً در موارد انحرافات جنسی و آلودگیهای ناموسی بکار رفته ولی از نظر مفهوم لغوی چنانکه «راغب» در «مفردات» گوید: «فحش»، «فحشاء»، «فاحشه» به معنی هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد، و در قرآن کریم نیز گاهی در همین معنی وسیع استعمال

۱. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، تاریخ نشر ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۵۰۷.

شده مانند ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ﴾ کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت و قبیح اجتناب می کنند ...

به این ترتیب وسعت مفهوم آیه کاملاً روشن می شود.

اما اینکه می گوید: آنها عذاب دردناکی در دنیا دارند ممکن است اشاره به حدود و تعزیرات شرعیه و عکس العمل های اجتماعی و آثار شوم فردی آنها باشد که در همین دنیا دامنگیر این اعمال می شود، علاوه بر این محرومیت آنها از حق شهادت و محکوم بودنشان به فسق و رسوایی نیز از آثار دنیوی آن است. و اما عذاب دردناک آخرت، دوری از رحمت خدا و خشم و غضب الهی و آتش دوزخ می باشد. و در پایان آیه می فرماید: «و خدا می داند و شما نمی دانید» ﴿وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

او از عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشا در دنیا و آخرت به خوبی آگاه است، ولی شما از ابعاد مختلف این مسئله آگاه نیستید.

حال سوالی که نیاز به بررسی بیشتر دارد این است که:

اشاعه فحشا چیست؟

از آنجا که انسان یک موجودی اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می شود، پاکی جامعه به پاکی او کمک می کند و آلودگی آن به آلودگیش.

روی همین اصل در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند شدیداً مبارزه شده است. اگر می بینیم در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده یکی از فلسفه هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می سازد و حرمت جامعه را جریحه دار می کند.

اگر می بینیم دستور عیب پوشی داده شده یک دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند. اگر می بینیم گناه آشکار اهمیتش بیش از گناه مستور و پنهان است تا آنجا که در روایتی از امام رضا (ع) می

خوانیم:

«الْمَذِيحُ بِالسِّيئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَتِرُ بِالسِّيئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ»

آنکس که گناه را نشر دهد مخذول و مطرود است و آن کس که گناه را پنهان می دارد مشمول آمرزش الهی است.

و اگر می بینیم در آیات فوق موضوع اشاعه فحشاء با لحنی بسیار شدید و فوق العاده کوبنده محکوم شده نیز دلیلش همین است. اصولاً گناه همانند آتش است. هنگامیکه در نقطه ای از جامعه این آتش روشن شود باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش، یا حداقل محاصره گردد، اما اگر به آتش دامن زنییم و آن را از نقطه ای به نقطه دیگر ببریم، حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر به کنترل آن نخواهد بود.

از این گذشته عظمت گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگیها خود سد بزرگی در برابر فساد است، اشاعه فحشاء و نشر گناه و تجاهر به فسق این سد را می شکند، گناه را کوچک می کند و آلودگی به آن را ساده می نماید.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می خوانیم:

«من اذاع فاحشه کان کمبتدئها»

کسی که کار زشتی را نشر دهد همانند کسی است که آن را در آغاز کرده است.

ذکر این نکته نیز لازم است که «اشاعه فحشاء» اشکال مختلفی دارد:

- گاه به این می شود که دروغ و تهمت را دامن بزند و برای این و آن بازگو کند.
 - گاه به این است که مراکزی که موجب فساد و نشر فحشاء است به وجود آورد.
 - گاه به این است که وسائل معصیت در اختیار مردم بگذارند و یا آنها را به گناه تشویق کنند
- وبالآخره گاه به این حاصل می شود که پرده حیا را بدرند و مرتکب گناه در ملاء عام شوند، همه اینها

مصدق «اشاعه فحشاء» است چرا که مفهوم این کلمه، وسیع و گسترده می باشد (دقت کنید).^۱

با توجه به این آیه شریفه و تفسیری که از آن ارائه شد، زنانی که در جامعه با بی حجابی و بی عفتی ظاهر شده، شهوت جوانان را تحریک نموده و باعث ایجاد مشکلات عدیده روحی و جسمی در جوانان می شوند و آنان را به سوی گناه و بی بندوباری سوق می دهند، مصداق همین آیه شریفه می باشند و این عمل و رفتار غیر عقیفانه آنان نمونه بارز اشاعه فحشا در جامعه اسلامی است. از آن جا که مراد از عذاب الیم در دنیا برای کسانی که جو جامعه را آلوده کرده و دست به اشاعه فحشا می زنند، اشاره به حدود و تعزیرات شرعیه است. بنابراین طبق این آیه شریفه نظام اسلامی می تواند برای جلوگیری از رواج پدیده بی حجابی و در نتیجه اشاعه فحشا در جامعه بی حجابی را جرم تلقی کرده و از باب تعزیرات برای آن مجازات معین کند.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۰۴.

۲.۶. اجتماعی بودن حکم حجاب در قرآن و تناسب آن با جرم انگاری بی

حجابی

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم بر وجوب حجاب تصریح کرده است^۱ و از آنجا که فلسفه این حکم، جدای از تکریم گوهر وجود زن، آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع، جلب منفعت و دفع مفساد از جامعه است، الزام به این حکم نیز مشخص شده و امری منطقی محسوب می شود.

رعایت حجاب در جامعه اسلامی امری ضروری و لازم است، زیرا حجاب یک حکم اجتماعی است نه فردی، یعنی تشریح حکم حجاب صرفاً با ملاحظه ی فرد صورت نگرفته تا حجاب را حکمی فردی بدانیم بلکه خداوند متعال در تشریح این حکم تعامل فرد با دیگران را لحاظ نموده و در واقع حجاب اسلامی در تعامل با دیگران معنا پیدا می کند، مسئله محرمیت نیز با ملاحظه فرد دیگری معنا دار می شود. بدین جهت محرم بودن فرد با خودش به لحاظ فقهی معنایی ندارد.

بنابراین حجاب یک حکم اجتماعی است و از آنجا که حکومت اسلامی موظف است، روابط اجتماعی را بر مبنای آیین شرعی یا عرفی تنظیم نماید و حکم حجاب نیز برای تنظیم رابطه شرعی زنان مسلمان و مردان اجنبی تشریح شده است، بنابراین اگر زن مسلمانی نخواهد رابطه خود با مردان نامحرم را بر مبنای شریعت اسلامی تنظیم نماید حکومت اسلامی می تواند عمل او را جرم تلقی کرده و وی را در محیط عمومی ملزم به رعایت حجاب اسلامی نماید.^۲

۳.۶. قاعده فقهی «كُلُّ مَنْ خَالَفَ الشَّرْعَ فَعَلَيْهِ حَدٌّ وَ تَعْزِيرٌ»^۳

یکی از دلایل فقهی که برای اثبات جرم انگاری بی حجابی وجود دارد ادله وجوب تعزیرات است، که اینک از زوایای مختلف به این موضوع می پردازیم.

۱. رجوع کنید به ص ۳۶ همین نوشتار
۲. اقتباس از: مهدی زادگان، داود، «تأملی در چگونگی الزام پوشش» فصلنامه شورای فرهنگی/اجتماعی زنان، سال دهم شماره ۳۷ تاریخ نشر ۱۳۸۶، ص ۱۷۱.
۳. اقتباس از: انصاری قدرت الله، و دیگران، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۸۵، ص ۶۵-۱۱۰.

۱.۳.۶. مفهوم و معنای تعزیر و مسائل مربوط به آن

۱.۳.۶.۱. تعزیر در لغت

در کتب لغت برای واژه تعزیر بیش از دوازده معنا ذکر شده است که برخی از آنان را که مرتبط با بحث تعزیر می باشد بیان می کنیم.

ردّ و منع: با اجرای تعزیر، مجرم از انجام و تکرار جرم منع می گردد.

زدن کمتر از حد: هدف از این زدن آن است که تا بدین وسیله مجرم از بازگشت به سوی گناه باز بماند.

تأدیب: زدن کمتر از حد را که از مصادیق تأدیب به حساب می آید تعزیر نامیده اند.

سرزنش و ملامت: زیرا مجرم استحقاق ملامت و سرزنش را دارد.

اجبار به انجام عمل: با اجرای تعزیر، فرد را بر انجام اعمال لازم مجبور می سازند.

از بررسی معانی و استعمال های واژه تعزیر به دست می آید که معنای اصلی این واژه، ردّ و منع است و بسیاری از معانی دیگر از این معنا نشئت می گیرد به عنوان مثال در مفهوم سرزنش و ملامت، ردّ و منع وجود دارد، تا وقتی فرد را در اثر انجام عملی سرزنش می کنند در واقع او را از انجام دوباره آن عمل ناپسند باز می دارند.

۲.۳.۶.۱. تعزیر در اصطلاح فقهای شیعه

از نظر اکثر فقهای شیعه، تعزیر عقوبتی است که شارع اندازه ای برای آن تعیین نکرده است.

به عنوان مثال: محقق حلی می نویسد: «تمام گناهایی که مجازات های معین دارند حد نامیده می شوند و

گناهایی که چنین نیستند و مجازاتشان تعیین نشده، تعزیرند».

۳.۳.۶.۱. نظرت فقهای شیعه در وجوب تعزیر

از بررسی کتب فقهی به دست می آید که همه فقهای شیعی، وجوب تعزیر را اجمالاً قبول دارند، ولی بعضی از آنها در اجرای تعزیر شرایطی را لازم دانسته اند و بعضی دیگر مطلقاً قائل به وجوب نشده اند، لذا می توان نظریات آنان را به چند دسته تقسیم نمود:

الف) دسته ای که تعزیر را به طور مطلق واجب می دانند؛ مثلاً علامه حلی می گوید: در هر جرم و گناهی که

شارع مقدس برای مجازات آن حدی تعیین ننموده، تعزیر واجب است.

ب) فقهای که وجوب آن را مشروط می دانند به صورتی که راهی برای اصلاح مجرم غیر از تعزیر نباشد؛ مثلاً شیخ طوسی در این باره می گوید: «در این مسئله که اختیار اجرای تعزیر به امام واگذار شده است، در بین فقها اختلافی نیست. البته اگر امام بداند مجرم بدون تعزیر دست از گناه بر نمی دارد، ترك تعزیر برای او جایز نیست.»

ج) گروهی که معتقدند وجوب تعزیر در غیر موارد منصوص مشروط به این است که مجرم به نهی و توبیخ دست از انجام گناه بر نمی دارد؛ مثلاً فاضل هندی در این باره می نویسد: «وجوب تعزیر بر انجام گناه در صورتی است که مجرم با نهی، توبیخ و مانند آن دست از انجام گناه بردارد. اما در صورتی که بدون ضرب (شلاق) از ارتکاب گناه منصرف شود، زدن او جایز نیست مگر در مواردی که نصّ خاصّ در مورد آن وارد شده باشد؟»

د) دسته ای که وجوب تعزیر را منحصر به مواردی می دانند که در جرم معینی دلیل خاص بر آن وارد شده باشد. مثلاً آیت الله گلپایگانی در این باره می گوید: «در مواردی که از ناحیه شارع مقدس بالخصوص عقوبت یا تعزیری وارد نشده است، قول به وجوب تعزیر مشکل است.»

مفهوم عدم وجوب در موارد مذکور، پذیرش و اعتقاد به وجوب در موارد مخصوص است. علاوه بر این، وی در جایی دیگری به وجوب تعزیر در گناهان منصوص تصریح دارد مثلاً در صورتی که قذف با الفاظی انجام شود که تنها باعث آزار و اذیت مومن می شود و حد قذف ثابت نشود. بعد از نقل روایات می گوید: «این روایات با صراحت اعلام می دارد که اگر کسی مومنی را به صورتی دشنام و ناسزا بگوید که نتوان حدّ قذف را بر وی جاری ساخت، دست کم تعزیر او واجب است.»

۴. ۳. ۱. ۶. تناسب تعزیر با جنایت

شدت و ضعف در تعزیر متناسب با جرمی است که انجام شده است و مجرم به اندازه آن تعزیر می شود؛ مثلاً حکم بعضی از موارد سرقت به خاطر فقدان بعضی از شرایط تعزیر است. تعزیر کسی که مال بیشتری سرقت کرده یا مکرر سرقت نموده است شدیدتر است از کسی که چنین نیست.

۵. ۳. ۱. ۶. تابع مفسده بودن تعزیر

تعزیر تابع مفسده ای است که در ارتکاب جرم وجود دارد. لذا برای اجرای آن قابلیت انتساب معصیت و گناه به

کسی لازم نیست، بلکه در صورت وجود مفسده اجرا می گردد، اگر چه معصیت قابل انتساب به کسی نباشد مثلاً در مورد اطفال و دیوانگان جمعی از فقهای قائل به اجرای تعزیرند. این در حالی است که این افراد تکلیف ندارند تا بتوان انجام معصیت را به آنها نسبت داد. لکن به خاطر اصلاح و تأدیب آنها و جلوگیری از مفسده، تعزیر آنان جایز شمرده شده است.

۶. ۳. ۱. ۶. اثبات وجوب تعزیر به وسیله قرآن کریم

خداوند متعال در آیه ۱۹ از سوره نور چنین می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

به یقین کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم شایع شود برای آنان دردناک و آخرت عذاب دردناکی است. همانطور که در ص ۸۶ همین نوشتار گذشت مفسران عذاب دردناک در دنیا را برای کسانی که اشاعه فحشا می کنند اجرای حدود و تعزیرات دانسته، که دامنگیر آنها می شود.

با توجه به این آیه شریفه خداوند متعال برای دفع فساد از جامعه اسلامی و ایجاد نظم و رعایت حقوق دیگران، با قرار دادن حق تعزیر برای حاکم شرع، دست وی را برای مبارزه با فساد و رسیدن به این امر مهم باز گذاشته است.

۶. ۳. ۱. ۷. اثبات وجوب تعزیر به وسیله روایات

مهمترین دلیل فقها بر وجوب تعزیر، روایات است زیرا به دلیل تنوع در موارد، تفاوت در سیاق، امکان نتیجه گیری بهتر از آن وجود دارد. برخی از روایات در این زمینه بر وجوب تعزیر تمام افراد جامعه و لزوم اجرای حدود الهی بر همه مجرمان دلالت می کند و از آنها استفاده می شود که هر کس مرتکب معصیت شود حد یا تعزیر بر او واجب می شود. امام صادق (علیه السلام) از جدش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل می کند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَدًّا»

خداوند برای هر چیزی حدی قرار داده و بر هر کسی که از آن حد تجاوز نماید نیز حدی وضع کرده است. در روایت صحیح دیگری از حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: در کتاب علی (علیه السلام) آمده است که آن حضرت گاهی با تمام تازیانه، زمانی با نصف آن و گاهی با بعض آن اجرای حد می نمود. حتی زمانی که دختر

و پسر نابالغی را که قدرت تشخیص چندانی نداشتند. به خدمت ایشان می آوردند، حدی که از حدود الهی را تعطیل نمی نمود. به امام صادق (علیه السلام) عرض شد چگونه آنان را عقوبت می کرد؟ ایشان فرمودند: تازیانه را از وسط یا ثلث آن به دست می گرفت و به هر کدام به مقتضای سنی که داشتند تازیانه می زد و هرگز حدی از حدود الهی را تعطیل نمی نمود.

مقصود از کلمه حد در جمله اخیر قطعاً تعزیر است، زیرا پسر و دختری که به حد بلوغ نرسیده اند، حد مصطلح در مورد آنان اجرا نمی گردد، چرا که بلوغ از شرایط اجرای حد است.

۸. ۱. ۳. ۶. اثبات وجوب تعزیر به وسیله عقل

برای اثبات وجود تعزیر از دیدگاه عقل به دو مقدمه نیاز است. اول آنکه عقل حکم می کند به لزوم حفظ نظم و رعایت قانون، دوم آنکه حفظ نظم و رعایت حقوق دیگران بدون اجرای قوانین کیفری از جمله تعزیرات امکان ندارد. نتیجاً این دو مقدمه، وجوب تعزیرات است. به عبارت دیگر لزوم حفظ نظم و رعایت حقوق در هر جامعه ای از بدیهیات است و بدون رعایت این دو جامعه به سعادت و خوشبختی نمی رسد. دین مقدس اسلام نیز به این مسئله عنایت دارد و هدف از ارسال رسل را اقامه قسط و عدل در بین بشر می داند.

از سوی دیگر، انسان با توجه به غرایز حیوانی که در وجود او نهفته است، مایل به آزادی، بی بند و باری و از میان برداشتن تمام محدودیت هاست. اسلام با اینکه انسان را آزاد می داند، به وی اجازه نمی دهد از آزادی خود سوء استفاده کند و باعث بی نظمی و تجاوز به حقوق دیگران شود.

حال باید دید که حفظ نظم و رعایت قانون به چه عواملی وابسته است، بدیهی است برای رسیدن به هدف مطلوب در این باره، تنها بیان احکام و آداب و رسوم کافی نیست. جعل قانون و بیان احکام در گروهی از مردم موثر واقع می شود ولی قشر عظیمی از افراد جامعه را تنها به وسیله اجرای قوانین کیفری و عقوبت های شرعی می توان به حفظ نظم و رعایت قانون وادار ساخت. با توجه به اینکه اجرای حدود، قصاص و دیات تنها برای جلوگیری از بخش اندکی از جرائم افراد کافی است. پس به حکم عقل باید مجازات های تعزیری نیز لازم الاجرا باشند تا بتوان به حفظ نظم و رعایت قانون دست یافت.

با توجه به مطالبی که در مورد تعزیر بیان شد و براساس قاعده «کل من خالف الشرع فعلیه حد او تعزیر»

جرم انگاری بی‌حجابی به وسیله ادله تعزیرات به این صورت قابل اثبات است:

اولاً حجاب ضروریات دین اسلام است که در آیات مختلف قرآن و روایات متعددی از ائمه اطهار(علیهم السلام) و جوب آن بیان شده است بنابراین مخالفت با حکم حجاب مخالفت با شرع و گناهی آشکار می باشد. دوماً همانطور که در بیان علماء و نظرات ایشان در باب تعزیرات بیان شد، بی حجابی ترك واجبی است که به علت عدم تعیین مجازات حدی برای آن، فی الجمله قابل تعزیر است؛ بنابراین بی حجابی جرم یا گناه ایست که قابل مجازات می باشد.

۶.۴. ولایت حکومت و دولت در حسبه

از جمله فعالیت هایی که در شمار رسالت و اختیار دولت در حوزه عمومی قرار دارد و دولت می تواند و باید برای اجرای آن از طریق قانونمند اقدام کند همانا وظیفه مهم حسبه است.

برای حسبه و محتسب، تعریف های زیاد و گوناگونی بیان شده است که اکنون مجال پرداختن به آن ها نیست. حسبه در واقع همانا صورت نهادی و سازمان یافته حکومتی و دولتی امر به معروف و نهی از منکر است که در آن، دولت به طور مستقیم افراد و نهادهای معینی را به این گونه مسئولیت ها می گمارد. تاریخ اسلام گواه روشنی است که شخص پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله)، خلیفه اول و دوم و امام علی(علیه السلام) به عنوان مدیر و رهبر جامعه به امور حسبه پرداخته یا نهادهایی را برای این امر موظف کرده بودند.

بدون تردید، از جمله رفتارها و هنجارهایی که در دایره حسبه قرار می گیرد، این است که از هرگونه رفتار و هنجاری که به سلامت جنسی و جسمی، پاک دامنی عمومی و بهزیستی همگانی می انجامد، حمایت کند و زمینه های لازم را برای گسترش آن ها فراهم آورد. در مقابل، از رفتارهایی که به اخلاق و عفت عمومی آسیب می رسانند، جلوگیری کند. بی حجابی به ویژه از سوی بانوان هرگاه به مثابه هنجارها و رفتارهای آشکار اجتماعی درآید، به اخلاق و عفت عمومی آسیب می رساند و هنجارهای بازدارنده و منفی در نظم دینی به شمار می آیند. در مقابل، حجاب و پوشش متناسب به بهزیستی و پاک دامنی عمومی یاری می رساند و جزو هنجارهای سازنده قرار می گیرند. به این ترتیب، حجاب از دو ساحت در دایره حسبه قرار می گیرد که دولت و حکومت می تواند بایجاد ساز کار مناسب و قانونمند در این زمینه فعالیت کند

دولت برای گسترش پاک دامنی عمومی و هنجارهای سالم جنسیتی باید به اقدامات عملی (نهادسازی، ایجاد تسهیلات ازدواج، کار، فضای فرهنگی مناسب) بپردازد و بودجه ویژه ای برای این کار تخصیص بدهد، دولت مسئولیت و اختیار دارد تا از عمومی شدن چنین رفتارهایی بازداری کند؛ چون در برابر سلامت و عفت عمومی مسئول است.

اقداماتی که دولت در این زمینه انجام می دهد، نباید همیشه کیفی و مجازات بدنی باشد، بلکه بیش از همه باید اقدامات پیش گیرانه و پرورشی را در دستور کار خود قرار دهد.

هنجار بدحجابی و بی حجابی در یک نظم دینی، به سلامت اخلاقی و جنسیتی و عفت و پاک دامنی عمومی آسیب می رساند و به گسترش رفتارهای منفی کمک می کند. بنابراین، براساس آموزه های بیان شده در این روایت ها، دولت می تواند و باید اقدامات بازدارنده، پرورشی و زایشی را برای گسترش شرایط مطلوب حجاب و عفاف در جامعه به کار بندد.

ابن اخوه شافعی در «معالم القربه فی احکام الحسبه» مواردی از حسبه را بازگو می کند که به اخلاق و عفت عمومی و به تبع آن، حجاب مربوط است محتسب می تواند از بعضی مباحات جلوگیری کند؛ چنان که اگر مردی با همسر خویش پیش چشم مردم ملاحظه و گفت و شنودهای عاشقانه به عمل آورد، مورد اعتراض واقع می شود. البته محتسب وظیفه ندارد نافرمانی ها را جست و جو و کشف و بدین وسیله پرده دری نماید... نیز رسول خدا(ص) فرمود: «هر چشمی که کاری ناشایست و معصیتی را ببیند و به آن اعتراض نکرده و در تغییر و جلوگیری آن اقدامی نکند، در روز قیامت، خداوند آن را گریان خواهد ساخت ولو از دوستداران خداوند متعال باشد...» محتسب باید پس از بیرون آوردن میت از غسل خانه، به زنان دستور دهد که پشت سر مردان حرکت کنند و با هم مخلوط نشوند و باید آنان را از برهنه کردن سر و صورت در پشت جنازه بازدارد... و جایز نیست کسی از روی پشت بام ها و پشت پنجره ها به خانه های همسایگان نگاه کند و نیز مردان نباید در موارد غیر ضروری در راه هایی که محل رفت و آمد زنان است، بنشینند این متن و فرمایش حضرت رسول(ص) در آن به روشنی می رسانند که جامعه دینی باید برای توسعه و تولید پیش زمینه های هنجارهایی چون پاک دامنی، پاک زیستی، حجاب و حیای افراد و جامعه پیش گام شود و از رفتارهایی که به آلودگی های اخلاقی، جنسیتی و بی حجابی دامن می زنند، جلوگیری کند. چون این کارها معصیت اجتماعی هستند و پی آمدهای تخریبی فراوانی دارند، سکوت در مقابل آن ها جایز نیست. و هرگاه در حالت غم و اندوه برای میت و در میان مردمی که در پی جنازه می روند، برهنه کردن سر و صورت جایز نباشد، در حالت های طبیعی که زمینه های فساد و آلوده شدن چند برابر است، آن هم در سطح اجتماع، بی حجابی هرگز جایز نیست و نهادهای دولتی می توانند جلو این کار را

بگیرند. نکته مهم دیگر در این متن آن است که پرده دری و گسترش بدحجابی یا بی حجابی و ناپاکی از سوی مردان نیز ممنوع است و دولت در این زمینه باید اقدامات پیش گیرانه را به کار بندد.^۱

۵. ۶. ادله امر به معروف ونهی از منکر و ولایت ومسئولیت دولت نسبت به آن

خداوند متعال درباره وجوب امر به معروف و نهی از منکر در قرآن می فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾

باید برخی از شما مسلمانان، آدمیان را به خیر و خوبی ها فراخوانند و از زشتی و بدکاری بازدارند. همین گروه که هدایت گر جامعه هستند، درکمال رستگاری و پیروزی خواهند بود.

از این آیه می توان موارد زیر را برداشت کرد:

الف) چنان که مفسران و زبان شناسان نیز گفته اند، «مِنْ» در آیه تبعیضیه است. بنابر این، مجموعه خاصی از جامعه مأمور به انجام این رسالت سنگین و حیاتی هستند. آن مجموعه نیز باید ویژگی هایی داشته باشد که دستور متوجه آن ها شده است وگرنه سخن و دستور، بیهوده خواهد بود. با توجه به اهمیت و سنگینی این وظیفه و نیز پی آمدهای اجتماعی آن، باید این دسته خاص از برخی توانایی هایی مثل دانایی، شجاعت، امکانات مشروعیت قانونی و مانند آن برخوردار باشند و خرد انسانی، ما را به این واقعیت رهنمون می سازد. در میان مجموعه ها و نهادهایی که از مجموعه توانایی های نام برده، بیش تر و بهتر از دیگران برخوردارند و برای عملیاتی کردن آن، پشتوانه ی اجرایی و قانونی نیز دارند، باید از نهاد دولت نام ببریم. بنابراین دولت وظیفه دارد جلوگیری از فحشا را که یکی از مصادیق آن بی حجابی است به صورت قانونی دنبال کند. البته این سخن به معنای نفی مسئولیت دیگر نهادهای بهره مند از این گونه توانایی ها نیست.

ب) مفاهیمی مانند «خیر»، «معروف» و «منکر» از نظر مصداق، بسیار سیال و متنوع است و به همین دلیل، آن ها را در یک هنجار و رفتار ویژه نمی توان خلاصه کرد. وحی و خرد انسانی نیز در تولید و تشخیص مصداق های آن مفاهیم فعال است. بنابراین، پوشش و حجاب، پاک دامنی و عفت عمومی، به ویژه در نظم دینی از هنجارها و

^۱ . همایون مصباح، سید حسین، «مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت دولت در زمینه فراهم آوردن شرایط مطلوب حجاب و پاکدامنی در جامعه»، پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۸۶، ش ۱۸۴ و ۱۸۵ ص ۶۶

رفتارهایی هستند که به روشنی معروف و خیر را بازتاب می دهند. در مقابل بی حجابی، بدعفتی و ناپاکی در جامعه دینی، بازتاب منکرند.

ج) با توجه به بند یک و دو و نیز دستوری که در آیه شریفه آمده است، به این نتیجه می رسیم که دولت و حکومت در فرایند فرهنگ سازی و توسعه و تولید پیش زمینه های مناسب پاک زیستن و پوشش داشتن افراد به ویژه خانم ها، مسئولیت و اختیارات قانونی و شرعی دارد. بنابراین یکی از ملاکهای جرم انگاری بی حجابی توجه به ادله امر به معروف ونهی از منکر و ولایت و مسولیت دولت نسبت به این امر مهم است که مقتضای این مسئولیت مبارزه با بی حجابی و در صورت لزوم مجازات بانوان بی حجاب است که امنیت اخلاقی خانواده و جامعه را با چالش جدی مواجه می کنند.^۱

با فرض پذیرش وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر برای حکومت اسلامی، شکی نیست که حکم شرعی حجاب در جامعه نیز در محدوده این وظیفه قرار می گیرد، چرا که پای بندی به آن یک معروف شرعی مسلم و ترک آن «منکر» است. و محدوده این وظیفه نیز در عرصه عمومی شامل تمام مواردی است که این حکم در اصل وجود دارد و یا مایه فساد و یا بی اعتنائی دیگران باشد، از این رو، بر اساس همین وظیفه، حکومت اسلامی می تواند و باید مسلمانان وحتی غیر مسلمانان را نیز در حدی که لازم و مصلحت باشد به رعایت حجاب وا دارد.^۲

۶.۶. سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در توجه به حجاب

و مقابله با بی حجابی

یکی از دستورات خداوند، پیروی از سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و بعد از آن تبعیت از دستورات و روش زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشد. خداوند متعال در قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

۱. همان ص ۶۶

۲. مرتضوی، سید ضیاء، «درآمدی بر مبانی کلی فقهی حجاب مسئولیت دولت اسلامی» مجله پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۸۶، شماره

۱۸۴ و ۱۸۵، ص ۱۴

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾

به یقین برای شما در زندگی، پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود.

امام علی (علیه السلام) سیره و روش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را بهترین سیره و روش زندگی دانسته و می فرماید:

«فَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَاسْتُنُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَشْرَفُ السُّنَنِ»^۲

از راهنمودهای پیامبرتان پیروی کنید که بهترین رهنمودهاست و به روش او رفتار نمایید که شرافتمندترین روشهاست.

پس اگر سیره و روش پیامبر (صلی الله علیه وآله) بهترین سیره و روش است و ما ملزم به اقتدا به ایشان هستیم و اقتدا به سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بهترین عمل است باید در اعمال پوشش اسلامی نسبت به دختران و زنان خود به او اقتدا کنیم. همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) و سایر زنان مسلمان به دستور اکید قرآن و پیامبر (صلی الله علیه وآله) در سوره احزاب آیات ۳۱، ۳۲، ۳۴ مأمور به مراعات پوشش اسلامی شدند و قرآن در آیات مذکور خطاب به آنها فرمود: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» حق خودنمایی ندارید، زینت و زیور آلات خود را ظاهر نسازید^۳ پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) شرط بیعت خود را با زنان رعایت عفاف و حجاب در برابر نامحرمین قرار دادند که این نشان دهنده اهمیت دادن پیامبر (صلی الله علیه وآله) به این موضوع است.

ائمه معصومین (علیهم السلام) رعایت حجاب و عفاف در جامعه را یکی از آرمان های مهم اسلامی می دانستند و همواره نسبت به این قانون الهی از دغدغه زیادی برخوردار بودند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) حضرت علی (علیه السلام) اهل عراق را که زنانشان به رعایت حجاب و عفاف در جامعه توجه نمی کردند مورد سرزنش و بازخواست قرار می دهد و می فرماید:

«يَا اَهْلَ الْعِرَاقِ نَبِّئْتُ اَنْ نِسَاءَكُمْ يَدَافِعُنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ اَمَّا تَسْتَحْيُونَ» یا اهل عراق باخبر شده ام که

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲. حرآنی، ابومحمد، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی، تاریخ نشر ۱۳۸۸، ص ۲۴۷.

۳. رحمانی سبزواری، علی، «الزامات فقهی حاکمیت و مردم در اعمال حجاب اسلامی»، پژوهش های فقهی ش ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹.

زنانتان در راه به مردان پهلو می زنند آیا شرم نمی کنید.^۱

ب) حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز برای حجاب و عفاف اهمیت زیادی قائل بودند و سیره ایشان هم مانند پدر بزرگوارشان نفی اختلاط بین زنان و مردان نامحرم بود، همانطور که ایشان خطابه سیاسیشان را پشت پرده و با حجاب کامل انجام دادند.

ج) حجاب و عفاف پیام عاشورای امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت و یاران باوفایش بود؛ امام حسین (علیه السلام) در آخرین لحظات عمر شریفش از دشمن خواست به خیام او حمله نکنند تا اهل بیتش از هتک حرمت در امان بمانند، در جریان اسارت اهل بیت امام حسین (علیه السلام) آنان همواره نگران رعایت حجاب خود بودند و وقتی قافله اسیران را نزد یزید آوردند، زینب (سلام الله علیها) لب به اعتراض گشود و فرمودند: ای پسر آزاد شده! آیا عدالت این است که زنان و کنیزان را در پشت پرده و ما را در بین نامحرمان جا داده ای؟ و حضرت سکینه ناراحتی خود را با گریه اعلام می کند و وقتی یزید از او می پرسد چرا گریه می کنی؟ می گوید: چگونه گریه نکند کسی که روپوش ندارد صورتش را از تو و نامحرمانی که در مجلس تو حاضرند بیوشاند.^۲

د) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) توجه خویش را نسبت به امر حجاب با دعایی این چنین عرضه می دارند: «خدایا به زنان ما عفت و حیا ارزانی دار، توجه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به حجاب و عفاف نشان دهنده این است که یکی از آرمانهای حکومت حقّه ایشان، ترویج حجاب و عفاف در جامعه و از بین بردن بی بند و باری است.

با توجه به مطالب گفته شده، شکی نیست که ترویج حجاب و توجه به آن در جامعه اسلامی، سنت و روش پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است، اما اشکالی که مطرح می کنند این است که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و حضرت علی (علیه السلام) در حکومتشان کسی را در جامعه الزام و اجبار به رعایت حجاب نمی کردند. این اشکال را به دو صورت می توان بررسی کرد.

الف) در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و حضرت علی (علیه السلام) حجاب در بین مسلمانان رعایت می شد و نیازی به الزام و اجبار وجود نداشت.

ب) بر فرض که قبول کنیم که بی حجابی در آن زمان بوده و الزام و اجباری توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله) و علی (علیه السلام) صورت نگرفته، به این دلیل بوده که در زمان ایشان بی حجابی به صورت معضل بزرگ نبوده و استعمار از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود استفاده نکرده است. اما در زمان کنونی،

۱. بروجرودی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامعه الاحادیث الشیعه)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۷۹.

۲. فتاحی زاده، فتیحه، حجاب از دیدگاه عقل و نقل، ص ۴۳.

به علت عواقب شومی که بی‌حجابی در جامعه اسلامی دارد الزام به حجاب امری معقول و با ملاک‌های فقهی و حقوقی سازگار است.

لازم است برای روشن شدن مطلب و دسیسه‌های شوم استعمار در زمینه رواج بی‌حجابی مطالبی را بیان کنیم.

استعمار و استثمارگران اولین قدمی که برای تسلط بر کشورهای اسلامی مستقل بر می‌دارند. استفاده از هجوم فرهنگی برای نابودی فرهنگ آنهاست، زیرا تنها چیزی که ملل مسلمان را از استثمارگران غربی ممتاز می‌کند فرهنگ است. فرهنگ مرز تمایز یک ملت با دشمن است. فرهنگ است که به یک ملت، هویت و شخصیت مستقل می‌دهد. لذا دشمن سعی می‌کند فرهنگ و در نتیجه مایه استقلال یک ملت را نابود کند تا احساس حیثیت ملی و هویت ذاتی مستقل او از بین برود. اگر ملت استثمار شده‌ای مانند استثمارگران لباس بپوشند، حرف بزنند، غذا بخورد، رفت و آمد کند، معاشرت نماید. مو و سر و صورت خود را درست کند، مانند بیگانه قیافه بگیرد و با ژست بیگانه احساس شخصیت کند، چنین ملتی دیگر برای دشمن خطری نخواهد داشت، زیرا دیگر فرهنگی برای او باقی نمانده است تا با آن احساس استقلال کند، بلکه در واقع او از خود بیگانه‌ای است که هویت خود را از دست داده است و دیگر بیگانه را نه تنها غریبه نمی‌داند، بلکه او را الگو و مقتدای خود می‌شناسد و از همین رو هرگز به فکر جدایی و ستیزه‌جویی با وی بر نمی‌آید. در حدیثی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است.

«لا تزال هذه الأمة بخير ما لم يلبسوا لباس العجم و لم يعطعموا اطعمه العجم فاذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل^۱»

این امت تا زمانی که لباس بیگانگان را نپوشد و غذاهای آنان را نخورد همیشه به خیر و نیکی خواهد بود و آن زمان که لباس و غذای بیگانگان را مصرف نماید خداوند آن را خوار و ذیل خواهد کرد.

از آنجایی که نحوه پوشاک و نوع لباس مردم یک جامعه یکی از مرزهای فرهنگی آن با جوامع دیگر است، استثمارگران و استعمارگران در نخستین اقدام، مرزهای فرهنگ بومی یک جامعه را بر می

۱. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، انتشارات موسسه آل‌البیت، تاریخ نشر ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۷.

دارند و چون کیفیت لباس و پوشش، بارزترین و اولین مرز فرهنگ بومی یک ملت است استعمارگران تلاش می کنند آن را به نفع فرهنگ استعماری خود تغییر دهند.^۱

در هر جامعه ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر آنکه تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است قویاً تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه و حتی مبین و آینه آن جهان بینی است.

مثلاً وقتی از لحاظ تاریخ، نقش ها و تصاویری که از زمان های قدیم ایران به جا مانده، نگاه می کنیم، وجه مشترک همه لباس ها، بلند بودن، پوشیده بودن، گشاد و غیر چسباندن بودن آنهاست که عموماً با سربند، کلاه و دستار همراه است.

حال اگر به کشورهای اروپایی، امریکایی و به شهرهای غرب زده ی جهان نظر افکنیم، خواهیم دید که وجه اشتراک لباس های آنها، تنگ، چسبان و کوتاه بودن است.

این اختلاف در نوع پوشش، ناشی از انواع جهان بینی و فرهنگ های مختلفی است که جوامع بشری بر آن پاینده بوده و هستند. در فرهنگ غربی که اعتقاد به خدا، معاد و سایر مظاهر دینی ندارند و انسان پوک و پوچ و از معنویت خالی است و هر چه هست، تن و جسم است و لباس، پیداست که لباس وسیله ای است برای آرایش تن و جسم، نه وسیله ای برای پوشش.

در چنین فرهنگی، شخصیت زن به نمایش جسم است. لباس او باید تنگ باشد تا همچون لعاب نازکی روی جسم او کشیده شود و خصوصیات جسمانی او را محو نسازد و باید کوتاه باشد تا همه ی تن او را نپوشاند. اما در فرهنگ اسلامی که معنویت و کمال مطلوب، غایت و نهایت زندگی انسان است و معنویت، کمالی است که با مراقبت و تلاش و با دقت در به کارگیری و بهره وری به اندازه از همه مواهب جسمی و روحی برای انسان حاصل می شود، در چنین بینشی او خود را شریف تر از آن می داند که به جسمش شناخته شود و وظیفه خود را خطرتر از آن می بیند که تنها به بدن نمایی و آرایش جسم بپردازد. در چنین فرهنگی، انسان لباس می پوشد تا خود را بپوشد و نه تن را عرضه کند.

^۱ مهدی زاده، حسین، *پرسمان حجاب* (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، قم، انتشارات صهبای یقین، تاریخ نشر ۱۳۸۶،

لباس برای او یک حریم است، به منزله ی دیوار دژی که تن را از دستبرد محفوظ می دارد. لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند نه آنکه بر قدرت تحریک بیفزاید.

پس مسئله، مسئله دو فرهنگ و دو جهان بینی است که در لباس آنها جلوه گر می شود و تا انسان، فرهنگ یک قوم را نپذیرد و با فرهنگ خود وداع نکند لباس آنها را به تن نمی کند. درست به همین دلیل است که در احادیث ما آمده است «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» هر که خود را به گروهی شبیه سازد از آن گروه است. لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سر در خانه ی وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ تبعیت می کند. همچنانکه هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند، هر انسان نیز، مادام که به یک سلسله ارزشها و بینشها، معتقد و دل بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش ها و بینشها را از تن بدر نخواهد کرد. به همین دلیل غرب و استعمار برای اینکه بتواند فرهنگ خودش را که همان رواج برهنگی و بی حجابی بود در ایران اجرا و لباس غربی را ترویج دهد و در مقابل، با فرهنگ و پوشش اسلامی مبارزه کند محتاج دو شرط بود؛ نخست یک زمینه فرهنگی و اجتماعی برای پذیرش لباس غربی و دوم یک عامل اجرا که زور داشته باشد و به اسلام اعتقاد نداشته باشد. عامل دوم رضاخان، مأمور و سرسپرده ی دولت استعمارگر انگلیس بود که وظیفه داشت «ایران را هر چه زودتر از خصیص ذلت به اوج عزت برساند و از گمراهی به شاهراه ترقی هدایت نماید!» و در پی اجرای همین مأموریت موظف بود به زور لباس مردان را متحدالشکل کند و بر سر همه ی آنها کلاه پهلوی بگذارد و چادر را نیز از سر زنان بردارد.

اما در شرط اول، یعنی زمینه ی فرهنگی و اجتماعی پذیرش لباس غربی را، غربزده ها تامین کردند. آنان اسلام را نمی شناختند و به غرب خوشبینی مطلق داشتند. بیگانه با خویش و چشم بسته، دل بسته ی بیگانه بودند. در واقع این قشر معدود، همان قشری بودند که قبل از فرو رفتن در لباس غربی و قبل از به دست گرفتن پرچم فرهنگ غرب، آن فرهنگ را پذیرفته بودند و تغییر لباس، آخرین و بیرونی ترین پوسته ای بود که وجود آنها تغییر می کرد. این امر به ظاهر کم اهمیت، تنها در جامعه ی ما اتفاق نیفتاد، در همه شرق زمین، بسیاری از مردم به دنبال تسلیم در برابر فرهنگ غرب، جامعه ی غربی به تن کردند.

در جامعه ی ما در سالهای قبل و بعد از ۱۳۱۴، آنها که تغییر لباس را پذیرفتند همان کسانی بودند که فرهنگ غربی را پذیرفته بودند و آنها که نپذیرفتند نیز دقیقاً آنهایی بودند که آن فرهنگ را نپذیرفته بودند و گول آن به اصطلاح «ترقی» و «آزادی» و «تساوی حقوق» را نخورده بودند و همانها بودند که در برابر آن همه زور و قلدری مقاومت کردند. مسئله، به ظاهر خیلی ساده بود، رضاخان می خواست زنان را از کیسه چادر بدر آورد و آنان را وارد دنیای پرنور و مترقی جدید کند، ولی اکثریت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد، تا سر حد جان مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن بیوشند، اما لباس غربی نپوشند. راستی که دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضیه کشف حجاب رضاخانی، یک حماسه ی غرورانگیز در تاریخ ملت ماست. ماجرای دردناک مسجد گوهرشاد مشهد و آن جمع کثیری که در مخالفت با بی حجابی رضاخانی با دست خالی در برابر اسحه ایستادند و کشته شدند، سند افتخار ملتی است که تا پای جان می کوشند از معنویت و فرهنگ الهی خود دفاع کند.

رضا خان و مزدوران او با تمام قوا کوشیدند چادر را از سر زنان برداند، پاسبانهای آن زمانی موظف بودند هر کجا زنی را با چادر دیدند او را دنبال کنند و چادر و روسری از سر او بکشند و پاره کنند. دوستی تعریفی می کرد، که در شهر کوچکشان کاشمر، رئیس شهربانی وقت (همان که مدرس را شهید کرده بود) روی تپه؟ در حاشیه ی شهر می ایستاد و با دوربین نگاه می کرد و تا از دور زنی را با چادر در حرکت می دید به پاسبانها دستور می داد با اسب بتازند و او را بگیرند و چادرش را پاره کنند. چه بسیار زنانی که ماموران چادرشان را برداشتند و آنها از شدت غصه و ناراحتی دق کردند و مردمند. چه بسیار زنانی که از هول و اضطراب سقط جنین کردند و چه بسیار مادران و مادر بزرگ های ما که در همه سالهای وحشت و دیکتاتوری از خانه بیرون نیامدند و اگر توانستند، در خانه حمام ساختند تا حتی برای این گونه موارد ضروری نیز ناچار به بیرون رفتن از خانه نباشند.^۱

امروز هم هرکس با فرهنگ حجاب اسلامی مخالفت کند در واقع در جبهه استعمار خدمت می کند و فرهنگ اسلامی را به فرهنگ منحط غربی فروخته و به خون شهدا خیانت کرده است. در

۱. اقتباس از: حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات صدا و سیما، تاریخ نشر ۱۳۵۹، ص ۴۸-۷

مقابل، کسی که از فرهنگ حجاب و عفاف دفاع کند و زمینه اجرای آن را در کشور فراهم کند به شهدا، آرمان های شهدا، امام و اسلام لبیک گفته است.

چرا که اگر ما فرهنگ حجاب و عفاف را در جامعه رواج دهیم استعمار را از سلطه بر خود و کشورمان محروم کرده ایم، "فرانتس فانون" جامعه شناس بزرگ فرانسوی در جمله ای زیبا در این زمینه می گوید:

زنی که بیرون را می بیند و خود دیده نمی شود، خود به خود محرومیتی را بر استعمار تحمیل می کند. همین فرد در کلام دیگری درباره نقش بی حجابی در تشدید حمله ی استعمارگر فرانسه به کشور الجزایر گفته است:

هر چادری که دور انداخته می شود افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود در برابر او می گشاید، پس از دیدن هر چهره ی بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن اشغال گرده برابر می گردد.^۱

قبل از این هم یکی از ابزارهای مهم استعمارگران برای سلطه بر ممالک اسلامی همین گسترش فساد و بی حجابی و بی عفتی بوده است به عنوان مثال به دو نمونه اشاره می کنیم.

در آندلس هشتصد سال مسلمانان حکومت داشتند در سال ۹۲ هجری آندلس یعنی اسپانیای امروزی فتح شد و در سال ۸۹۸ سقوط کرد یعنی ۸۰۶ سال مسلمانان در اسپانیای فعلی حکومت داشتند، صدها خلیفه آمدند و رفتند، بنی امیه و بنی عباس گرچه خودشان بی کفایت و اهل فساد بودند اما به هر حال هشتصد سال، یعنی هشت قرن حکومتشان دوام آورد مسیحی ها چه کار کردند که این جامعه را از اسلام به مسیحیت برگرداندند؟ و مسلمانان را مجبور کردند که مسیحی شوند!

آنان در واقع با گسترش فساد و فحشاء و بی عفتی، رها کردن زنان و دختران زیبای مسیحی در پارک ها ، گسترش کاباره ها، مراکز شراب، کلوپ های شبانه هویت جوان مسلمان را گرفتند و به راحتی بر او حاکم شدند.

۱. مهدی زاده حسین، *پرسمان حجاب* (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، قم، انتشارات صهبای یقین، تاریخ نشر ۱۳۸۶
ص ۱۴۰

لشکر عظیم حضرت موسی(علیه السلام) نیز به همین وسیله شکست خورد و پشت دروازه های انطاکیه ماندند.

در روایت آمده است که بلعم باورا دستور داد که برای نابودی لشکر حضرت موسی (علیه السلام) زنان و دختران را آرایش کنید و بین لشکر موسی بفرستید. آن ها جذب شده و مرتکب فحشاء می شوند. بعد از این حيله، طاعون در لشکر موسی افتاد و ۲۰ هزار نفر از لشکرش از بین رفتند و سرانجام شکست خوردند.^۱

با توجه به این مطلب که ذکر کردیم متوجه می شویم که چرا دستگاههای استعمار علاقمند به بی حجاب کردن زنان بوده و در این راه سرمایه گذاری فراوان می کنند، امروز با توجه به رواج بی حجابی و بی عفتی اگر از راه قانونی و تلاش دستنندگان امور فرهنگی کشور با این معطل اجتماعی بزرگ برخوردی شایسته نشود؛ راه تسلط استعمار را بر خود همواره کرده ایم، زیرا وقتی قوای جنسی و شهوانی با مظاهر بی حیایی و بی عفتی بیدار شد، تمام فعالیت ها و تصمیمات تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت، در چنین حالتی حاکمیت خدا و دین و ایمان در جامعه نابود شده و در نتیجه قانون و نظم پایمال می شود، در چنین جامعه ای طبقه ی جوان که اکثر قوای فعال کشور را تشکیل می دهد و سرمایه های عظیم یک مملکت محسوب می شوند و باید در مقابل تهاجم اجنبی و غارتگران از ثروت های ملی دفاع نموده و در نگهداری و پیشرفت علم و صنعت و... بکوشند و در امورات سیاسی کشور از خود حساسیت نشان دهند به خاطر فرورفتن در امورات شهوانی و جنسی در نهایت ضعف قرار دارند و استعمار به هر شکل که بخواهد حاکمیت خود را پیاده خواهد کرد.

بنابراین با توجه به جایگاه حساس و مهم حجاب در جوامع اسلامی و مخصوصاً کشور اسلامی ما که حجاب، نماد اسلام و مسلمانان محسوب می شود الزام به حجاب اسلامی فی الجمله امری لازم است حتی اگر در حکومت حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و حضرت علی (علیه السلام) این الزام صورت نگرفته باشد.

۲. حسینی نیشابوری، سید علی اکبر، *سخنرانی های استاد رفیعی (ویژه خانواده ها)*، قم، انتشارات صالحان، تاریخ نشر ۱۳۹۰ ص ۳۳.

فصل هفتم: مبانی و ملاک های حقوقی جرم انگاری بی حجابی

۱.۷. ضرورت وجود قانون و مسائل مربوط به آن در جامعه

۱.۷.۱. نیاز بشر به قانون و قواعد حقوقی

خلقت انسان به نحوی است که ناگزیر از زندگی در اجتماع است. انسان طبعاً و فطرتاً جامعه گرا و مدنی بالطبع است و به گفته برخی، انسان، از انس مشتق است و ناگزیر از زندگی اجتماعی یا موانست و دوستی و هم گرایی است.

برای اداره این زندگی اجتماعی، قواعد و قوانین طبیعی، غریزی و فطری فراوان و کافی وجود ندارد و از سوی دیگر نیازمندیهای گوناگون انسان و کمبود منابع بالفعل و در دسترس و مهم‌تر از آن، آزمندی آدمی و طبع سیری ناپذیری اش، موجب پیدایش اختلافها و درگیری‌ها در زندگی اجتماعی او می‌شود، تجربه تاریخی گذشته و وضعیت کنونی بشر نیز نشان داده است که عقل و وجدان اخلاقی برای پیشگیری یا حل این اختلافها کافی نیست. بنابر این قوانین و نظام حقوقی لازم است که روابط انسان‌ها را در زندگی اجتماعی به گونه‌ای تنظیم کند که اولاً اختلافی پدید نیاید و ثانیاً در صورت بروز اختلاف به بهترین شکل به حل آن بپردازد.^۱

۱. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، ناشر شرکت سهامی انتشار ص ۵.

۲. ۱. ۷. خصوصیات قانون کامل

از آنجا که بشر موجودی فنا ناپذیری است و جهان آخرت را نیز در پیش دارد، قوانینی که برای وی تنظیم می شود باید سعادت دنیا و آخرت وی را تأمین کند. بنابراین بشر محتاج به برنامه کامل و احکام و قوانین جامعی است که از یک طرف زندگی دنیوی وی را منظم سازد و از تعدیات و زورگویی های افراد جلوگیری کند و حقوق و آزادی و آسایش او را تضمین نماید، از طرف دیگر راه تکامل انسانیت و صراط مستقیم دیانت و رجوع الی الله را، در دسترسش قرار دهد و کمالات و فضایل نفسانی را به او تعلیم دهد و اخلاق زشت و عوامل انحراف را معرفی نماید.^۱

۳. ۱. ۷. خصوصیات بهترین قانون گذار

بهترین قانون گذار باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- هم انسان را بشناسد و هم جامعه او را نیز بشناسد؛
 - ۲- نیازهای ظاهری و باطنی انسان و جامعه را بداند؛
 - ۳- مصالح و مفاسد فرد و اجتماع را بداند؛
 - ۴- نسبت به همه دلسوز و مهربان باشد؛
 - ۵- توجه به سعادت و خوشبختی همه انسان ها بدون چشم داشت به منافع شخصی خود، داشته باشد.
 - ۶- از تمام راهها و اصولی که می تواند سعادت واقعی و کمال نهایی انسان را تأمین کند آگاه باشد.
 - ۷- همه حوادث حال و آینده انسان ها را بتواند پیش بینی کند.
- تازه با همه اینها قانونگذار باید کسی باشد که تحت تأثیر مال، مقام، شهوات و ترس و تهدید، تمایلات گروهی و... نباشد. علی(علیه السلام) فرمودند: سه چیز است که عقلهای مردم با آن امتحان می شود. مال و ثروت، حکومت و ولایت و مصائب...!

این همه ویژگی را جز در خدا نمی توان یافت. اوست که همه چیز را می داند؛

۱. امینی، ابراهیم، همه باید بدانند، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۶۱، ص ۵۴.

«إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

اوست که انسان شناس کامل است.

«الَّذِي يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»

اوست که مصالح و مفاسد بشری را دانسته و دلسوز همه است و به هیچ کس و به هیچ چیز نیاز ندارد و بدون چشم داشت منافع شخصی به همه کمک می کند، بی نیازی او و نیاز همه به خدا در این آیه مجسم است.

«إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: شما مردم چون بیمارید و پروردگار چون طیب است، مصالح بیمار،

در تشخیص و معالجه طیب است نه دست های بیمار.

«عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى وَرَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ فَصَلِّحِ الْمَرْضَى فَيَمَا يَعْلَمُهُ الطَّيِّبُ وَ يَدَاوِي لَا فَيَمَا يَشْتَهِيهِ

الْمَرِيضُ.»

بنابر این بهترین و کامل ترین قانون گذار خدا است و بهترین و کامل ترین و جامع ترین قانون نیز قانون

خدایی است و فقط باید به آن گردن نهاد و تخلف از آن کفر و فساد است.^۱

ژان ژاک روسو می گوید: «برای کشف بهترین قوانین که به درد ملل بخورد یک عقل کل لازم است که تمام

شهوات انسانی را ببیند ولی خود هیچ حس نکند. با طبیعت رابطه ای نداشته باشد ولی کاملاً آن را بشناسد،

سعادت او مربوط به ما نباشد ولی حاضر باشد به سعادت ما کمک کند....»

میلیر پروز می گوید: در "پرینستون" از "اینشتاین" شنیدم که می گفت: «علم، ما را به آن چه هست آگاه

می سازد، و آن تنها دین (وحی) است که آنچه باید باشد به ما می آموزد.^۲

باتوجه به مطالب و دلائلی که در مورد ضرورت وجود قانون و الهی بودن آن بیان کردیم، ضرورت رابطه

حقوق و دین الهی روشن شد، به عبارت دیگر در پی ریزی نظام حقوقی جامعه اسلامی آنچیزی که باید موكداً

مورد توجه واقع شود دستورات و احکام دین مبین اسلام میباشد که به بررسی آن در نظام حقوقی جمهوری

اسلامی ایران می پردازیم.

۴.۱.۷. حقوق کنونی ایران و ارتباط آن با دین و مذهب

در قانون اساسی، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب اثناعشری است و در نتیجه، رؤسای کشور باید معتقد به دین

۱. ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ...﴾ و مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ... ﴿﴾ سوره مائده، آیه ۴۴

۲. حسنی، علی اکبر، حقوق و قضا از دیدگاه حضرت علی (ع)، مکتب الاسلام، سال ۳۱ ش ۱۰ ص ۱۰۳

و مذهب رسمی و متعهد به پاسداری و ترویج آن باشند، بلکه از آنجا که این دین و مذهب دارای شریعت و فقهی غنی، گسترده و مشتمل بر نظام حقوقی پویاست، جهت گیری کلی این نظام، اجرا کردن این شریعت است و به همین دلیل، نخستین و مهم ترین شرط رهبری نظام، برخورداری او از عنصر اجتهاد، فقاہت و صلاحیت های علمی لازم برای فتوا دهی در ابواب مختلف فقه است تا بتواند نظام را در ایفای این مسئولیت رهبری کند.^۱ در حکومت های مذهبی، خواه محدود به دولت و سرزمین خاص یا شامل همه معتقدان خود (امت) در جهان باشد، قانونگذار یگانه و واقعی خداوند است. انسان مکلف است که برطبق قانون الهی رفتار کند و جامعه را نیز چنان بیاراید که مورد پسند و رضای خالق باشد. بدیهی است در چنین نظامی هیچ ارزشی برتر از اطاعت از قانون نیست و اعتبار همه ارزش های دیگر، از جمله آزادی و برابری و «عدالت» محدود به قانون یا ناشی از آن است. اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، نموداری از این شیوه تفکر است و در آن می خوانیم که: «جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به: ۱) خدای یگانه (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲) وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین...» در اصل ۵۶ نیز تاکید شده است:

«حاکمیت مطلق به جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است»

و سرانجام در اصل چهارم نتیجه اجرای این اصل اعتقادی و بنیادی چنین جلوه گر شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم بر همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...».

بنابراین در ایران یکی از منابع حقوق، مذهب می باشد زیرا به موجب اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد.^۲

برای شریعت اسلامی براساس فقه جعفری اثنا عشری در نظام حقوق کنونی ایران، چهار نقش در نظر گرفته شده است:

۱- شریعت، مبنا و منبع مادی قوانین موضوعه: قوه مقننه وظیفه دارد در درجه نخست قواعد شریعت را متناسب با شرایط و ادبیات زمان - و نه صرفا به عنوان عرف جاری جامعه، بلکه به عنوان احکام الهی لازم الاجرا، هرچند متروک - به صورت قوانین مدون درآورد، آن سان که قانون مجازات اسلامی براساس فقه اسلامی

۱. دانش پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، ص ۸۸
۲. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، ناشر شرکت سهامی انتشار، تاریخ نشر ۱۳۸۹ ج ۲، ص ۲۰

تدوین و تصویب شد. بدین ترتیب، شریعت نخستین و مهم ترین مبنا و منبع مادی قوانین موضوعه در جمهوری اسلامی است.

۲- شریعت، معیار مشروعیت قوانین موضوعه: قوانینی هم که در متن شریعت منصوص نیست یا سابقه ای ندارد، باید مخالف موازین اسلامی نباشد؛ چراکه در غیر این صورت، از اعتبار و مشروعیت برخوردار نخواهد بود. شورای نگهبان، وظیفه تشخیص انطباق قوانین براساس شریعت اسلامی یا عدم مخالفت آن با موازین شرعی عهده‌دار است.

۳- شریعت، ملاک تفسیر قوانین موضوعه: از ذیل اصل چهارم قانون اساسی چنین به دست می‌آید که تفسیر قوانین نیز - چه قانون اساسی و چه دیگر قوانین - باید براساس موازین اسلامی باشد. در نتیجه، اگر قانونی تاب دو تفسیر موافق و مخالف اسلام را داشته باشد، تنها تفسیر موافق موازین اسلامی معتبر خواهد بود.

۴- شریعت، منبع رسمی و تکمیلی: در فقدان واقعی یا حکمی قوانین موضوعه، قاضی باید با مراجعه به «منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید» بدین ترتیب، در این موارد، شریعت و فقه، منبع تکمیلی نظام حقوقی و دومین منبع رسمی حقوق ایران به شمار می‌آید.^۱

۵. ۱. ۷. رابطه و تاثیر متقابل حقوق و اخلاق در اسلام

هرچند دیدگاه‌های افراطی تصریح می‌کنند «هیچ ارتباط ضروری ای میان اخلاق و قانون نیست»؛ ولی به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی که بین قواعد حقوقی و قواعد اخلاقی وجود دارد، نمی‌تواند نفی‌کننده ارتباط وثیق و تاثیر متقابل آنها بریکدیگر باشد؛ از جمله:

الف) بسیاری از قواعد اخلاق اجتماعی، منبع قواعد حقوقی هستند؛ زیرا آن قدر ضرورت اجرا دارند که با تعیین ضمانت اجرای دولتی، همزمان چهره قاعده حقوقی نیز پیدا می‌کنند، مثل لزوم رعایت امانت و پرهیز از خیانت در امانت و ممنوعیت سرقت و امثال آن. متقابلاً نیز ممکن است رعایت برخی از قواعد حقوقی به تدریج به فرهنگ تبدیل شود و رعایت آنها به لحاظ اخلاقی نیز ضروری به شمار آید؛ مثل رعایت مقررات راهنمایی و

۱. دانش پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، ص ۸۹

رانندگی یا پرداخت مالیات در برخی از جوامع.

ب) اخلاق در اجرای قواعد حقوقی به شدت تاثیرگذار است. از یک طرف آن بخش از قواعد حقوقی که بر ارزش های اخلاقی جامعه منطبق باشد - مثل قوانین مربوط به خانواده - به دلیل وجود انگیزه و ضمانت اجرای درونی بهتر و راحت تر اجرا می شود و از سوی دیگر، اجرای آن بخش از قواعد حقوقی که مخالف ارزش های جامعه باشد، با مقاومت منفی روبه رو می گردد؛ به گونه ای که عملاً گاه وصف لازم الاجرا بودن را از آن می گیرد و مانع شکل گیری قاعده حقوقی می شود.

ج) به نظر می رسد همان طور که بسیاری از قواعد اخلاق اجتماعی، به دلیل ضرورت اجراء، با حفظ صبغه اخلاقی به قاعده ای حقوقی تبدیل می شود، متقابلاً باید به همه قواعد حقوقی نیز با حفظ صبغه حقوقی بودن آنها، صبغه اخلاقی نیز بخشید تا در نتیجه آنجا که از ضمانت اجرای دولتی کاری ساخته نیست، انگیزه های درونی، اجرای آن را ضمانت کند، البته بدیهی است اخلاقی ساختن قواعد حقوقی در عرصه های گوناگون حقوق به یک اندازه نیست؛ بیشترین امکان و تأثیر را در قلمرو حقوق خانواده و کمترین آن را در قلمرو قواعد شکلی و تشریفاتی حقوق می توان دید و قواعد حقوقی مربوط به معاملات در میانه قرار دارند.

ارتباط وثیق و تاثیر متقابل حقوق و اخلاق را در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام به بهترین وجه می توان مشاهده کرد؛ چراکه از یک سو هردو بر یک مبنا استوارند و از یک منبع سیراب می شوند (منبع وحی) و از سوی دیگر، هردو در نهایت هدف واحدی را دنبال می کنند (قرب به خداوند) و از سوی سوم، از آنجا که مقررات زمانمند و شکلی و نیز احکام حکومتی به نوعی به اراده خداوند قابلیت انتساب دارند، از ضمانت اجرای درونی و اخلاقی برخوردارند.^۱

۷.۲. نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده به خوبی روشن می شود که یکی از اساسی ترین نیازهای جامعه اسلامی، وجود نظام حقوقی کارآمد است و از آنجا که قوانین الهی، قوانینی مترقی و حکیمانه می باشند، ضرورت الهی بودن

۱. دانش پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، ص ۸۹

قوانین حقوقی در جوامع اسلامی و پیوند آن با مذهب و اخلاق امری بدیهی است که نظام حقوقی در ایران بر این مبنا استوار می‌باشد و قانونگذار بر طبق همین مبنا بر اساس دستورات صریح قرآن و روایات مبنی بر لزوم حجاب اسلامی، بی‌حجابی را جرم تلقی کرده است و برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفته است.

فصل هشتم: مصالح و فواید حجاب، مفسد و مضرات بی حجابی

۸.۱. مصالح و فواید حجاب

۸.۱.۱. دفع مفسد

یکی از فلسفه های مهم قانون حجاب در دین اسلام، دفع فساد از جوامع و ضررهایی است که در جوامع بشری به دنبال دارد. امام باقر(علیه السلام) در حدیثی که متضمن مفسد بی حجابی و بی عفتی است، چنین می فرماید: «روزی جوانی از انصار با زنی از مدینه مواجه شد. زنان در آن زمان مقنعه های خود را از پشت گوش های خود می انداختند. به آن زن نگاه کرد درحالی که وی از روبه رو می آمد دید که وارد کوچه ای به اسم «بنی فلان» شد. پس جوان پشت سرش راه افتاد و به او نگاه می کرد. ناگهان [درحالی که از خود غافل بود] صورتش به استخوان یا شیشه ای که در دیواری بود برخورد کرد و شکافت. وقتی آن زن رد شد، و جوان دید خون بر سینه و لباسش سرازیر است، با خود گفت: به خدا سوگند، نزد رسول خدا(صلی الله علیه وآله) رفته و واقعه را خواهم گفت!

پس نزد رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آمد. وقتی رسول الله(صلی الله علیه وآله) او را در آن وضع مشاهده کرد، فرمود: این چه وضعی است؟ پس ماجرای خویش را شرح داد.

آن گاه حضرت جبرئیل(علیه السلام) نازل شد و این آیه را آورد. «ای پیغمبر ما! به مؤمنین بگو چشم های خود را از نامحرمان فرو بندند و دامن هایشان را پاک نگه دارند. این کار برای آن ها موجب پاکی است و همانا

خداوند متعال از همه کارهای بندگان آگاه است.^۱

در حدیثی دیگر نیز امام رضا(علیه السلام) فرمودند:

«... وَ حَرَّمَ الزَّانِيَ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ : مِنْ قَتْلِ الْأَنْفُسِ، وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ، وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ، وَ فَسَادِ الْمَوَارِيثِ، وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وُجُوهِ الْفَسَادِ...»^۲

امام رضا(علیه السلام) فرمودند: «... و همانا خداوند متعال، زنا را حرام کرد، برای مفسده هایی که شیوع این عمل در جامعه به دنبال دارد، همچون: [افزایش] قتل و کشتار، از بین رفتن نسبت ها [و ماهیت افراد]، رها شدن تربیت فرزندان، از بین رفتن حدود ارث و میراث و فسادهایی از این قبیل...»

در جوامع امروزی به وضوح مشاهده می کنیم ریشه زنا که مفسد دیگری را مانند قتل نفس، اختلاط انسب، سقط جنین، آوارگی فرزندان زنا، عدم تربیتشان در محیط خانواده، که مضراتی را برای جامعه به دنبال دارد، همه و همه ناشی از بی عفتی و بی حجابی زنان است، زیرا آنچه باعث تهییج شهوت شده و بذر شهوت را در دل ها می کارد نگاه به نامحرم است، زنان بی حجاب که با بی عفتی خود ابزار دست شیطان شده اند، این امکان را به شیطان می دهند که با تیرهای مسموم خود، دل جوانان و مردان جامعه را مالمال از شهوت کند و آنان را دچار انواع فساد و بی بند و باری نماید. امیر المومنین(علیه السلام) در حدیثی زیبا می فرمایند:

«مَا شَيْءٌ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ يَأْتِي إِلَّا فِي شَهْوَةٍ»^۳

هیچ گناهی انجام نمی گیرد مگر اینکه ریشه در شهوات نفسانی دارد.

اطاعت از شهوتهای نفسانی، دین انسان را نابود می کند و انسان را از رسیدن به درجات کمال و مراتب معنوی بازمی دارد.

اگر جوامع اسلامی بخواهند از این همه مفسد زنا، در امان بمانند باید به دستور خداوند متعال و قانون مترقی

اسلام عمل کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ، وَ نَزْدِيكَ زَنَا نَشْوِيدٌ﴾^۴

در این آیه خداوند متعال با بیانی لطیف می فرماید نزدیک زنا نشوید یعنی نه تنها از زنا دوری کنید بلکه از عواملی هم که باعث ایجاد زنا و مقدمه زناست دوری کنید بنابراین هر چیزی که می تواند مقدمه زنا را فراهم کند باید در جامعه ریشه کن شود.

۱. احمدی جلفایی، حمید، احمد علیشانی، سیمای حجاب و عفت در آیات و روایات، قم، انتشارات آستانه مقدسه، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. سوره اسراء، آیه ۳۲

بدیهی است یکی از ریشه های اصلی رواج زنا، بی عفتی زنان و رواج مظاهر بی عفتی از جمله بی حجابی در جامعه است. به همین دلیل حکومت اسلامی برای دفع مفسد زنا، باید به صورت قانونمند با مقدمات زنا، شامل بی عفتی، رواج فیلم های محرک، عکس های مبتذل، روابط ناسالم و اختلاط زن و مرد در محیط اجتماعی مبارزه کند زیرا رسیدن دو نامحرم به هم و تحقق عمل فحشاء، به وسیله همین امور صورت می پذیرد.

۲. ۱. ۸. امنیت روانی در فرد و اجتماع

یکی از مسائلی که در جهان امروز، هر کشور یا حکومتی، خود را ملزم به آن می داند، سلامت افراد جامعه است که این امر نه تنها دارای بعد جسمی است بلکه دارای بعد روانی و اجتماعی نیز می باشد، در واقع می توان گفت سلامتی روان افراد جامعه از سلامتی جسم آنان نیز مهم تر است، چراکه روح انسان نسبت به جسم از پیچیدگی های بیشتری برخوردار است و خداوند متعال نیز در قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده و می فرماید:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۱

و از تو درباره روح سوال می کنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است.

بنابراین جامعه اسلامی همانطور که بودجه های کلانی را صرف سلامت جسم افراد جامعه می کند و حتی قوانینی را در این زمینه، به دستگاه های مختلف ابلاغ می کند، لازم است که به سلامت و بهداشت روان افراد هم توجه نماید.

بهداشت روان افراد با دیگر بخش ها و عوامل تأثیرگذار جامعه، رابطه مستقیم دارد یعنی شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... متاثر از بهداشت روان افراد جامعه است. جامعه ای که از آرامش فکری، روحی و روانی مناسب برخوردار نباشد در زمینه های علم و صنعت، تکنولوژی و... به استقلال، رشد و بالندگی دست نخواهد یافت.

واژه امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، بی ترسی، آرامش و آسودگی است و وقتی با واژه روان همراه

۱. سوره اسراء، آیه ۸۵

گردد به معنای آسودگی و آرامش روح و روان به کار برده می شود، به گونه ای که شخص از نظر روحی و روانی، در وضعیت آرام و بدون اضطراب قرار می گیرد.

فردی که دارای امنیت روانی است این حالت در او سبب می شود همواره در سختی ها و مشکلات زندگی، ثابت قدم و با اعتماد به نفس و آرامش کافی به زندگی ادامه دهد.^۱

امنیت چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در قرآن کریم، آنرا یکی از نعمتهای بزرگ که لایق شکر و سپاسگذاری است، نام برده و چنین می فرماید:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^۲

پس (به شکرانه این دوستی) باید یگانه خدای این خانه (کعبه) را پرستید. همان خدایی که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت.

امنیت یکی از شاخصه های مهم حکومت حقّه حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) می باشد و قرآن کریم امنیت را یکی از دستاوردهای تشکیل حکومت دینی و الهی به شمار آورده و می فرماید:

﴿وَلِيُبدِلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۳

و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند.

منتسکیو حقوقدان و دانشمند نامدار فرانسوی درباره تأثیر بی حجابی در اجتماع و اثرات از دست رفتن عنصر عفاف در امنیت روانی چنین می گوید: ازدست رفتن عفت زنان به قدری تأثیرات بد دارد و به اندازه ای نواقص و معایب تولید می کند و طوری روح مردم را فاسد می نماید که اگر کشوری دچار آن گردد و این اصل مهم از بین برود، بدبختی های زیادی از آن ناشی می گردد، به خصوص در حکومت دموکراسی، ازدست رفتن عفت، بزرگترین بدبختی ها و مفسد را باعث می شود تا جایی که اساس حکومت را از بین خواهد برد. به این جهت، قانونگذاران خوب، عفت را توصیه و از زنان توقع وقار در اخلاق را دارند.^۴

خداوند متعال زن را در قرآن کریم، مایه آرامش فکری، روحی و روانی مرد می داند و می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^۵

۱. کمالی، سیده فاطمه، «پاکدامنی زن، آرامش روانی مرد، چالش ها و پیامدها»، فصلنامه بانوان شیعه، ش ۱۰، زمستان ۸۵
۲. سوره قریش، آیات ۳ و ۴
۳. سوره نور، آیه ۵۵
۴. لوئی دوسکوندا منتسکیو، روح القوانين، ص ۲۲۶
۵. سوره روم، آیه ۲۱.

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.

اما متأسفانه در جوامع امروزی، بعضی از زنان با بی حجابی و بی عفتی، نه تنها موجب آرامش در محیط گرم خانواده نمی شوند، بلکه عاملی برای ایجاد اضطراب روحی و برهم زدن امنیت روانی در اجتماع شده و خانواده خود را نیز دچار آشفتگی روانی کرده، مشکلاتی را برای فرزندان و همسران خود، به وجود می آورند. آن عده از زنان که با چهره آرایش کرده، از منزل خارج شده، آیا به این فکر کرده اند که این نوعی عدم وفاداری نسبت به همسر است و مرد با توجه به حسّ غیرتی که خداوند در درون او نهاده است، در دل نسبت به همسرش بدبین شده و این زن است که زمینه گمراهی همسرش را فراهم می کند.

«در علم روانشناسی ثابت شده است که سلامت روان، وام دار امنیت روانی است و امنیت روانی با شخصیت فردی ارتباط دارد. هرگونه اختلاف شخصیت، موجب اختلال در امنیت روان فرد می شود. پرواضح است که رعایت موازین اخلاقی، جنسی و مشخص بودن حریم روابط زن و مرد، از عوامل بسیار مهم شکل گیری شخصیت سالم و در نتیجه تامین کننده سلامت و امنیت روان است. دستورات اسلام نسبت به حجاب و عفاف، کنترل نگاه و نوع برخورد با نامحرم، همه راهکارهایی است برای ایجاد تعادل روحی در افراد جامعه، که در آیات قران و روایات ائمه بیان شده است.

در هر حال، بی حجابی زنان، مردان را دچار ناآرامی روحی و روانی می کند و ایشان را در یک التهاب دائمی قرار می دهد. بنابر این، بی حجابی زنان در جامعه، در مردان و جوانانی که توانایی ازدواج ندارند، نوعی تحریک دائم غریزه ایجاد می کند و اگر خوددار نباشند، به خود ارضایی دست می زنند و در نتیجه، دچار ناهنجاری های روانی و بیماریهای عصبی و جسمی می شوند و عده ای نیز پا فراتر نهاده، با هم جنس گرایی و روابط نامشروع، سعی می کنند شعله های فروزان این میل آتشین را فرو نشانند و یا اینکه با خشونت جنسی به آزار و اذیت زنان و دختران بپردازند»^۱ و مشکلاتی را در جوامع اسلامی به وجود آورند.

طبق تحقیقاتی که در مورد پوشاندن زیبایی های زنان و حفظ عفت و حجاب انجام شده، ثابت شده است که این امر، مانع افزایش آستانه ادراکی مردان و در نتیجه، موجب کاهش اختلافات زناشویی است و بالعکس، مردی که در صحنه اجتماع، مظاهر بی عفتی را در زنان، همراه با چهره های آرایش کرده و بی حیایی مشاهده می کند، آستانه ادراکی او با دیدن این بی عفتی ها افزایش یافته، به محرک های درون خانواده، دیرتر پاسخ خواهد داد و زمینه برقراری روابط عاطفی لذت بخش فراهم نخواهد شد و در نتیجه اختلافات زناشویی ایجاد شده،

۱. کمالی، سیده فاطمه، «پاکدامنی زن، آرامش روانی مرد، چالش ها و پیامدها»، فصلنامه بانوان شیعه، سال سوم، ش ۱۰ زمستان ۸۵، ص ۱۸۹

بنیان خانواده را سست خواهد کرد.^۱

بنابراین نتیجه می‌گیریم که اولاً: نعمت امنیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است که جزء لوازم زندگی بشری می‌باشد و امنیت روانی افراد جامعه یکی از شاخصه‌های مهم امنیت اجتماعی می‌باشد. ثانیاً: یکی از شاخصه‌های حکومت مهدوی، رسیدن به امنیت در بعد فردی و اجتماعی است و از آنجا که حکومت‌های اسلامی تنها آرمان و الگوی خود را رسیدن و نزدیک شدن به آن حکومت حقه می‌دانند، بر آنها لازم است نسبت به برقراری امنیت فردی، اجتماعی و روانی در ابعاد مختلف تلاش کنند. و کاملاً واضح است که نقش حجاب در ایجاد امنیت روانی در دو بعد فردی و اجتماعی نقشی بی‌بدیل است.

۳. ۱. ۸. حفظ نسل از خطر سقوط

شکی نیست که یکی از آثار بی‌حجابی، بی‌بند و باری و روابط نامشروع در ابعاد وسیع است. چنانکه در دنیای غرب، به خوبی دیده می‌شود و آثار نکبت بار روابط نامشروع بر کسی پوشیده نیست، یکی از آن آثار، آلوده شدن نسل و به دنبال آن کورتاژ و سقط جنین و فرزندان نامشروع و غیر قانونی است که متأسفانه بر اثر عدم رعایت عفت و پوشش اسلامی، این آثار روز به روز در دنیا رو به افزایش است و چنانکه آمار نشان می‌دهد، این موضوع در کشورهایی که پوشش اسلامی رعایت نمی‌شود به مراتب بیشتر از کشورهایی است که پوشش اسلامی رعایت می‌گردد.

طبق گزارشاتی که اخیراً از طرف اداره تحقیقات اجتماعی امریکا انتشار یافته تعداد نوزادان غیر قانونی نسبت به ده سال قبل ۴۷ درصد افزایش یافته است.

بدون تردید یکی از بزرگترین مشکل اجتماعی، وجود چنین فرزندان بی‌سرپرست است که اصل خلقتش بر اساس انحراف پایه گذاری شده و بر اثر وجود زمینه نامساعد معنوی در آنها، خطرات آنها از نظر روانی بسیار قابل توجه و جدی است. چنین فرزندان مسلمان طبیعی نیستند و چون پایه وجودیشان براساس قانون شکنی پی ریزی شده، تا حدود زیادی به گناه و قانون شکنی متمایلند زیرا «میوه گناهند». از سخنان امام صادق (علیه السلام)

۱. سالاری فر، محمد رضا، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات هاجر، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۲۳۵

است که فرمودند:

«إِنَّهُ يَحِنُّ إِلَى الْحَرَامِ وَالِاسْتِخْفَافِ بِالدِّينِ وَ سَوْءِ الْمَحْضَرِ»

فرزند زنا متمایل به گناه و تحقیر نمودن به دین و بد رفتاری با مردم است.

بر همگان روشن است که حجاب اسلامی نقش اساسی در حفظ نسل و تامین پاکی اساس خلقت نسل های آینده دارد چراکه زن مربی جامعه است و انسان ها از دامن او پیدا می شوند و اگر او دامن خود را در پناه پوشش، حفظ کند سعادت انسانهای آینده را پایه ریزی نموده است.^۱

۴. ۱. ۱. ۸. حفظ ارزش و کرامت انسانی زن

مروارید سنگی قیمتی است که در داخل صدف قرار دارد تا از دستبرد در امان باشد، زن نیز همچون مروارید در صدف است که باید در لافافه حجاب و عفاف قرار گیرد تا از تعرض بیمار دلان در امان بماند. ویل دورانت در این زمینه می گوید: «آنچه بجوئیم و نیابیم عزیز و گرانبها می گردد...» برتراند راسل درباره عشق رمانتیک می گوید: «اصل اساسی عشق رمانتیک آن است که معشوق خود را بسیار گرانبها و به دست آوردنش را بسیار دشوار بدانیم...»

اینها تنها گوشه ای از اعترافات طرفداران محیط های اشتراکی جنسی است. آری، زن هرچقدر دست نیافتنی تر باشد به همان اندازه هم گرانبهاتر و با ارزش تر است و حجاب و عفاف، زن را دست نیافتنی می کند. وقتی زن با حجاب و حیا در بین نامحرمان حضور می یابد در حقیقت میان خود و بیگانگان خطوط قرمزی را ترسیم می کند و مانع تجاوز و تعدی بیمار دلان نسبت به خود می گردد و در نتیجه به طور طبیعی ارزش و کرامت انسانی خود را در نظر مردان بالا می برد.^۲

۱. محمدی اشتهاردی، پوشش زن در اسلام، قم، کانون انتشارات ناصر، تاریخ نشر ۱۳۶۰، ص ۷۱

۲. نظیفی، عباس، ودیگران، آسیب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۷۳

۵. ۱. ۸. کاهش انحرافات جنسی

یکی از معضلات اجتماعی عصر حاضر شیوع روز افزون انواع «انحرافات جنسی» در میان افراد خصوصاً نسل جوان و نوجوان است. به لحاظ جرم شناختی علت اصلی این موضوع، تحریکات جنسی نامشروع است که ریشه در «بی حجابی» و خودنمایی زنان و دختران جوان در بین نامحرمان دارد. با رعایت حجاب و عفاف از سوی بانوان، تحریکات نامشروع جنسی به حداقل خود خواهد رسید که نتیجه طبیعی آن کاهش انحرافات جنسی در سطح جامعه است. برای اثبات مدعای خود باید بگوئیم که آمار نشان می دهد در کشورهای غربی در فصول سرد که پوشش بانوان بیشتر است آمار تجاوزات و جنایات جنسی بسیار کاهش می یابد و در مقابل در فصول گرم که پوشش بانوان کمتر و نازک تر می گردد آمار تجاوزات و جنایات جنسی بسیار افزایش می یابد.^۱

۶. ۱. ۸. ایجاد مصونیت و امنیت برای زن

حجاب مایه امنیت زن و مانعی برای تعرضات بیمارداران نسبت به زن است. حجاب و عفاف جلوی تحریکات بی حساب جنسی را در جامعه می گیرد و هنگامی که تحریکات نامشروع به حداقل ممکن برسد عفت و پاکدامنی در مردان افزایش می یابد و در نتیجه امنیت زنان و دختران بالا می رود زیرا با افزایش عفت مردان، مزاحمت و تعرضات نسبت به زنان و دختران بسیار کاهش می یابد.^۲

۱. اقتباس از: نظیفی، عباس، دیگران، آسب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹،

ص ۸۷ و ۸۶

۲. همان، ص ۷۴

۷. ۱. ۸. تقویت علاقه مرد به همسرش

وقتی زنی جاذبه های جسمی، جنسی و عاطفی خود را منحصرأً به همسر خود عرضه نماید و دیگران را به طور مطلق از دسترسی به آن محروم می کند با این کار نشان می دهد که علاقه ویژه ای به همسرش دارد و خود و جاذبه های خود را فقط متعلق به شوهرش می داند. چنین زنی به طور طبیعی مورد علاقه همسرش خواهد بود. از سوی دیگر وقتی مرد در بیرون از منزل با زنان و دختران محجبه و عفیفه روبه رو می شود و خبری هم از تحریکات بی بند و بار جنسی نیست و در مقابل جاذبه های زنانه را فقط در وجود همسرش می یابد به طور قطع رغبت و علاقه بیشتری به همسرش خواهد داشت.^۱

۸. ۱. ۸. رونق اخلاق اسلامی در جامعه

یکی از اهداف بلند اسلام، سلامت اخلاق جامعه است. به طوری که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) هدف از بعثت خود را چنین می فرماید:

« بعثت لاتمم مکارم الاخلاق »

من مبعوث شدم تا اخلاق بشر را به کمال برسانم. به عبارتی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) مبعوث شدند تا هر آنچه به اخلاق جامعه آسیب می رساند ریشه کن کرده و آنچه را که باعث تقویت اخلاق جامعه، کمالات و فضائل انسانی می شود تقویت کنند.

یکی از اهداف مهم تشریح قانون حجاب در اسلام، دستیابی به همین هدف اساسی، یعنی تزکیه نفس، طهارت و رشد اخلاق در جامعه می باشد. همانطور که خداوند متعال در قرآن، این موضوع را بیان کرده و می فرماید:

« وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ »

هرگاه از زنان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) متاعی می طلبید از پس پرده طلبید، که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.

۱. همان، ص ۷۷.

رشد اخلاق اسلامی در جامعه به واسطه رعایت حجاب اسلامی از دو جهت قابل توجه می باشد:

۱- در درجه اول، زن با رعایت حجاب اسلامی، خود را از ابتذال اخلاقی حفظ نموده و در مسیر اخلاق اسلامی گام خواهد برداشت، زیرا ابتذال در پوشش و بی حجابی، ابتذال در اخلاق را به دنبال خواهد داشت. به عبارتی اولین ضرر بی حجابی زن، نصیب خود اوست و بسیاری از بیماریهای اخلاقی از جمله خودپسندی، عجب، کبر، خودشیفتگی، ریا و... را در او ایجاد کرده و باعث ایجاد بسیاری از مفسد اخلاقی در وی می گردد. مؤید این مطلب این است که زنان بی حجابی که به نمودهای ظاهری و تجمل و خودآرایی می پردازند و به سراغ اسباب آرایش و زیور آلات جالب تر و کفش و لباس شیک تر می روند معمولاً از آن قشر زنانی هستند که از سرمایه های معنوی و فضائل اخلاقی تهی و محروم هستند و زمینه ی پیدایش بسیاری از رذائل اخلاقی در آنها مهیاست.

حضرت علی(علیه السلام) در این باره می فرمایند:

« يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهْوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ^۱»

در آخر الزمان و هنگام نزدیک شدن روز قیامت، که بدترین زمان ها خواهد بود، زنان سرلخت و برهنه و با زینت و آرایش [در جامعه و بین نامحرمان] ظاهر شوند، آن ها از دین خارج شده و در انواع فتنه ها داخل شوند، و به سوی شهوات متمایل و به سوی لذات پست دنیوی شتاب گیرند و حرام های خدا را حلال پندارند و جایگاه همیشگی چنین زنانی جهنم خواهد بود.»

۲- در درجه دوم زنان با رعایت حجاب اسلامی در جامعه، حرکتی پیامبر گونه خواهند کرد و زمینه رشد و تعالی فضائل اخلاقی را در جامعه فراهم خواهند کرد زیرا در صورتی که زنان با حیاء و عفاف در محیط اجتماع حاضر شوند، مردان در این صورت با صحنه های محرک و شهوانی مواجه نشده و در نتیجه زمینه گناه برای آنان به حداقل رسیده و این عاملی برای تقویت و رشد ایمان و اخلاق اسلامی در بین افراد جامعه است.

۱. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، انتشارات موسسه آل البيت، تاریخ نشر ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۵.

۹. ۱. ۸. حجاب و سلامتی

تحقیقات نشان می دهد زنان بی حجاب، خیلی زودتر از زنان دیگر، زیبایی خود را از دست می دهند. علل پیری زودرس زیبایی می تواند عوامل زیر باشد:

۱- در علم پزشکی اثبات شده که برهنگی اعضای بدن در معرض هوای گرم و سرد، سبب به هم خوردن چربی های زیر پوستی می شود و به مرور لطافت و زیبایی پوست زنان از بین می رود.

امام علی(علیه السلام) در این مورد فرموده اند:

«صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهِ وَ أَدْوَمُ لِجَمَالِهَا»

حفظ(حجاب و عفت) زن به حال خودش سودمند تر و موجب پایداری بیشتر زیبایی اوست.

۲- استفاده مداوم از لوازم آرایش، نظافت محیطی پوست را برهم می زند و موجب می شود پوست زودتر طراوت خود را از دست دهد. چربی بیش از حد حاصل از مواد آرایشی محیط مناسبی را برای رشد باکتری های پوستی فراهم می کند.

۳- از آنجا که یکی از آثار بی حجابی، برهم خوردن آرامش روانی و ابتلا به انواع اضطراب های روحی است در نتیجه پیری زودرس زیبایی را به دنبال دارد. بنابر این حجاب و رعایت عفت در پوشش در حفظ و بقای زیبایی زنان اثرگذار است.

۴- حجاب و عفاف زمینه فحشا را که عامل بیماری های مقاربتی است، از بین می برد و از این طریق نیز نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می کند.^۱

۸/۲. مفاسد و مضرات بی حجابی

۱. حسینیان، حامد، صدفی برای مروری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۶۲.

۱.۲.۸. آسیب دیدن استحکام خانواده و زمینه سازی طلاق

نظام خانواده، نظام ارزشمند و محبوبی است که در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از او پایه ریزی نشده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «در اسلام هیچ نهادی محبوب تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نظر خداوند بنا نشده است».

نظام خانواده از چنان جایگاه و مقام شایسته ای در اسلام برخوردار است که حتی بر عبادت و بندگی خدا تاثیر گذاشته و ثواب آن را مضاعف می نماید؛ تا جایی که دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند.

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «دو رکعت نماز مرد متأهل افضل و بهتر از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز با روزه سپری کند».

این روایات و روایاتی قریب به این مضمون که در متون اسلامی، وارد شده به خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده و تشکیل آن را تعیین می کند.

بدون شک جامعه ای از سلامت کامل برخوردار است که خانواده به عنوان جزء کوچک آن جامعه از سلامت و استحکام کامل و کافی برخوردار باشد، از این رو، اگر خواهان سلامت و تقویت بنیان جامعه هستیم، باید همه نیروهای خود را در جهت استحکام و تقویت پیوندهای خانوادگی بسیج کنیم. در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه اند، مقایسه ی آنچه دارند با آنچه ندارند؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه، آتش هوی و هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شگفتی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد.

در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و برباد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز برباد داده است.^۱ وقتی مرد بیرون از منزل در معرض خودنمایی و دلربایی زنانی جز همسر خویش است و با تحریک جنسی گوناگون مواجه می شود، کم کم نسبت به همسر خویش سرد و بی تفاوت می گردد؛ زیرا همسر او حد معینی از

۱. قاسمی، مرضیه، سید محمد رضا علاء الدین، «حجاب قرآنی و نقش آن در نهاد خانواده»، فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۳۳، ص ۵۳.

زیبایی را دارد و همه زیبایی های ظاهری زنان خودنما را ندارد. بنابر این نتیجه طبیعی «بی حجابی» و خودنمایی در جامعه، تحریکات جنسی و به دنبال آن افزایش روابط نامشروع جنسی و عاطفی و حتی تجاوز به عنف است. «بی حجابی» و خودنمایی زنان، زمینه ساز خیانت همسران به یکدیگر است، خیانت ضربه مهلکی بر پیوند زناشویی است^۱ و با سست شدن روابط زناشویی و کاهش محبوبیت مرد نسبت به زن، به علت بی حجابی و خودنمایی زیبا رویان در جامعه، زمینه طلاق و جدایی شکل می گیرد. بنابر این رواج بی حجابی در جامعه به همان نسبت که باعث افزایش بی عفتی و روابط نامشروع جنسی می گردد، منجر به رواج جدایی و طلاق در جامعه خواهد بود.

۲.۲.۸. اختلال در تربیت فرزندان

برپایه تعالیم دینی، احترام به پدر و مادر بسیار سفارش شده است و در قرآن و روایات موارد متعددی در رابطه با احترام به پدر و مادر مطرح شده است. اما احترام به مادر، جایگاه ویژه ای دارد. به طوری که خداوند متعال هنگام یاد از زحمات پدر و مادر فقط از زحمات مادر، سخن می گوید و می فرماید:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾^۲ ما به انسان

توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی وضع حمل می نماید و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

در این آیه زحمات و خدمات دشوار سی ماهه مادر را در دوران بارداری، زایمان و شیردهی، ذکر می کند و اشاره ای به زحمات پدر نمی کند. بنابر این آیات قرآن در حق شناسی از والدین دو قسم است؛ آیات حق شناسی مشترک از پدر و مادر، مانند:

﴿وَوَقَّضِي رَبِّكَ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۳

که می فرماید به پدر و مادر هر دو احسان و نیکی کنید. و آیات مخصوص حق شناسی مادر.

۱. نظیفی، عباس و دیگران، *آسیب شناس فلسفه قانونی حجاب*، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۸۱

۲. سوره احقاف، آیه ۱۵

۳. سوره اسراء آیه ۲۳

افزون بر این آیات، روایت هایی در مورد جایگاه با عظمت مادر وجود دارد مانند اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «الجنة تحت اقدام الامهات»

بهشت زیر پای مادران است.

به راستی این جایگاه ویژه به چه دلیل است؟

اگر بهشت زیر پای مادران است به این دلیل است که کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند تا آنجاست که در بهشتی کردن یا جهنمی کردن او نقش تعیین کننده ای دارد. در این سی ماه (دوران بارداری، زایمان، شیردهی) مادر هم در تغذیه جسمانی کودک موثر است و هم در تغذیه روحانی او. نه تنها رفتار مادر در این دوران در کودک اثر می گذارد بلکه اندیشه های او هم در کودک موثر است. به همین دلیل باید مواظب افکار و اندیشه هایش هم باشد چون بسیاری از مسائل از راه اندیشه به فرزند می رسد.

به طور کلی رفتار و کردار مادران در شخصیت فرزندان اثر می گذارد.

خداوند متعال در این زمینه از زبان مردم زمان حضرت مریم (سلام الله علیها) می فرماید:

﴿يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا﴾

[وقتی حضرت مریم (سلام الله علیها) بدون آنکه ازدواج کند به قدرت الهی باردار شد. وقتی پس از حمل خود به شهر بازگشت مردم به وی چنین می گفتند: ای خواهر هارون! تو که پدرت آدم بدی نبود و مادرت [نیز] زن بد دامن و آلوده ای نبود؟!]

این آیه اشاره به تأثیر عجیب مادران در بهشتی یا جهنمی کردن فرزندان و نقش آنان در تربیت اجتماعی آنها دارد. مادری می تواند فرزندان را به طور شایسته تربیت کند که خودش دارای تربیتی دینی باشد، به همه شاخصه های دینداری پایبند باشد. مادری که خودش به فرهنگ مقدس حجاب و عفاف پایبند نیست، نه عفت در پوشش را رعایت می کند و نه عفت در رفتار، کردار، روابط اجتماعی و... را مسلماً مربی خوبی برای فرزند آینده جامعه اسلامی نخواهد بود و آن فرزند را هم مثل خودش انسانی بی عفت و دور از قوانین و احکام الهی رشد خواهد داد.

هرچه حجاب و عفاف بیشتر رعایت شود رفتارهای جنسی نامشروع کاهش می یابد. با کاهش انحرافات جنسی، رفتارهای جنسی زن و شوهر که زمینه تولید فرزند است جنبه مشروع، اخلاقی و حتی مقدس پیدا می کند. در مقابل رفتارهای جنسی نامشروع نه فقط به پدید آمدن فرزندان نامشروع منجر می شود بلکه این رفتار

نامطلوب پدر یا مادر به پرورش انحرافات جنسی در فرزندان می انجامد. نکته دیگر به تأثیر غیر مستقیم عدم رعایت حجاب و عفاف در فرزندان باز می گردد. زن و شوهرهایی که انحراف جنسی دارند به وظایف والدینی خود به طور مناسب عمل نمی کنند و فرزندان آنها در فضای بی اعتمادی، آشفتگی و دور از عواطف گرم پرورش می یابند. این فرزندان با احساس عزت نفس پایین رشد می کنند و زمینه بسیاری از انحرافات و بزهکاری ها در آنها به وجود می آید.^۱

بنابراین اگر همه اعضای جامعه بخواهند با نسلی با فرهنگ اصیل اسلامی روبه رو شوند که جامعه را به سوی سعادت پیش ببرند باید همه به قانون الهی و حکیمانه ی حجاب که مطابق فطرت خدایی انسانی است احترام گذاشته و همدیگر را به حجاب اسلامی توصیه و سفارش کنند.

۳.۲.۸. بی علاقگی به ازدواج و تشکیل خانواده

یکی از سفارشات مهم قرآن کریم این است که در جامعه اسلامی باید همگان شرایط ازدواج آسان را فراهم کنند تا جوانان خیلی سریع و راحت تشکیل خانواده داده، از مزایای این پیوند مقدس بهره مند شوند. خداوند متعال در این رابطه می فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾^۲

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز ازدواج و تشکیل خانواده را یکی از سنت های مهم خویش دانسته و چنین می فرماید:

«النَّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^۳

ازدواج سنت من است هرکس از سنت من روی بگرداند، از من نیست.

بنابر این یکی از سفارشات قرآنی و نبوی به جوامع بشری رواج امر مقدس ازدواج است. امروزه متأسفانه

۱. سالاری فر، محمد رضا، *مبانی روان شناختی حجاب و عفاف با نگاهی به متون اسلامی*، ص ۲۸

۲. سوره نور، آیه ۳۲

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار (ط-بیروت) قم*، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰

گسترش بی‌حجابی در جوامع، بالا رفتن سن ازدواج را به دنبال داشته و این پیوند مقدس را دچار چالش کرده و مشکلات عدیده‌ای برای جوامع بشری به وجود آورده است. عدم پوشش عفیفانه و حجاب قرآنی در جامعه، باعث می‌شود بسیاری از لذت‌های جنسی که عامل گرایش به ازدواج است به راحتی برای جوانان در دسترس باشد و تفکر غربی در مورد ازدواج در جامعه اسلامی رواج پیدا کند. غربی‌ها می‌گویند وقتی ما می‌توانیم همیشه شیر تازه بخریم و استفاده کنیم چرا گاو بخریم.

پاک بودن جامعه از تحریکات و بی‌بند و باری‌های جنسی که یکی از مصادیق مهم آن، بی‌حجابی است، باعث می‌شود که افراد آماده برای ازدواج، برای برآورده شدن نیاز جنسی خود، دست به ازدواج زده، آمار ازدواج در جامعه روز به روز افزایش یابد.

شهید مطهری در این زمینه فرمودند: علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هروقت به آنان پیشنهاد می‌شود جواب می‌دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه ایم، و یا به عناوین دیگر، از زیربار آن، شانه خالی می‌کنند عدم وجود حجاب و عفاف و آزادی جنسی است و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین‌ترین آرزوهای جوانان، ازدواج بود و «شب زفاف را کمتر از پادشاهی» نمی‌دانستند.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین ازدواج را عامل نیک بختی و سعادت خود می‌دانستند، ولی امروز کامجوییهای جنسی در غیر کادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاقها وجود ندارد.^۱

۴.۲.۸. افزایش آمار فرزندان نامشروع

به لحاظ جرم شناختی یکی از تبعات سوء روابط نامشروع جنسی، تولد فرزندان نامشروع است. مسلم است که چنین فرزندان از همان کودکی دچار مشکلات عدیده‌ای در زمینه‌های مختلف خواهند بود. احساس حقارت، عدم احساس امنیت و آرامش روانی، محرومیت از آغوش پرمهر مادر و سایه امن پدر، بی‌بهره‌گی از کانون مقدس خانواده و... تنها گوشه‌ای از آنهاست. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلایل تولد فرزندان

۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹ ص ۸۱

نامشروع، «بی حجابی» و بی عفتی خواهران در نزد نامحرمان است.^۱

فرزندان نامشروع سرچشمه انواع جنایتها در جوامع انسانی بوده و هستند. در انگلستان در هر سال - طبق آمار- پانصد هزار نوزاد نامشروع به دنیا می آید، و هنگامی که می شنویم جمعی از دانشمندان انگلیس در این رابطه به مقامات آن کشور اعلام خطر کرده اند- نه به خاطر مسائل اخلاقی و مذهبی - بلکه به خاطر خطراتی است که فرزندان نامشروع برای امنیت جامعه به وجود آورده اند، به گونه ای که در بسیاری از پرونده های جنایی پای آنها در میان است، به اهمیت این مساله كاملا پی می بریم، و می دانیم که مساله گسترش فحشاء حتی برای آنها که هیچ اهمیتی برای مذهب و برنامه های اخلاقی قائل نیستند فاجعه آفرین است، بنا بر این هر چیزی که دامنه فساد جنسی را در جوامع انسانی گسترده تر سازد تهدیدی برای امنیت جامعه ها محسوب می شود، و پیامدهای آن هرگونه حساب کنیم به زیان جامعه است.^۲

۵.۲.۸. فروپاشی شخصیت

زدودن گوهر حجاب از وجود زن، محو ارزش واقعی انسان از اوست. ارمغان شوم بی حجابی جز تنزل مقام زن از شخصیت اجتماعی او نیست. از سوی دیگر وقتی زن از اصالت انسانی خود عدول کرد، مورد طمع هوس ورزان و حیوان صفتان انسان نما قرار می گیرد و ناامنی در اجتماع دامنگیر زنان جامعه می شود. زنی که بدون پوشش، بزک کرده و... در میان نامحرمان نمایان شود، برای رسیدن به او دیگر عشق و عاطفه، علاقه قلبی و میل باطنی، که عامل افزایش بهای معشوق است، نیازی نیست. در این صورت او با عینک عشق دیده نمی شود؛ بلکه فقط و فقط برای ارضای امیال جنسی و شهوانی مورد طلب قرار می گیرد. در این میان مادیات واسطه است، نه انسانیت. در این وضعیت، کرامت زن تا اندازه ای سقوط کرده که حتی مردان، در طلب زنان نیستند، بلکه زنان در پی مردان اند تا با ذلت و خواری خود را به آنان عرضه کنند. و نکته قابل توجه دیگر اینکه افراد فرصت طلب جامعه و آنان که در هرزه گری غوطه ورنند، به دنبال کدامین دسته از زنانند، زنان مسلح به سلاح حجاب یا زنان

۱. نظیفی، عباس، دیگران، آسب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۹۱.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۶

بزرگ کرده که همه جا رواند؟^۱

در صورت رواج بی حجابی در جامعه، زنان از طریق جاذبه جنسی شان، وسیله تبلیغ کالاها و دکور اطاقهای انتظار، و عاملی برای جلب جهانگردان و سیاحان و مانند اینها قرار خواهند گرفت، در چنین جامعه ای شخصیت زن تا سرحدّ یک عروسک یا یک کالای بی ارزش سقوط می کند و ارزشهای والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خود نمائیش می شود.

و به این ترتیب مبدل به وسیله ای خواهد شد برای اشباع هوسهای سرکش یک مشت آلوده فریبکار و انسان نماهای دیو صفت! در چنین جامعه ای چگونه یک زن می تواند با ویژگی های اخلاقی، علم و آگاهی و دانائیش جلوه کند و حائز مقام والایی گردد؟! برآستی دردآور است که در کشورهای غربی و غرب زده، و در کشور ما قبل از انقلاب اسلامی، بیشترین اسم و شهرت و آوازه و پول و درآمد و موقعیت برای زنان آلوده و بی بند و باری بود که به نام «هنرمند و هنرپیشه» معروف شده بودند و هر جا قدم می نهادند گردانندگان این محیط آلوده برای آنها سر و دست می شکستند و قدمشان را خیر مقدم می دانستند!

بنابر این اگر زنان بخواهند از این صورت ابتذال و موقعیت یک عروسک فرنگی و کالای بی ارزش درآمده و شخصیت خود را بازیابند تنها راه آن پذیرش قانون حکیمانه حجاب است که نمونه آن زن ایرانی است که بعد از انقلاب، حجاب بر خود پوشید و از این ابتذال و بی ارزشی بیرون آمده، بی آنکه منزوی شود در تمام صحنه های مفید و سازنده اجتماعی حتی در صحنه جنگ با همان حجاب اسلامی ظاهر شد.^۲

۶.۲.۸. سلب امنیت زنان و دختران

امنیت جانی، جنسی و آبرویی زنان در جامعه از مهم ترین نیازهای اجتماعی آنان است. این امنیت با توجه به ویژگی های خاص جسمی، عاطفی و جنسی زنان از اهمیت والایی برخوردار است. روشن است که حجاب و عفاف دژ محکم امنیتی زن است که او را از دسترسی ناپاکان در امان نگاه می دارد و در عوض بی حجابی، خودآرای و خودنمایی زنان و دختران جوان در سطح جامعه، موجب نا امن شدن محیط جامعه برای خود آنها و

۱. کرد فیروزجایی، مهدی، حجاب مصونیت یا محدودیت، مجله میلان، ش ۸۰، ص ۹۷
۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۶

دیگر بانوان می گردد و چه بسا این ناامنی به داخل خانواده نیز کشیده شود (سوء استفاده جنسی از محارم) چراکه بی حجابی و خودنمایی بانوان موجب تحریک غریزه جنسی در مردان و پسران جوان بی تقوا می گردد و نتیجه طبیعی بی بند و باری در تحریک بی بند و باری در ارضاء این غریزه می باشد و در این صورت است که مزاحمت های نوامیس افزایش یافته و امنیت زنان و دختران در جامعه سلب می گردد.^۱

۷.۲.۸. خشونت و آزار جنسی

یکی از آثار سوء بی حجابی، آزار و اذیت زنان بی حجاب توسط مردان و جوانان ولگرد و لایبالی است. گویا این قبیل مردان، پوشش ناقص و بد برخی دختران و زنان را به منزله چراغ سبزی می دانند که نشان دهنده تمایل زنان بی حجاب به کارهای خلاف و گناه آلود است و همین نکته ذهنی و روانی از نظر آنان مجوز اذیت و آزار زنان بی حجاب می باشد.

البته بسیاری از دختران و زنان بی حجاب از اذیت و آزار مردان لایبالی که مزاحم آنان می شوند متنفر هستند و این گونه مردان و جوانان هرزه را مانع آزادی و فعالیت های اجتماعی خویش می دانند، اما این گونه دختران باید توجه داشته باشند که در حقیقت با بی حجابی خود زمینه انجام چنین اذیت و آزارهایی را فراهم نموده اند، زیرا هرچه حجاب و پوشش بانوان بهتر و بیشتر باشد، معمولاً و غالباً مردان و جوانان لایبالی کمتر جرات اذیت و آزار آنان را به خود می دهند.

قران مجید در آیه جلاباب به شکل بسیار زیبایی به این واقعیت تصریح کرده است که هرچه حجاب و پوشش بانوان بیشتر و بهتر باشد و بانوان از حجاب حداکثری مثل چادر مشکی استفاده کنند این باعث می گردد که به تقوا و عفت شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار قرار نگیرند.

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

امروزه در غرب آزارهای جنسی و مسئله خشونت علیه زنان بیداد می کند. در سال های اخیر بحث ناامنی

۱. نظیفی، عباس، دیگران، آسیب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۷۹

اجتماعی زنان در کشور خودمان نیز مسئله روز مطبوعات است. بدون تردید بی حجابی و افزایش نموده‌های جنسی زنان در سطح جامعه در افزایش خشونت مردان و آزارهای جنسی آنان تأثیر مهمی دارد. چون مرد هرزه ای که در محل کار یا خیابان، زنی را با جذابیت های جنسی می بیند در پی آن، تحریک جنسی پیدا می کند و سپس مشکل رفتاری رخ می دهد.^۱

۸.۲.۸. افزایش جرائم و جنایات جنسی و جرائم مرتبط با امور جنسی

به لحاظ جرم شناختی در صورت حضور غیر عقیفانه و بدون «حجاب» خواهران در برابر نامحرمان، سطح تحریکات نامشروع جنسی در جامعه بالا می رود زیرا مردان به محرک های شهوانی بینایی حساسیت بیشتری دارند و نتیجه طبیعی این موضوع، افزایش جرائم و جنایات جنسی و جرائم مرتبط با امور جنسی است. « جرائم جنسی» زنا، لواط، تجاوز به عنف، روابط نامشروع و حتی مساحقه و... «جنایات جنسی» همچون: قتل، ضرب، جرح، نقص یا قطع عضو و شکنجه روحی، جسمی و جنسی فرد مورد تجاوز و...، و اما جرائم مرتبط با امور جنسی از قبیل، قوادی، دایر کردن اماکن و مراکز فساد و فحشاء، ترغیب مردم به فساد یا فحشاء، ساختن، نگهداری، فروش، واردات، صادرات، انتشار و کرایه دادن انواع تصاویر، نوشته، طرح، نقاشی، علایم، فیلم و...، خلاف عفت و اخلاق عمومی، آدم ربایی به منظور انگیزه های جنسی، مزاحمت های تلفنی، مزاحمت های نواپس، خرید و فروش و استعمال انواع مشروبات الکلی، سقط جنین های غیر قانونی، بچه کشی، رها کردن نوزادان و اطفال در معابر عمومی، قذف و...^۲.

۱. مهدی زاده حسین، پرمسان حجاب (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، قم، انتشارات صهبای یقین، تاریخ نشر ۱۳۸۶ ص

۱۶۱

۲. نظیفی، عباس، دیگران، آسیب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۸۹

۹. ۲. ۸. افزایش ابتلا به بیماری ها و به خطر افتادن بهداشت جامعه

بی‌حجابی و خودنمایی زنان و دختران در نزد نامحرمان، موجبات تحریک آنان را فراهم می‌کند و از این منظر مردان به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول؛ به ارضاء خود از طریق غیر اخلاقی (انواع انحرافات جنسی) و غیر قانونی می‌پردازند. دسته دوم؛ تمایلات جنسی خود را سرکوب می‌کنند. دسته سوم، تقوی پیشه می‌کنند و عفت می‌ورزند. در دسته اول، مردان و پسران جوان و نوجوان بی‌تقوا، معمولاً به خود ارضائی و در درجه دوم به زنا و در درجه سوم به همجنس‌گرایی روی می‌آورند. سایر انحرافات جنسی نیز رواج دارد اما دامنه شیوع آنها بسیار محدودتر است. «خود ارضایی» به جهت تأثیرات مخرب روحی، جسمی، جنسی و حتی اجتماعی یکی از خطرناک‌ترین انحرافات جنسی است، عوارض سوء «خود ارضایی» بر هیچ کس پوشیده نیست: ضعف شدید قوای روحی و جسمی، کم‌خونی، ضعف حافظه، از دست دادن قدرت تولید مثل، آسیب مراکز عصبی و ستون فقرات و ... تنها گوشه‌ای از این عوارض هستند. در مورد زنا نیز روشن است که وقتی در جامعه‌ای رواج یابد بیماریهای آمیزشی نیز ظهور می‌یابد از جمله: سیفلیس، سوزاک، تریکوموناس، آتشفک نیکول خاور و گرانولسم آمیزشی.^۱

در این میان بیماری ایدز یکی از مهلک‌ترین بیماریهای عصر حاضر است که از فساد و روابط جنسی سرچشمه می‌گیرد و در این بیماری سیستم دفاعی بدن از کار افتاده و بدن در برخورد با ضعیف‌ترین میکروب‌ها توانایی دفاع از خود را از دست می‌دهد و می‌بایست تسلیم مرگ گردد. این بیماری از دو طریق خون و روابط جنسی به دیگری منتقل می‌شود البته از راههای دیگری نیز ممکن است منتقل شود ولی این دو راه شایع‌ترین است. این بیماری ابتدا در افریقا - بعد در امریکای شمالی و اروپا - سپس در آسیا شیوع یافته است. در ایالات متحده، بیماری ایدز در شهرهای بزرگ متمرکز شده است. در نیویورک از هر ۱۰ نفر فرد بالغ یک فرد به ویروس ایدز آلوده است. در کالیفورنیا بویژه در لوس آنجلس در حدود ۹۰۰۰ مورد ایدز وجود دارد. در فلوریدا و میامی ۲۰۰۰ مورد و در تگزاس ۱۵۰۰ مورد گزارش شده است. لازم به ذکر است که تبخال پوستی تناسلی که بیماری لاعلاجی است و در سایه ایدز از انظار عمومی و توجه پزشکان پنهان مانده بود، اکنون بیشترین قربانی را در انگلستان دارد. متخصصین برآورد کرده‌اند در شهر لندن از هر ۱۰ زن یکی حامل ویروس این بیماری است و در ایالات متحده مطابق تخمین‌ها هر ساله پانصد هزار نفر به این بیماری مبتلا می‌شوند.^۲

۱. همان، ص ۸۲ (برای مطالعه بیشتر در زمینه بیماریهای مذکور ر.ک.به: دانستنی‌های جنسی و زناشویی، محمدجواد مولوی نیا، ج دوم، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، چ ۱۳۸۵، از ص ۱۳۸ الی ۱۴۸)
۲. حسینیان، حامد، صدفی برای مروراید، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۹۰، ص ۶۳

جالب این است که در سمینار بین المللی پزشکی تهران که با شرکت ۲۰۰۰ متخصص از ۶۰ کشور جهان تشکیل گردید در پاسخ یکی از حضار که برای مصون ماندن از بیماری های مقاربتی سوال کرده بود که باید چه کرد؟

خانم دکتر m – od – uncan در حالیکه منقلب گردیده بود فریاد زد در یک جمله "اطاعت از قوانین اسلام."^۱

این نوع از روابط، عوارض سوء روانی نیز به دنبال خواهد داشت چراکه معمولاً زن و مرد در این رابطه به آرامش روانی مورد انتظار نخواهند رسید و همیشه احساس گناه و پشیمانی با آنان وجود خواهد داشت، همین احساس گناه و نداشتن آرامش روانی می تواند زمینه ساز بیماریهای متعدد روحی - عصبی گردد و اما دسته دوم: در این دسته مردان و پسران جوان بی تقوا در صورت تحریک های نامشروع به سرکوبی تمایلات جنسی خود می پردازند، عوارض خطرناک روحی و جسمی، سرکوبی این تمایلات و فشار ناشی از آن بر اهل فن پوشیده نیست؛ ابتلا به بعضی پسیکوزها (یا روان پریشی ها) از آن جمله اند، مثلاً به لحاظ جرم شناختی، «هیستری» در اثر فشار ناشی از سرکوبی تمایلات جنسی به وجود می آید.

فشار ناشی از این سرکوبی موجب بروز ناراحتی های جسمانی نیز می گردد که علم پزشکی هیچ توجیه طبی مشخصی برای آن ندارد. برای نمونه، فرد درد شدیدی را در ناحیه ستون فقرات و یا در کمر خود احساس می کند یا از ناراحتی معده رنج می برند اما آزمایشات و معاینات پزشکی حکایت از آن دارد که عضو مورد نظر و عصب آن کاملاً سالم است و به لحاظ پزشکی فرد مورد نظر هیچ مشکل و بیماری خاصی در عضو مورد شکایت ندارد، حقیقت این است که چنین ناراحتی هایی ریشه در فشار ناشی از سرکوبی هیجانانگیز جنسی دارد و یگانه راه درمان آنها ارضاء مشروع انگیزه های جنسی می باشد. همچنین سرکوبی مکرر هیجانانگیز جنسی ممکن است به تدریج موجب سرد مزاجی در زنان و ناتوانی جنسی در مردان گردد. به لحاظ جرم شناختی گرایش و اعتیاد به انواع مواد مخدر، مشروبات الکلی، قرصهای روان گردان و قمار و... از دیگر تبعات منفی فشار ناشی از سرکوبی غریزه جنسی می باشد.

باری، "بی حجابی" و خودنمایی زنان و دختران جوان در بروز و ظهور چنین بیماریها و ناراحتی هایی به طور مستقیم و غیر مستقیم ایفاء نقش می کند و اینک دسته سوم: این دسته از مردان به تکالیف الهی مقید بوده و چشمایشان را از حرام فرو می بندند و پاکدامنی پیشه می کنند و اگر امکان ازدواج برایشان مهیا نیست عفت

۱. فتاحی زاده، فتیحه، حجاب در عقل و نقل، پایان نامه کارشناسی ارشد ص ۱۱۱

پیشه می کنند تا خدا آنها را از لطف خود بی نیاز گرداند.^۱

۱۰.۲.۸. تنزل بهره وری در فعالیت های اجتماعی و زمینه سازی رخدادهای مخاطره آمیز

یکی از فلسفه های پوشش در اسلام این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، خالص برای کار و فعالیت باشد. به همین جهت به زن اجازه نمی دهد که وقتی از خانه بیرون می رود موجبات تحریک مردان را فراهم کند و به مردان هم اجازه نمی دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می باشد. اگر مرد تمتعات جنسی را منحصر به همسر قانونی خود کند و تصمیم بگیرد همین که از کنار همسر خود بیرون آمد و پا به بیرون اجتماع گذاشت، دیگر درباره این مسائل نیندیشد، قطعاً در این صورت بهتر می تواند فعال باشد اما اگر همه فکرش متوجه این زن و آن دختر و این قد و بالا و این طنّازی و آن عشوه گری باشد و دائماً نقشه طرح کند که چگونه با فلان خانم آشنا شود، مسلماً بهره وری او در محیط کار تنزل پیدا خواهد کرد. آیا اگر زن، ساده و سنگین به دنبال کار خود برود، برای اجتماع بهتر است یا آنکه برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آئینه و میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت تمام سعیش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوسباز و چشم چران و بی اراده تبدیل کند؟

عجبا به بهانه اینکه حجاب، نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است، با بی حجابی و بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند. کار زن پرداختن به خود آرایشی و صرف وقت در پای میز توالت برای بیرون رفتن، و کار مرد چشم چرانی و شکارچی گری شده است.^۲

این عطف توجه مردان به امور جنسی علاوه بر اینکه باعث ضایع شدن نیروی فعال جامعه می گردد چه بسا باعث حادثه آفرینی و افزایش جرم و جنایت در اجتماع گردد به گونه ای که می توان گفت سرچشمه بسیاری از حوادث مرگ بار، درگیری و نزاع های فردی و خانوادگی، قتل ها و جنایات، خودنمایی و بی حجابی برخی زنان

۱. نظیفی، عباس، دیگران، آسیب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹ ص ۸۳.

۲. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، تاریخ نشر ۱۳۷۹ ص ۹۷.

است.^۱

۱۱.۲.۸. افت تحصیلی و آموزشی در مراکز علمی

یکی دیگر از آثار و پیامدهای سوء بدحجابی، افت تحصیلی و آموزشی در میان دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر است. بی حجابی مشغولیت فکری دختران محصل را بیشتر می کند چون آنان را به سوی شناخت مدل های گوناگون آرایش موی سر و تقلید از مدهای متنوع سوق می دهد و در نتیجه آنان وقت زیادی را صرف آرایش ها و آراستگی های سر و صورت و لباس می کنند. هم چنان که مقدار زیادی از وقت آنان نیز به سخن گفتن درباره این گونه امور و طریق دسترسی به لوازم آرایش می گردد و به جای پرداختن به مباحث علمی و درسی خود به بحث درباره نوع آرایش مو، مدل لباس و ... می پردازند.

یکی از دانشجویان محجبه درباره تاثیر فرهنگ مدرگرایی در زندگی، خاطره ذیل را که مربوط به زمان قبل از با حجاب شدن خودش است، این گونه نقل کرده است:

"یادم می آید آن وقت ها که حجاب نداشتم اگر دو روز پشت سرهم قرار بود که به خانه کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم حاضر نمی شدم فردا بپوشم! احساس می کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده لباس دیگران را عاریه بگیرم و بپوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعا رفاه حال و راحتی را از خانم ها سلب کرده بود."

از سوی دیگر پسران دانشجو که دوران بحران جنسی را سپری می کنند، ممکن است به اشتیاق دیدن چهره چنان دختری درس و مطالعه را رها کرده و پس از دیدار، ساعت ها در اندیشه فرو روند و چه زیان بار و خطرناک خواهد بود آن گاه که این دیدارها، مکاتبه ها و دوستی ها، کارهای خطرناک و گناه آلود جدی را به دنبال بیاورد.^۲

۱. مهدی زاده، حسین، *پرسمان حجاب*، (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، قم، انتشارات صهبای یقین، تاریخ نشر ۱۳۸۶ ص ۱۷۱.

۲. همان ۱۶۰

۸.۳. نتیجه گیری

رعایت «حجاب اسلامی» یک رفتار بهنجار و پسندیده اجتماعی است که به نوبه خود دارای تبعات و آثار مثبت فردی و اجتماعی بسیاری است از جمله: حفظ کرامت و ارزش انسانی زن، محدود شدن التذاذهای جنسی و عاطفی به همسر شرعی، ایجاد مصونیت و امنیت برای زن، کاهش انحرافات جنسی، کاهش جرایم و جنایات جنسی، استحکام بنیان خانواده‌ها و کاهش طلاق و ... در مقابل «بی‌حجابی» یک رفتار نابهنجار و ناپسند اجتماعی است که دارای آثار منفی فردی و اجتماعی متعددی از قبیل: سلب امنیت زنان و دختران، افزایش خیانت همسران به یکدیگر، تضعیف و یا تخریب ارزش انسانی زن، سست شدن بنیان خانواده‌ها و افزایش طلاق، شیوع انحرافات جنسی، افزایش جرایم و جنایات جنسی و جرایم مرتبط با امور جنسی و ... می باشد.

از آنجاکه وضع قوانین کیفی در اسلام در جهت خیر و سعادت و مصلحت و منفعت مردم است، به عبارت دیگر رعایت مصالح و منافع فردی و اجتماعی و دفع مفسدات، اساس تمام مجازات و فلسفه احکام قضایی است؛ بنابراین جرم انگاری بی‌حجابی، الزام به رعایت حجاب اسلامی، با توجه به مضرات و مفسدات بی‌حجابی و فوائد حجاب اسلامی، امری معقول می‌باشد و بر مبانی فقهی و حقوقی استوار است.

فصل نهم: ارکان اختصاصی جرم بی حجابی

مقدمه

تعریف اصطلاح جرم برای جرم شناسی بسیار حائز اهمیت است و یکی از راههای تشخیص جرم بودن یک عمل ، تطبیق آن بر تعاریفی است که از جرم ارائه شده است ، که به این وسیله روشن شود جرم انگاری یک عمل باتعاریفی که از جرم ارائه شده است سازگاری دارد یا خیر. و از آنجا که هر عملی باید دارای ارکان سه گانه جرم یعنی رکن قانونی ، مادی و معنوی(روانی) باشد تا جرم محسوب شود ، بنابراین در این فصل ابتدا به تعریف جرم از دیدگاه های مختلف پرداخته، سپس به بررسی ارکان اختصاصی جرم بی حجابی می پردازیم.

۱.۹. تعریف جرم

اصطلاح «جرم» برای جرم شناسی به اندازه اصطلاح جامعه برای جامعه شناسی حائز اهمیت است. بنابراین برای اینکه ما بفهمیم جرم شناسی در مورد چه چیزی است، تعریف جرم، تعیین کننده و سرنوشت ساز خواهد بود. تعریف جرم از حیث تعیین اینکه مجرم کیست و موضوع جرم شناسی چیست نیز ضرورت دارد. بنابراین در ابتدا به تعریف جرم بنابر دیدگاه های مختلف می پردازیم.

۹.۱.۱. معنای لغوی جرم

جرم از ریشه عربی «ج ر م» به معنای قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند به کار رفته است.

جرم در لغت: جرم در لغت به معنای گناه، بزه و خطا بوده و از جرم به ذنب، اثم، سیئه عصیان و معصیت نیز تعبیر می شود.

۹.۱.۲. جرم از دیدگاه جامعه شناسان

از دیدگاه جامعه شناسان جرم عملی مخالف با نظم اجتماعی یا مخالف یکی از ضوابط و ارزشهای مشترک در جامعه است. این ضوابط و ارزشها برآمده از افکار، عقاید و شرایط فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است. به نظر برخی جامعه شناسان، مخالفت کردن با قواعدی که تخلف از آنها همواره، در هر دسته اجتماعی، جرم به شمار می رود، جرم طبیعی نامیده می شود.

دورکیم نیز جرم را چنین تعریف می کند: «عملی جرم است که حالات کاملاً آشکار و جدی از وجدان جمعی را جریحه دار کند.» و در تعریف آقای پارولی از جرم آمده است: «جرم معمولاً يك عمل ضد اجتماعی با آنچنان ماهیتی است که سرکوبی آن برای حفظ نظام اجتماعی موجود، ضروری بوده و یا ضروری فرض شود.»^۱

۹.۱.۳. تعریف جرم از نقطه نظر مذهبی

مذهبیون در تعریف جرم از عقاید دینی الهام گرفته و آنرا تزییع و تجاوز به حق الله و حق الناس می دانند. بنابراین از نظر الهیون جرم شامل مسائلی است که دارای مفساد اجتماعی و مفساد شخصی باشد. آقای دکتر

۱. عبدالفتاح، عزت، «جرم چیست؟ معیار جرم انگاری کدام است؟»، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۴۱، ص ۱۴۸.

فیض می گویند که فقها جرم را چنین تعریف کرده اند:

«جرم عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قولی که قانون اسلام آنرا حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است، یا ترک فعل یا قول، که قانون اسلام آنرا واجب شمرده و بر آن ترک، کیفری مقرر داشته است. و این از آنجا نشأت گرفته که هر کس از اوامر و نواهی خدایتعالی سرپیچی کند، برای او کیفر و مجازاتی معین شده است و آن کیفر یا در دنیا گریبانگیر مجرم می شود و در این صورت بوسیله امام علیه السلام، یا نایب او یعنی حاکم شرع و ولی امر و فقیه جامع الشرایط، یا قضات منصوب از طرف او به اجرا در می آید، و یا کیفر، تکلیفی است دینی که مجرم برای اینکه گناهش پوشیده و محو گردد انجام می دهد، تا کفاره گناه او گردد، یا اینکه کیفر، در آخرت مجرم را معذب خواهد داشت و گناهکار در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید، مگر آنکه توبه مجرم طبق شرایطی مورد پذیرش خدایتعالی قرار گیرد.»

بنا به تعریفی که از جرم در کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرائم به عمل آمده، گفته شده:

«جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده باشد.»

اگر تعاریف فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، معلوم می شود که:

اولاً: جرم در اسلام مترادف معصیت و گناه است. معصیت، خود نیز به دو قسمت تقسیم می شود:

الف) تجاوز به حق الله

تجاوز به حق الله یعنی تجاوز به حدود و حقوق خداوند متعال است که با استغفار، شخص معصیت کار میتواند از مجازات رهایی یابد.

ب) تجاوز به حق الناس

تجاوز به حق الناس یعنی تجاوز به حدود و حقوق امت اسلامی، است که گذشت شاکی خصوصی باعث رهایی مجرم از مجازات می گردد.

ثانیاً: جرم در اسلام شامل مسائل و موضوعاتی است که دارای مفاسد اجتماعی و شخصی بوده و تجاوز به مصلحت ها و ارزشهای اسلامی تلقی می شود.

این ارزشها عبارتند از: حفظ دین و کیان اسلام، حفظ نفوس، حفظ اموال، حفظ نوامیس و حفظ عقل.

ثالثاً: از نظر کیفر، جرائم در اسلام به دو گروه تقسیم شده و هر گروه دارای مجازات خاص می باشد:

الف) جرائمی که در محاکم شرع قابل اثبات بوده و می توان بر اثبات آنها ادله و شواهدی را اقامه کرده و از

شهود و حاضران در صحنه ارتکاب جرم کمک گرفت. این دسته از جرائم قابل مجازات دنیوی از قبیل حدود، قصاص، دیات و تعزیرات می باشند.

ب) گناهان و جرائمی که در محاکم شرع قابل اثبات نبوده و مجازات دنیوی ندارند، چرا که این دسته از گناهان در ماهیت خود به گونه ای هستند که غالباً شواهد و ادله ای که بتواند آنها را اثبات کند، در دست نیست مثلاً دروغ گفتن و سخن چینی از این قبیل معاصی هستند.

۴. ۱. ۹. جرم در اصطلاح فقهی

در اصطلاح عبارتست از هر نوع عملی که در شرع ممنوع، و دارای کیفر اخروی و یا دنیوی، همچون حد، تعزیر، قصاص، دیه و کفاره باشد؛ خواه در ارتباط با خود مجرم باشد مانند ترك نماز و روزه و نوشیدن شراب و یا ارتباط با دیگری، همچون ضرب و جرح و کشتن کسی بنابراین، جرم در اصطلاح فقهی مرادف معصیت است.^۱

۵. ۱. ۹. تعریف جرم از نقطه نظر قانونی

از نظر قانونی، جرم عبارت از عمل یا ترك عملی که قانون آن را پیش بینی نموده و برای ترك یا ارتکاب آن مجازات تعیین نموده باشد. به عبارت دیگر جرم، عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشند.

بر همین اساس مقنن جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲ قانون جدید راجع به مجازات اسلامی گفته است:

«هر فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.»^۲

۱. سایت «ویکی فقه»

۲. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی (۱)، تهران، انتشارات مجد، تاریخ نشر ۱۳۸۹ ص ۲۲۲.

۶. ۱. ۹. تعریف جرم از دیدگاه جرم شناسی

در جرم شناسی «جرم» علی الاصول به کلیه اعمال ضد اجتماعی یا تنش‌هایی اطلاق می‌گردد که جامعه را دست‌خوش آسیب می‌کند، خواه موجب آن عوامل فردی (زیستی - روانی) باشد یا محیطی و اجتماعی.^۱

۲. ۹. ارکان اختصاصی جرم بی‌حجابی

۱. ۲. ۹. رکن قانونی جرم بی‌حجابی

به موجب تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» درباره تبصره مزبور تذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

نکته اول: قانونگذار برای مرتکب جرم در این تبصره از کلمه «زنانی» استفاده کرده است. بنابراین مرتکب جرم فقط شامل زنانی خواهد بود که از نظر قانونی به سن «بلوغ شرعی» رسیده و دارای شرایط عامه تکلیف باشند، اعم از این که زن ایرانی یا بیگانه باشد. لذا در مسئله «حجاب اسلامی» خطاب مقنن فقط به زنان بوده و حکم این تبصره شامل مردان نمی‌باشد. حال این سوال پیش می‌آید که آیا رعایت پوشش مناسب، برای اقلیت‌های دینی هم الزامی است یا خیر؟ و اگر یک زن غیر مسلمان مرتکب جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» در معابر و انظار عمومی شود، مشمول این تبصره قرار خواهد گرفت یا خیر؟ به موجب ماده ۳ قانون مجازات اسلامی:

«قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی، هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.» بنابراین احترام به قانون برای کلیه افراد جامعه اعم از مسلمان و غیر مسلمان اجباری است و زنان نامسلمان در صورت عدم رعایت

۱. نظیفی، عباس، دیگران، آسب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹ ص ۱۳۸.

پوشش مناسب» در سطح جامعه، مشمول حکم تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی قرار خواهند گرفت. به همین ترتیب خارجیانی که طبق مفاد قانون اتباع بیگانه و مقررات ماده ۴۱ قرارداد بین المللی مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۸ از مصونیت ها بهره مند می شوند، مکلف به حفظ و اجرای قوانین و مقررات کشور پذیرنده بوده و باید آن را محترم بشمارند.

نکته دوم: قانونگذار عبارت «بدون حجاب شرعی» را در این تبصره به کار برده است. معنای حقوقی «حجاب» این است که زن در معاشرت خود با مردان نامحرم باید خود را بپوشاند و به خودنمایی و تحریک نپردازد و خانمی که خود را نپوشاند و به خودنمایی بپردازد باعث تحریک مردان و بالاخص جوانان شده و خود آنها هم به واسطه انجام این اعمال به شایستگی و تقوای خویش صدمه وارد خواهند ساخت. در نتیجه، منظور از «حجاب شرعی» در قانون این است که بدن خانم ها غیر از دو دست از مچ و صورت پوشیده باشد و طبعاً وسیله پوشش موضوعیت ندارد. در شرع مقدس اسلام حدود پوشش بانوان عبارت است از: «پوشاندن تمام بدن به استثنای صورت و دستها از مچ، که البته صورت و دستها از مچ باید کاملاً ساده و بدون هیچ گونه زینت و آرایش باشد مگر زینت هایی که قهراً آشکار هستند.

نکته سوم اشکالاتی است که بر این تبصره از قانون مجازات اسلامی وارده شده که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

الف) به کار بردن عبارت «در معابر و انظار عمومی»، توسط مقنن در این تبصره، کمی تأمل برانگیز است. به نظر می رسد مقنن با آوردن عبارت مذکور، دامنه شمول جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» (بی حجابی) را محدود نموده است. واضح تر بگوییم، آنچه که از این عبارت استنباط می شود این است که اگر زنان فقط در معابر و انظار عمومی مثل کوچه ها، خیابان ها، پارک ها، مراکز تفریحی، دانشگاه ها و موسسات و ادارات و ... بدون «حجاب اسلامی» ظاهر شوند مجرم و قابل مجازات هستند در غیر این صورت خیر. یعنی این تبصره شامل اماکن خصوصی نشده و زنان و دختران بالغی که در پارتی ها، مهمانی های خصوصی، تالارها و ... بدون «حجاب اسلامی» ظاهر شوند مشمول این تبصره نبوده و قابل مجازات نخواهند بود.^۱

ب) بسیاری از فقیهان، تعزیر را اعم از عطا، توییح، تهدید، شلاق و حبس دانسته اند که شایسته بود قانون گذار در این ماده (هم در متن و هم در تبصره) دست قاضی را برای اعمال کم ترین مرتبه تعزیر که تذکر و ارشاد است، باز می گذاشت و یک باره به حبس، شلاق و جزای نقدی متوسل نمی شد، چنان که درباره ماده ۲

۱. اقتباس از: نظیفی، عباس، دیگران، «آسیب شناس فلسفه قانونی حجاب»، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹، ص ۱۴۵-۱۴۲.

«قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشنندگان لباس هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می کند» (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸) و برخی موارد دیگر، این گونه عمل کرده است.

ج) ایراد دیگر این است که بر خلاف ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، در تبصره این ماده، به قید «جریحه دار شدن عفت عمومی» اشاره ای نشده و کافی است زنی حد شرعی حجاب را مراعات نکند تامشمول مجازات این ماده باشد، خواه با عمل وی، عفت عمومی جریحه دار شود یا نشود این در حالی است که در متن ماده، به این قید دست کم در ذیل ماده، تصریح شده است.

علت این تفکیک و در نتیجه، سخت گیری در موضوع بی حجابی نسبت به دیگر گناهان مشخص نیست، به عبارت دیگر، با وجود آنکه قانون گذار، مجازات بی حجابی را سبک تر از دیگر گناهان در نظر گرفته است، ولی با ذکر نکردن قید جریحه دار کردن عفت عمومی، نوعی سخت گیری نابجا در حق زنانی که با وجود بی حجابی، به هر دلیلی، عفت عمومی را جریحه دار نمی کنند. اعمال کرده است؛ زیرا در حال حاضر نیز بانوان در بسیاری از موارد، حد حجاب شرعی را رعایت نمی کنند. این کار ممکن است از نظر اخروی مستوجب کیفر باشد، ولی لزوماً موجب جریحه دار شدن عفت عمومی نیست.^۱

۹.۲.۲. رکن مادی جرم بی حجابی

رکن مادی جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» مستلزم تحقق شرایط زیر می باشد:

۹.۲.۲.۱. مرتکب جرم

همان طور که در رکن قبلی هم اشاره شد مرتکب جرم مزبور یک زن یا دختر دارای شرایط عامه تکلیف می باشد و این تبصره شامل مردان نمی شود.

۱. شفیع سروستانی، ابراهیم، حجاب مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۸۷ ج ۱، ص ۴۸۴.

۹.۲.۲.۲. ترک فعل

جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» در معابر و انظار عمومی از نوع «ترک فعل» می باشد، این جرم از جرایم منافی عفت عمومی مستوجب تعزیر است. عمل حرامی است که عفت عمومی را جریحه دار می سازد، حال سوال این است: عفت عمومی چیست؟ عمل حرام یعنی چه؟ جریحه دار کردن عفت عمومی به چه معناست؟ مشخص کردن این تعابیر بدون اینکه قانونگذار آنرا تعریف کرده باشد، امری بس مشکل است.

۹.۲.۲.۲.۱. عفت عمومی

حقوقدانان تعریف جامع و کاملی از آن ارائه نداده اند چه این جرم از جرائمی است که کمتر به آن توجه شده و بحث راجع به آن بسیار محدود است لیکن بعضی از صاحب نظران در تعریف این اصطلاح چنین بیان می کنند: «عفت عمومی درجه ای است از عفت که نوع مردم علاقه به صیانت آن داشته باشند و تابع شرایط زمان و مکان است.» در تعریف دیگر اینگونه آمده است: «مراد از عفت عمومی یک سلسله افکار، معتقدات اخلاقی، مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی است که با سطح بینش، فرهنگ، دانش، تحولات مادی و اقتصادی و ایدئولوژی هر کشور و هر قوم کاملاً مرتبط بوده و تشخیص آن در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرم است.

۹.۲.۲.۲.۲. عمل حرام

به هر عملی مادی اطلاق می گردد که مستلزم جریحه دار ساختن عفت دیگران شود. اجرای این عمل مستلزم وجود یک سلسله رفتار و یک حالت خاص است. لذا زنانی که در معابر و انظار عمومی اقدام به پوشیدن لباس و آرایش آنچنانی نمایند که موجب ترویج فساد در جامعه و یا هتك عفت عمومی باشد، «عمل حرام» تلقی می شود.

۹.۲.۲.۲.۳. جریحه دار کردن عفت عمومی

حقوقدانان برای روشن ساختن مفهوم عبارت «جریحه دار کردن عفت عمومی» تعاریفی ارائه کرده اند از جمله: «هر عمل و رفتاری که از نظر اکثریت افراد یک ملت مغایر با ارزش های پذیرفته شده اخلاقی [اجتماعی و دینی] باشد و ارتکاب آن، تجاوز به این قبیل ارزش هاست که از طرف مردم محترم شمرده می شود.» لذا،

جریحه دار کردن عفت عمومی عبارتست از «وارد ساختن لطمه روحی و جسمی به پاکدامنی و پارسایی جامعه که عقلاء آن را بر مبنای فطرت سالم پذیرفته اند.»

بدیهی است که ملاک جریحه دار شدن عفت عمومی، «عرف» است و تشخیص آن بر عهده دادگاه است به طوری که در هر مورد دادگاه باید عمل انجام یافته را با توجه به افکار، معتقدات و طرز تلقی اکثریت افراد جامعه سنجیده و در این خصوص حکم مقتضی صادر نماید.

۴.۲.۲.۹. مصادیق جریحه دار کردن عفت عمومی

همان طور که پیش تر هم اشاره شد، «عدم رعایت حجاب اسلامی» باعث جریحه دار شدن عفت عمومی می گردد اما قانونگذار مصادیق آن را مشخص نکرده است. با این حال، کمیسیون سیاستگذاری وزارت کشور به تعیین مصادیق آن پرداخته است که مختصر آن عبارتست از:

آرایش: استفاده از انواع وسایل آرایشی از قبیل انواع سایه چشم، انواع رژلب و گونه، انواع ریمل، انواع پولک، عینک های نمایشی، انواع لاک ناخن و سایر تغییرات زننده و نمایشی صورت و دستها.

البسه: استفاده از انواع روسی های نازک و کوتاه به طوری که موها و گردن را نپوشاند. استفاده از انواع لباس های شهره از قبیل کت و شلوار مردانه، بلوز و دامن بدون مانتو، مانتوهای کوتاه بالای زانو و آستین کوتاه، با مدل های دوخت متنوع چراغ دار و فلش دار و دارای علائم، نشانه ها و تصاویر خاص در یقه، تنه، پایین تنه، و آستین ها، استفاده از انواع شلوارهای کوتاه، استفاده از انواع جوراب کوتاه، گیپور، نازک و توری، لنگه به لنگه، شبرنگ، فلش دار، دارای علائم مستهجن و تصاویر و نشانه های خاص.

کفشها: استفاده از انواع کفش های نمایشی مانند: چراغ دار، لنگه به لنگه، رنگین، دارای علائم و تصاویر و نشانه های خاص.

متعلقات وابسته به البسه: استفاده از انواع وسایل نمایشی، مبتذل از قبیل کلاه، گردنبند، گوشواره، کمر بند، میچ بند (دست و پا) عینک، پیشانی بند، انگشتر، کیف، شال و دستمال گردن، کراوات و تسبیح، پابند، کمر بند (شب رنگ دار، پولک دار، چراغدار و ...) استفاده از انواع نشانه ها، علائم و تصاویر خاص و مستهجن و ...

۳. ۲. ۹. رکن معنوی (روانی) جرم بی حجابی

جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» (بی حجابی) از جرایم عمدی است و برای مجرم شناختن زن مرتکب، سوء نیت عام او کافی است. مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیر قانونی، حرام و برخلاف اخلاق حسنه بودن عمل ارتكابی خود، قصد انجام آن را نیز داشته باشد ولی لازم نیست که این قصد به منظور جریحه دار کردن عفت عمومی باشد بلکه ممکن است عمل ارتكابی از روی غفلت، بی احتیاطی یا بی مبالاتی صورت گرفته باشد. هر چند که فاعل قصد خاص عمل حرام نداشته باشد. البته انگیزه انجام چنین عملی غالباً خودنمایی است که موثر در مقام نیست و نمی توان آن را عمد خاصی به حساب آورد. به سخن کوتاه ملاک تحقق عنصر روانی جرم مزبور، گذشتن از حد و مرز احکام شرعی و قانونی است و همچنین امکان مشاهده دیگران کافی است یعنی او باید احتیاطات لازم را به عمل آورده باشد. خاطر نشان می شود که عنصر مادی این جرم، مطلق^۱ است و از جرائم آنی^۲ به شمار می رود.

حال يك سوال به ذهن می رسد که آیا جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» (بی حجابی) از جرایم قابل گذشت است یا خیر؟ البته چون تاکنون تعریف جامع و مانعی از حق الله و حق الناس و حق عمومی در قانون نشده است لذا برای تشخیص هر مورد باید به منابع فقهی مراجعه شود. ولی اصولاً جرائم دارای سه جنبه شناخته شده اند:

دسته ی اول: جرائمی که تعدی به حقوق الهی است و منحصر به حدود و تعریضات شرعی می باشد. دسته ی دوم: جرائمی که تعدی به حقوق جامعه و مخل نظم همگانی است و دارای جنبه عمومی است. دسته سوم: جرائمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص یا گروه معینی می باشند که دارای جنبه خصوصی است با این اوصاف جرم «عدم رعایت حجاب شرعی» (بی حجابی) از نظر قانونگذار واجد حیثیت عمومی و غیر قابل گذشت می باشد.^۳

۱. جرمی است که صرف انجام رفتار مجرمانه برای تحقق جرم کافی است و تحقق نتیجه مجرمانه ضرورتی ندارد مثل: خوردن سم به شخصی

۲. جرمی است که در یک لحظه یا در فاصله زمانی کوتاه اتفاق می افتد مثل: قتل، سرقت

۳. اقتباس از: نظیفی، عباس، دیگران، آسب شناس فلسفه قانونی حجاب، تهران، موسسه انتشارات دادگستر، تاریخ نشر ۱۳۸۹ ص ۱۴۵-۱۵۲.

۹.۳. نتیجه گیری

بر اساس تعاریفی که از جرم ارائه شد و مباحثی که در مورد ارکان اختصاصی جرم بی حجابی مطرح کردیم نتیجه می گیریم که جرم انگاری بی حجابی با تعاریف مختلف جامعه شناسی، مذهبی، فقهی، جرم شناسی و قانونی از جرم سازگار می باشد؛ زیرا بی حجابی عملی است مخالف نظم اجتماعی و عملی است نابهنجار که عفت عمومی را جریحه دار می کند و زیان های عدیده ای برای اجتماع به دنبال دارد و در عین حال تجاوز به حق الله و حق الناس می باشد و تزییع حقوق دیگران را به دنبال داشته و در شرع، عملی است حرام و ممنوع و از طرفی مانند سایر جرائم دارای سه رکن قانونی، مادی و معنوی (روانی) بوده و واجد حیثیت عمومی است بنابراین غیر قابل گذشت می باشد به همین دلیل قانونگذار آن را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است.

فصل دهم: نتایج و پیشنهادها

در این تحقیق مباحث مختلفی در مورد حجاب و عفاف و ملاک های جرم انگاری بی حجابی در فقه و حقوق موضوعه مطرح شد که در اینجا با توجه به یافته های پژوهشی به بیان نتایج و پیشنهادها می پردازیم.

۱.۱۰.۱. نتایج

- ۱- حجاب و عفاف دارای ریشه فطری هستند، به همین دلیل، ادیان الهی و دین مبین اسلام که احکام آنان بر اساس فطرت انسان است حجاب و عفاف را واجب دانسته اند.
- ۲- با توجه به آیات قرآن کریم حجاب و حتی مشکی بودن چادر، ریشه قرآنی دارد و خداوند متعال قانون حکیمانه حجاب را به دور از افراط و تفریط به بشریت عرضه نموده است.
- ۳- یکی از تلاش های دشمن برای کمرنگ کردن حجاب، تلاش برای جدا کردن بین حجاب و عفاف است اما با توجه به مباحث مطرح شده در فصل چهارم روشن شد که عفاف ریشه حجاب است و حجاب میوه عفاف، و این دو پیوند ناگسستنی با هم دارند.
- ۴- با توجه به اهمیت موضوع حجاب و عفاف، خداوند متعال در قرآن به مسائل ریز حجاب و عفاف نیز پرداخته است که با بیان آیات و روایات مطرح شده در این زمینه روشن شد که عفاف دامنه وسیعی دارد که در بحث حجاب و عفاف، زنان ملزم به رعایت آنها هستند.

۵- با توجه به آثار مهمی که حجاب و عفاف در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد، خانواده‌ها، مسئولین، دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور، همه و همه باید برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تلاش کنند که در این میان نقش خواهران، نقشی بی بدیل است

۶- یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه اسلامی وجود قوانین کارآمد و مترقی و حکیمانه است و از آنجا که قوانین الهی از جمله قانون حجاب و عفاف از حکیمانه‌ترین قوانین الهی است افراد جامعه باید خود را ملزم به رعایت آن نمایند.

۷- یکی از راههای اثبات جرم انگاری یک عمل توجه به فلسفه مجازات اسلامی است و از آنجا که اساس تمام مجازات‌ها در اسلام جلب منفعت و دفع مفسد از جامعه اسلامی است، می‌توان هر عملی که در جامعه باعث فساد شده و منافع جامعه را به خطر می‌اندازد جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تعیین نمود بنابراین با برشمردن مصالح و فواید حجاب و مفسدات و مضرات بی‌حجابی، که در این نوشتار به آنها پرداخته شد، جرم انگاری بی‌حجابی قابل اثبات است.

۸- یکی از انواع مجازات در قانون مجازات اسلامی تعزیرات است از آنجا که تعزیرات در اسلام تابع مفسده است بر اساس این نوع از مجازات قانونگذار میتواند «بی‌حجابی» را جرم تلقی کرده برای آن مجازات تعیین نماید.

۹- یکی از مبانی و ملاک‌های جرم انگاری «بی‌حجابی» قاعده فقهی «کل من خالف الشرع فعلیه حد او تعزیر» است، که فقهاء نسبت به این قاعده فقهی فی الجمله متفق القول هستند

۱۰- شارع مقدس با قرار دادن حق تعزیر برای حاکم اسلامی راه مبارزه با مفسد را در جامعه اسلامی برای وی بازگذاشته است و از آنجا که یکی از عوامل اشاعه فحشاء در کشور جمهوری اسلامی ایران بی‌حجابی است، جرم انگاری بی‌حجابی و تعیین مجازات برای آن امری مورد قبول شارع مقدس می‌باشد.

۱۱- بر اساس تعاریفی که از جرم ارائه شد و مباحثی که در مورد ارکان اختصاصی جرم بی‌حجابی مطرح کردیم نتیجه می‌گیریم که جرم انگاری بی‌حجابی با تعاریف مختلف جامعه‌شناسی، مذهبی، فقهی، جرم‌شناسی و قانونی از جرم سازگار می‌باشد؛ زیرا بی‌حجابی عملی است مخالف نظم اجتماعی و عملی است نابهنجار که عفت عمومی را جریحه دار می‌کند و زیان‌های عدیده‌ای برای اجتماع به دنبال دارد و در عین حال تجاوز به حق الله و حق الناس می‌باشد و تضییع حقوق دیگران را به دنبال داشته و در شرع، عملی است حرام و ممنوع و از طرفی مانند سایر جرائم دارای سه رکن قانونی، مادی و معنوی (روانی) بوده و واجد حیثیت عمومی است بنابراین غیر قابل گذشت می‌باشد به همین دلیل قانونگذار آن را جرم تلقی کرده و برای آن

مجازات تعیین کرده است.

۲.۱۰. پیشنهادها

- ۱- استفاده از توان همه دست‌اندرکاران فرهنگی برای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه.
- ۲- ایجاد یک مرکز پژوهشی فقهی و حقوقی برای بررسی قانون جرم‌انگاری بی‌حجابی و بر طرف کردن ایرادهای این قانون، و ایجاد زمینه‌های لازم برای اجرای این قانون مهم اسلامی.
- ۳- توضیح و تبیین دائمی فلسفه حجاب و فواید آن و همچنین بیان مفاصل شوم بی‌حجابی در جامعه
- ۴- با توجه به رابطه عمیق و ناگسستنی حجاب و عفاف یکی از ضمانت‌های اجرا و عامل استمرار و استواری حجاب تحکیم و تقویت عامل درونی آن، یعنی عفاف است. بنابراین باید دولت و مجلس و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور اقدامات لازم را برای ترویج فرهنگ عفاف که ریشه حجاب است بنمایند.

فهرست منابع و مأخذ:

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه

کتاب عربی

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، قم، ناشر جامع مدرسین، ۱۳۶۲.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، ناشر موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ۴- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، قم، ناشر موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۵ ق.
- ۵- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، ناشر موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۶- حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن آل الرسول (ع)، قم، انتشارات آل علی، چ ۱۱.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

- ۸- _____، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۹- شریف الرضی، محمد حسین، نهج البلاغه، تحقیق صالح للصیحی، قم، ناشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، قم، ناشر دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- ۱۱- منسوب به امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشریعه، بیروت، ناشر اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- ۱۲- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، ناشر مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، بیروت، احیاء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.

کتاب فارسی:

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه ی محمد رضا محلاتی، قم، ناشر نسیم کوثر
- ۲- احمدی جلفائی، حمید، احمد عالیشانی، سیمای حجاب و عفاف در آیات و روایات، قم، ناشر آستانه مقدسه، ۱۳۹۰.
- ۳- _____، احکام حجاب و عفت در گلستان مرجعیت، قم، انتشارات زائر، چ ۴، ۱۳۸۶.
- ۴- انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، قم، انتشارات دارالعرفان.
- ۵- انصاری قدرت الله، و دیگران، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، ناشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی چاپ اول، ۱۳۸۵.

- ۶- امینی، ابراهیم، همه باید بدانند، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۷- بروجردی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع الاحادیث الشیعه)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چ ۵ ۱۳۸۷.
- ۱۰- حسین زاده، علی، همسران سازگار، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، چ ۷.
- ۱۱- حسینیان، حامد، صدفی برای مروارید، قم، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۱۲- حسنی، علی اکبر، حقوق قضا از دیدگاه علی (ع) و نهج البلاغه، مکتب الاسلام، سال ۳۱، ش ۱۰.
- ۱۳- حسینی نیشابوری، سید علی اکبر، سخنرانی های استاد رفیعی (ویژه خانواده) قم، انتشارات صالحان، ۱۳۹۰.
- ۱۴- حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات صدا و سیما، چ ۱۰، ۱۳۵۹.
- ۱۵- حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد (ع) شرح نراقی، قم، انتشارات مهدی نراقی، چ ۵، ۱۳۸۵.
- ۱۶- خسروی حسینی، سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
- ۱۷- خویی، سید ابوالقاسم موسوی، موسوعه الامام خویی، قطع وزیری.
- ۱۸- دانش پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام.
- ۱۹- رشیدی، حسین، حجاب برتر، قم، مؤسسه انتشاراتی بیان الحق، چ ۷، ۱۳۸۹.
- ۲۰- سالاری فر، محمد رضا، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات هاجر، بهار ۱۳۹۰.
- ۲۱- _____، مبانی روان شناختی حجاب و عفاف با نگاهی به متون اسلامی.
- ۲۲- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی (۲)، تهران، انتشارات مجد، چ ۱۶، ۱۳۸۹.
- ۲۳- شفیعی سروستانی، ابراهیم، حجاب مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ نشر ۱۳۸۷.
- ۲۴- طباطبایی بروجردی، آقا حسین، تقریر بحث السید البروجردی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، چ ۱، ۱۴۱۶ ق.

- ۲۵- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ناشر شرکت سهامی انتشار. تاریخ نشر ۱۳۸۹ چ ۲۵
- ۲۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور (۱۰ جلدی) تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- ۲۷- لوئی دوسکوندار منتسکیو، روح القوانين.
- ۲۸- نظیفی عباس، و دیگران، آسیب شناسی فلسفه قانونی "حجاب"، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، چ ۱، ۱۳۸۹.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
- ۳۰- محمدی اشتهاردی، پوشش زن در اسلام، کانون انتشارات ناصر، ۱۳۶۰.
- ۳۱- مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- ۳۲- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۳۴- مهدی زاده، حسین، پرسمان حجاب، انتشارات صهبای یقین، چ ۱، ۱۳۸۶.
- ۳۵- مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، پرسمان حجاب شناسی، قم، شرکت چاپخانه بانک ملت.
- ۳۶- یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبایی، العروة الاوثقی (المحشی، محقق احمد محسنی سبزواری، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، چ ۱، ۱۴۱۹ ق.

مقالات:

- ۱- اسماعیلی، مریم، مریم کریمی تبار، «حجاب برتر و علل بد حجابی»، فصلنامه بانوان شیعه، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۳.
- ۲- جمشیدی، اسدالله، «تاریخچه حجاب در اسلام» فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال دوم، ش ۳، ۱۳۸۴.
- ۳- رحمانی سبزواری، علی، «الزامات فقهی حاکمیت و مردم در اعمال حجاب اسلامی»، پژوهش های فقهی، سال ششم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹.
- ۴- کرد فیروز جایی، مهدی، حجاب مصونیت یا محدودیت. مجله مبلغان شماره ۸۰

- ۵- عبدالفتاح، عزت، «جرم چیست و معیار جرم انگاری کدام است». ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۴۱.
- ۶- کمالی، سیده فاطمه، «پاکدامنی زن، آرامش روانی مرد، چالش ها و پیامدها»، فصلنامه بانوان شیعه، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۵.
- ۷- محدثی، جواد، «گلوژه های حجاب و عفاف»، فصلنامه کوثر.
- ۸- مهدی زادگان، داود، «تأملی در چگونگی الزام پوشش»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، ش ۳۷، پاییز ۱۳۸۶

نرم افزار

- ۱- نرم افزار جامع پیرامون حجاب و پوشش اسلامی، صفات
- ۲- نرم افزار جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزارهای نور
- ۳- نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزارهای نور
- ۴- نرم افزار آثار حجت الاسلام قرائتی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزارهای نور

فرهنگ های عربی

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ترجمة جمال الدین میر دامادی، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق
- ۲- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، ناشر موسسه دار الہجره، ۱۴۱۴ ق
- ۳- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تاریخ نشر ۱۳۵۱

فرهنگ های فارسی

- ۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹.



دانشگاه قرآن و حدیث
پریس تهران

جامعة القرآن و الحدیث

رسالة لنیل درجة الماجستير

فرع الالهیات

تخصص الفقه والمباني الحقوق

عنوان الرسالة

معايير التجريم لسفور و استهتار في الفقه و القوانين الوضعیه

الأستاذ المشرف

الدكتور سيد محمود علوي

الأستاذ المساعد

الدكتور محمد رسايي

الطالب

حسين مهدوي

موعد المناقشة

رجب المرجب ١٤٣٤

المُلخَص

يعتبر التَّجْرِيمُ احد السياسات الجنائية لكل دولة حياله الجُنُوهات الاجتماعية حيث يحدّد الشارع نظراً للقواعد والقيّم الجارية في المجتمع بقيام لمنع فعلٍ او تركه و يُفرض العقوبات لضمّانها.

بما ان السُّفور في القوانين المتعلقة بالجزاء الاسلامي طُرِحَ باعتباره جنايتاً اذاً درسنا في هذا البحث المعايير التجريم حول السفور في الفقه والحقوق الموضوعه و مبانيه الرئيسيّه.

وُثِّقاً لآيه المباركه ١٩ لسوره النور (ان الذين يحبون ان تشيع الفحشه في الذين آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والاخره والله عليهم حكيم) اذن الله للحاكم بكفاح ضد تَفَشِّي الفساد و الفحشاء في المجتمع حيث نرى هذا الامر واضحاً جلياً في هذه الايه الكريمة، اذاً تُعْتَبَر الادله المتعلقة بالتعزيرات او بعبارة اخرى وُثِّقاً لما جاء في القاعدة الفقهيّه (كل من خالف الشرع فعليه حد او تعزير) فان السفور هو احد المعايير التَّجْرِيمِ.

حيث ان عدم المراعات للحجاب الاسلامي يُخل بنظام الاجتماعى و صحه النفسيه والامن الخُلُقِي في المجتمع والاسره اذاً نعتبر السفور في عداد الجرائم الاجتماعيه حيث ينطبق تعريفه على ما قيل في تعريف الجرم في المجتمع.

فانطلاق من هذا و نظراً للحجج الدائرة بالشان الامر بالمعروف و نهى عن المنكر و ولاية الحكومه الاسلاميه في الشئون الحسيبيه تتم الملاحظه للمجرمين حول السفور من قبل الشارع و الحاكم.

و بما ان المراعات للمصالح الشخصيه والاجتماعيه و دفع الفساد هي كحجر الاساس للعقوبات الاسلاميه و فلسفه للاحكام الاسلاميه يمكننا القول بان وجود المصالح في القانون الحكيم للحجاب و مفاصد في عدم المراعات هو احد المعايير لتَّجْرِيمِ تدور حول السفور.

فعلی هذا البناء و علماً بان الجزاء الاسلامي هو خاضع للنفس و عقل والدين و المال حيث تعتبر احداها معياراً لارتكاب جرائم في عمل ما. فالسفور كما قلنا اناً يتعلق برمتها

فنظراً لما ذكرناه سابقاً ان اعتبار السفور جرماً امرٌ ينطبق على العقل والمبادئ الوثيقه في الفقه والحقوق.

الكلمات الرئيسيّه : التَّجْرِيمِ، الحجاب، السفور، المبادئ الفقهيّه . القواعد الحقوقي

Abstract

Criminalization is one of the important criminal policy tools in a country to oppose crimes and social deviations by which the legislator forbid an act or it's negligence and determine performance warranty for it according to social merits and customs .

Whereas in Islamic Criminal Code “being without a veil “ has been stated a crime for women, this thesis has been dealt with its criminalization grounds in Islamic jurisprudence and situated law along with its specific basis.

According to 19th verse of Noor Chapter of holly Quran, God the almighty has given the divine prosecutor an open hand, providing him with punishment right. So punishment right reasons and in other words the Islamic jurisprudence rule that says “ all that is opposing the religion is subject to penance or punishment” is one of the grounds to criminalize “unveiling of women”.

Since disregarding the Islamic veil is harmful for public order, psychological health , social morality and families so it has been included in public crimes and its criminalization is compatible with crime definition. Therefore and according to reasons for “directing to lawful and forbidding the sinful acts”, Islamic government’s control over non-litigious acts, the necessity to establish social order and public

security, “unveiling of women” is a crime which can be prosecuted by Islamic government and legislator.

Seeing that regarding the individual and social interests and repelling corruptions is the base for penalty and is a philosophy for judicial verdicts, it could be stated that one of the grounds to criminalize “unveiling of women” is its damages to society. Islamic criminal system is a function of interests like: self, wisdom, religion, generation and property, each of them is a ground to criminalize an act.

“unveiling of women” is related to all above mentioned affairs so according to what has been said its criminalization is a rational matter and is based on law and jurisprudence fundamentals.

Keywords: criminalization, veil (Hijab)and chastity, unveiling of women, law bases, jurisprudence fundamentals



دانشگاه قرآن و حدیث
پردیس تهران

Quran & Hadith Faculty

A Thesis

Presented for Quran & Hadith

Master degree in feqh and mabani

Title

Grounds to criminalize "woman's unveiling" in Islamic
jurisprudence and situated law

Supervisor

Dr.Seyed Mahmood Alavi

Advisor

Dr.Mohammad Rasaei

By

Hosien Mahdavi

Month and year

May 2013